



سیمای شاهان و نام آوران ایران باستان

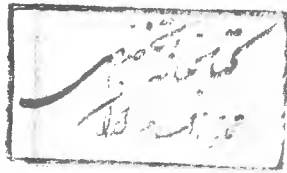
از انتشارات

شورای مرکزی جشن شاهی ایران

تألیف:
بانو ملک زاده بیانی

دکتر محمد اسماعیل رضوانی

فروردین ۱۳۴۹



سیمای شاهان و نام آوران ایران باستان

از انتشارات

شورای مرکزی جشن شاهی ایران

تألیف:

بانو ملک زاده بیانی

و

دکتر محمد اسماعیل رضوانی

فروردین ماه ۱۳۴۹

فهرست مندرجات

سرآغاز

صفحه ۱

- | | |
|------|------------------------|
| ۵ « | فصل اول : پادشاهان ماد |
| ۹ « | فصل دوم : هخامنشیان |
| ۲۲ « | زنان عهد هخامنشی |
| ۲۴ « | فصل سوم : اشکانیان |
| ۳۲ « | بانوان عهد اشکانی |
| ۳۴ « | شاهزادگان پارس |
| ۳۶ « | فصل چهارم : ساسانیان |

فهرست تصاویر

منابع فارسی

منابع خارجی

سیمای شاهان نام آوران ایران باستان

سر آغاز

هنر خاص ایران که همواره مایهٔ اعجاب و حیرت جهانیان بوده است با وجود حوادث گوناگون هیچگاه از میان نرفته است. استعداد هنر آفرین ایرانی همواره در بازار هنر جلوه گر بوده و اکنون برای بروز و ظهور مجدد میدان یافته است. قلم ریزنگار و جادوگر معدودی از هنرمندان در زوایای وحدت و خلوت، در کنج کارگاهها بر روی صفحه های کاغذ بگردش در آمده است. ریزه کاریها و ظرافت ها و نازکیهای هوش زدا و وهم افزا که از اندیشه های خیال پرور آنان مایه میگیرد بازار هنر را جلوه و جلا داده است.

با این همه، در آثار هنرمندان گرانقدر ما یک کمبود بچشم تماشاگر مطلع میخورد و آن اینکه بسیار از تصاویری را که از مردان بزرگ تاریخ بر صفحه کاغذ مجسم کرده اند مستند نیست، هنرمند از قدرت تخیل و تصور شخصی خطوطی ترسیم کرده با سایه روشنی که در عالم اندیشه خود او تجسم یافته به تصاویر جان بخشیده و آنگاه لباسهایی برنگهای مختلف که خود فرض کرده بر تن قهرمانان تصویری خود پوشانده و صحنه ای تاریخی بوجود آورده است که با همه دل انگیزی و زیبایی از نظر علمی با حقیقت فاصله ای عظیم دارد. در بسیاری از موارد هنرمند از حقیقت دور مانده و سعی و رنج او ضایع شده است.

تردیدی نیست که در این کمبود گناهی متوجه هنرمند نیست زیرا او باید در کنج گارگاه خود سر گرم کار هنری خود باشد. گناه از کسانی است که میتوانند در این راه با و کمک کنند و تاکنون غافل مانده اند. سالت است که در این اندیشه بوده ایم که چهره واقعی قهرمانان تاریخ را روشن سازیم و به علاقمندان فرهنگ و ادب و هنر ایران عرضه نمائیم و با مطالعه تصاویری که در دامنه کوهها و بر

در و دیوار شکسته بناهای تاریخی بجا مانده و یا در روی سکه ها نقش بسته بکمک وصفی که مورخین از قد و بالا و سیمای قهرمانان تاریخ کرده اند مجموعه ای فراهم سازیم و با بضاعت مزجاة و سرمایه قلیل تا جائیکه قدرت و استطاعت علمی اجازه میدهد بسهم خود بعالم هنر خدمت کرده باشیم و اکنون بسیار خوشحالیم که این باب را با ارائه این اثر ناچیز گشوده ایم .

تاریخ ایران را برای وقوف بر چهره واقعی قهرمانان میتوان به پنج دوره مشخص تقسیم کرد :

۱ - ایران تا ظهور اسلام - از این دوره اسناد و مدارك فراوان برای وصول به مقصود در دست است زیرا اولاً در کتیبه ها و آثار متعددی که در نقاط مختلف اقلیم پارس و کرمانشاهان و همدان و خوزستان و دیگر نقاط ایران و خارج ایران موجود است تصاویر پادشاهان و بزرگان ترسیم شده که لا اقل آرایش چهره و نوع لباس را بخوبی مشخص میسازد. ثانیاً چند مجسمه نیز از دستبرد حوادث مصون مانده است. ثالثاً سکه های شاهنشاهان و فرمانروایان بطور کامل باقی است که بر روی همه آنها تصویر فرمانروایان نقر شده است و در روی ظروف و پارچه ها و آثار فلزی تصاویر بسیاری از شاهان ساسانی موجود است. رابعاً در نوشته های مورخین یونانی و رومی و غیره کم و بیش مطالبی وجود دارد که مطالعه آنها در راه وصول به مقصود بی فایده نیست. گذشته از اینها مطابق روایاتی که در دست است شاهنشاهان باستانی بتدوین تاریخ گذشتگان سخت اهمیت میداده اند و شرح حال گذشتگان خود را تدوین میکرده اند و با نضمام تصویرشان نگاه میداشته اند. در کتاب التنبیه والاشراف مسعودی داستان ذیل آمده است :

« در سر زمین فارس در سال ۳۰۳ پیش یکی از خاندانهای بزرگ پارسی کتاب عظیمی مشتمل بر دانشهای بسیار دیدم . مطالبی در آن کتاب نوشته شده بود که در سایر کتب مانند : « خدای نامه » و « آئین نامه » و « کهنانه » ندیده بودم در این کتاب تصویر ۲۷ تن از شاهنشاهان ساسانی آمده بود که از آنان دو تن زن بودند »

مورخین بعدی قسمتی از این مطالب را در آثار خود نقل کرده اند .

۲ - از ظهور اسلام تا حمله مغول : از این دوره بندرت از مردان بزرگ تاریخ تصویری دیده میشود. شارع مقدس از بیم آن که مبادا روح بت پرستی در مغز اعراب باقی ماند رسم تصویر را منع فرموده است و به همین جهت مسلمانان کمتر گرد تصویر گشته‌اند در این دوره نه بر روی سکه‌ها تصویری است و نه بر روی بناها، تنها بر بدنه ویرانه‌ها و ظرفهائی که باقیمانده است بندرت تصویرهائی وجود دارد که منحصرأ نوع لباس و آرایش چهره مردم آن عصر را نشان میدهد.

در عوض مورخینی که متوجه این کمبود شده‌اند بقدرت قلم چهره مردان تاریخ را وصف کرده‌اند در کتاب «مروج الذهب» و «التنبیه والاشراف» مسعودی چهره خلفا بخوبی وصف شده و نیز در کتابهای «سنی ملوک الارض» و «مجمل التواریخ والقصص» و دیگر متون تاریخی مفصل، قیافه شاهنشاهان ساسانی توصیف گردیده است. در کتاب «راحة الصدور و آية السرور فی تاریخ آل سلجوق» وصف قد و بالا و صورت و سیمای تمام پادشاهان سلجوقی وجود دارد و نیز در میان متون تاریخ کم و بیش مطالبی از این نوع موجود است فقط فراغتی لازم است و ذوقی که این مطالب را از زوایای اوراق بیرون کشند و در دسترس قرار دهند.

۳ - از حمله مغول تا شاهنشاهی صفوی - در این دوره مکاتب مختلف نقاشی در سرزمین ایران رواج یافته است مانند مکتب هرات و مکتب تبریز و در کتب ادبی و تاریخی به این سبک مجالس مختلف رزم و بزم ترسیم شده که گوشه‌ای از نوع زندگانی بزرگان آن زمان را روشن میسازد. تصاویر مینیاتوری از نظر اصول نقاشی برواقیت و حقیقت منطبق نیست ولی با مطالعه آنها میتوان نوع لباس و نحوه آرایش مردم آن زمان را بخوبی روشن ساخت و موادی الهام بخش بدست آورد.

۴ - از شاهنشاهی صفوی تا رواج عکاسی در ایران :

در این دوره شاهنشاهان صفوی بزرگترین مشوق هنرمندان بودند و انواع هنر و صنعت به اوج ترقی و تعالی رسید، در نقاشی نیز مکتب خاصی بوجود آمد که با ارتباط هنری بین هنرمندان ایران و اروپا بصورت تازه‌ای جلوه کرد و راه تحول را بسوی کمال پیمود. بارزترین نمونه آن، آثار کاخ‌ها و تصاویر و مجالسی است که مبین زندگی شاهنشاهان و بزرگان این دوره میباشد.

با مطالعه آثار هنری این دوره میتوان بطور صحیح قیافه شاهنشاهان و ناموران آن زمان را درك نمود.

ه - از رواج عکاسی تا بحال :

فن عکاسی در اواخر پادشاهی محمد شاه وسیله مسیو ریشار خان معلم زبان فرانسه رواج گرفت و در اواخر پادشاهی ناصرالدین شاه بجائی رسید که « شماره اساتید عکاسی و مواقع عکاسخانه ها در دارالخلافه تهران و سایر بلاد معظمه ایران صعوبت و اشکالی به کمال دارد » (۱)

از این ببعد تصاویر رجال ایران در دست است بخصوص از هر یک از رجال عصر لااقل یک تصویر میتوان تهیه کرد. روزنامه های دولت علیه ایران روزنامه های « شرف » و « شرافت » پرست از تصاویر بزرگان و رجال عهد قاجاریه و برای پویندگان و سالکان این راه آنچه بخواهند مواد و مصالح کار وجود دارد.

فصل اول

پادشاهان ماد

پادشاهان ماد چهار تن بودند که بترتیب عبارتند از :

۱ - دیاکو ۲ - فره ورتیش ۳ - هوخشتره ۴ - اژدهاک

اینان از سال ۷۰۸ ق. م تا ۵۵۰ ق. م بر قسمت عمده فلات ایران فرمان -

روائی کردند.

متأسفانه آنچنانکه از شاهنشاهان هخامنشی تصاویری بر بدنهٔ ساختمانها و بر دامنهٔ کوهها باقی است از پادشاهان و درباریان ماد تصویری باقی نمانده است و ما ناچاریم برای وقوف بر آرایش چهره و نوع لباس آنان کتیبه هائیکه از آشوریان و هخامنشیان بدست آمده است تحت مطالعه قرار دهیم و بتوصیفی که مورخین یونانی مانند : هرودت ، گزنفون و کتزیاس کرده اند اکتفا کنیم .

اما قبل از آنکه این مطالعه انجام گیرد باید توجه داشته باشیم که پادشاهان و بزرگان ماد و همچنین مردم عادی مانند همهٔ اقوام و ملل لباسهای گوناگون داشته اند، لباس زمستان و تابستان آنان با هم تفاوت داشته ، لباس مجالس جشن و بخصوص تشریفات درباری بالباس عزا و لباس عادی متفاوت بوده از همه مهمتر اینکه پوشاک آنان متناسب با مقتضیات محیط و اوضاع جغرافیائی بوده است. بهمین علت است که در تصاویری که از آنان در کتیبه های مختلف برجاست در آرایش چهره و نوع لباس آنان اختلافاتی دیده میشود اما چون هدف

از تدوین این کتاب تشریح و توصیف سیمای شاهنشاهان و ناموران ایران است ابتدا بتوصیف پادشاهان ماد میپردازیم .

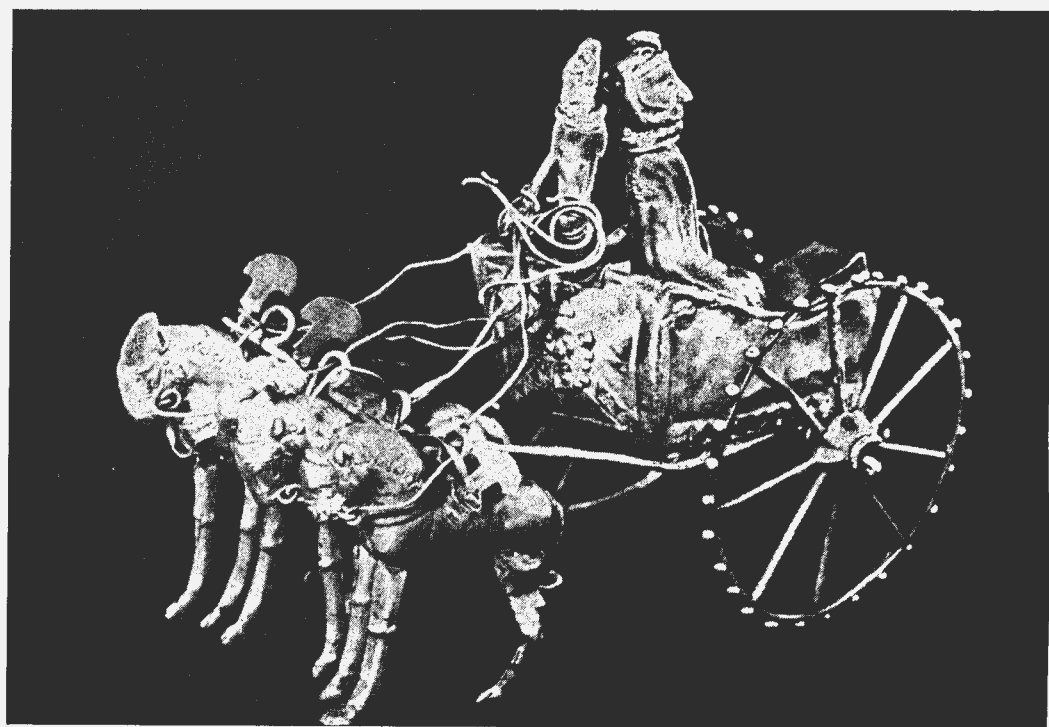
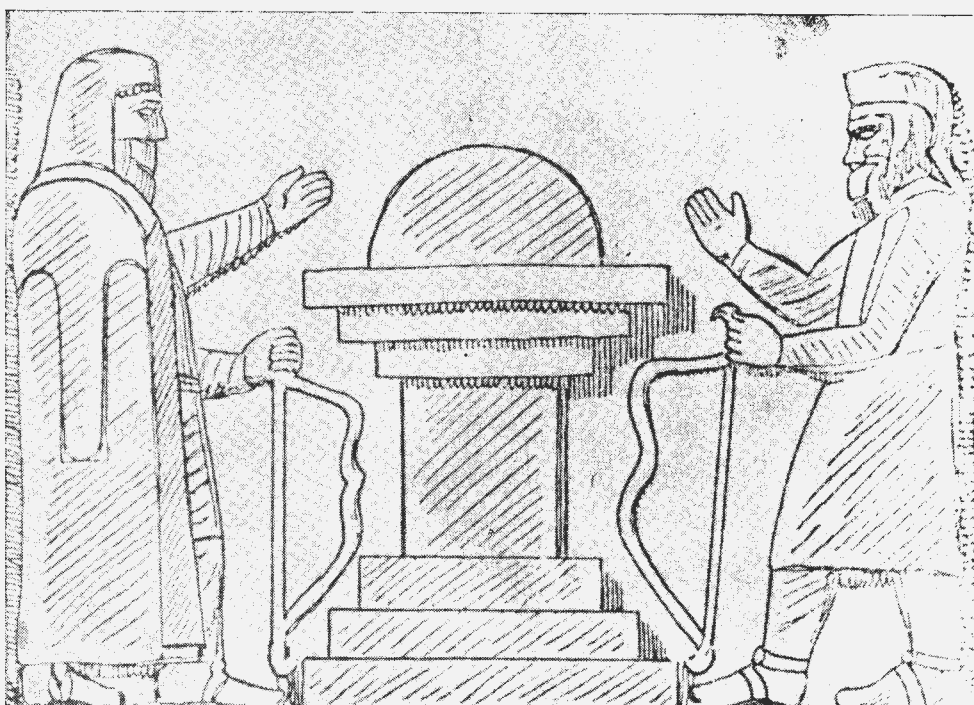
از چهره « دیاکو » و نوع لباس او متأسفانه سندی که حاوی نکته روشنی باشد بدست نیامده ولی از مجموعه مطالبی که مورخین یونانی بدست داده‌اند چنین پیدا ست که وی از قدرت روحی و جسمی و تناسب اندام و زیبایی چهره و سلامت جسم بحد کافی برخوردار بوده است و ما در این کتاب بموارد متعددی بطور مستند بر خورد خواهیم کرد که یکی از اختصاصات مردان بزرگ و سر سلسله ها تناسب اندام و زیبایی چهره بوده است و یکی از شرایط مهم محبوبیت نزد عامه موزون بودن اندام و قد و قامت رسا و جذابیت چهره است . « دیاکو » نیز از سر سلسله هائی است که در پرتو محبوبیت بمقام سروری و پادشاهی و فرماندهی رسیده است .

اما تردید نیست که سر سلسله خاندان ماد مانند تمام نوابغ و سر سلسله های دیگر بغایت ساده زیسته و از آراستن خود احتراز داشته است و ما باید برای نشان دادن تزئینات لباس وی بسراغ جانشینان او برویم .

متأسفانه کیفیت زندگی پسرش « فره ورتیش » نیز در پرده ای از ابهام قرار گرفته و از « هوخشتره » نوۀ او نیز باتمام عظمت و جلالی که داشته و نخستین پادشاه فاتح سلسله های شاهنشاهی عریض و طویل ایران و اولین پایه گذار شاهنشاهی و فاتح نینوا بوده است مطلبی روشن و قاطع و بیچون و چرا در دست نیست .

در مقبره قزاقپان (۱) بر روی صخره ای تصویر دو تن مادی دیده میشود که محققین حدس میزنند یکی تصویر هوخشتره است و دیگری تصویر روحانی بزرگ ماد (ش ۱) . اگر این حدس درست باشد پادشاه بزرگ ماد لباس بلندی لباده مانند که تا زیر زانو می رسیده برتن داشته ، آستینهای لباس بلند و چسبان بوده و تامیچ دست میآمده است . شلواری برپا نمیکرده که از بالا گشاد بوده و بتدریج تنگ و چسبان میشده و نواری سر شلوار را جمع میکرد و دنباله آن به جلوی کفش گره میخورده و نیز نوار دیگری بشکل حلقه از کفش او عبور میکرد است تا شلوار از روی کفش بالاتر نرود . کفشی نیز ظاهراً از چرم و بشکل پا میپوشیده که پاشنه کوتاهی داشته است .

۱ - واقع در نزدیک سلیمانیه فعلی



ش (۱) نقش قیزقاپان

ش (۲) گردونه زرین از گنجینه جیحون



ش (۳) یکی از بزرگان ساسانی
از گنجینه جیحون



ش (۴) مجسمه برنزی
(سوزه بریتانیا)

کلاه وی کلاه ساده‌ای بوده است که معمولاً بزرگان ماد در مواقع عادی بر سر می‌گذاشتند و ظاهراً جنس آن از پارچه یانمد بوده است که جلوی آن تا پیشانی بطور مستقیم می‌آمده و پشت سر دنباله‌ای داشته که تا پشت گردن را می‌گرفته است.

در این تصویر شاه ماد هیچ نوع اسلحه‌ای جز کمان ندارد قطعاً این کمان علامت قدرت است که از طرف رهبر مذهبی به شاه تقدیم شده است.

اگر هم تصویر مذکور از هوخشتره نباشد لااقل تصویر یکی از بزرگان و ناموران ماد میباشد. اهمیت تصویر فوق بیشتر به این است که قیافه یک مرد روحانی دوره مادی را نیز بتمام و کمال نشان میدهد و ما وقتی این تصویر را با تصویری که نزدیک سرپل ذهاب برجاست مقایسه کنیم به دو نوع لباس بزرگان دینی برخورد میکنیم که با هم تفاوت چندانی ندارد.

تردید نیست که لباس هوخشتره همیشه به این سادگی نبوده است زیرا در میان اشیائی که از گنجینه جیحون بدست آمده است گردونه‌ای (ش ۲) است از زرناب که نمونه‌ای از ازارابه‌های سلطنتی آن زمان است و پیداست که سایر تشریفات و شئون درباری متناسب با گردونه مذکور بوده است. دیگر از اشیاء گنجینه جیحون نقش برجسته مردی است مادی بر صفحه‌ای زرین که برسم بدست دارد و لباس او دارای تزئینات زیادی است (ش ۳). همچنین مجسمه برنزی شاهزاده مادی سوار بر اسب بدست آمده (ش ۴) که اکنون در موزه بریتانیاست. با توجه به آثار مذکور میتوان حدس زد که هوخشتره در مواقع رسمی و اعیاد لباسهائی فاخر و غرق در جواهر گوناگون داشته و تاجی نیز که بگوهرهای فراوانی مزین بوده است بر سر می‌گذاشته و گوشواره بر گوش و گردن بندی بر گردن می‌آویخته و هنگام مراسم سلطنتی در اعیاد و جشنها در گردونه‌ای زرین حرکت میکرده است.

روشن ترین مطلبی که از قیافه وقامت و آرایش شاهان ماد در دست داریم از «اژدهاك» آخرین شاه ماد است در کتاب «تربیت کوروش» تألیف «گزنقون» توصیف جالبی از وی دیده میشود در این کتاب مینویسد: کوروش هنگامیکه در ۱۳ یا ۱۴ سالگی برای نخستین بار به پدر بزرگ خود برخورد او را چنین یافت:

« مردی با موهای عاریه و چشمانی رنگ کرده و صورتی آراسته و غرق جواهر : کوروش خیره خیره به او نگریست و بانگ بر آورد « مادر ، پدر بزرگ چقدر زیباست » در اینجا گزنفون اضافه میکند که : بهنگام جشنها مادیها عادت داشته‌اند که لباس ارغوانی بپوشند و ردای بلند برتن کنند و گردن‌بند های متعدد برگردن و دست بندهای مزین به دست بیاویزند ، در صورتیکه پارسیها حتی امروز هنگامیکه در خارج از کشور خویش باشند دارای جامه‌های بغایت ساده هستند و در رسوم و آداب صحبت خیلی ساده و عاری از این قبیل تجملات میباشند و سپس ادامه میدهد که مادرش سؤال کرد پدرش زیبا تر است یا پدر بزرگش ؟ کوروش جواب داد: مادر ، پدرم بین پارسیها از همه زیبا تر است اما از این اهالی ماد که در بین راه و در خانه دیده ام پدر بزرگم آراسته تر و قشنگتر است . اژدهاک طفل را در آغوش گرفت و لباس فاخری بر تنش کرد و با انواع دست بندها و گردن بندها آرایش داد ، چون با اسب به محلی عزیمت میکرد او را بر روی اسب دیگری بالجام طلا همانند مرکب خود میبرد و به تفریح میپرداخت ، کوروش مانند اطفالی که از لباسهای فاخر و رنگین مسرور و شاد میشوند تجملات خویش را دوست میداشت و مخصوصاً به اسب سواری عشق مفراط و بی پایانی ابراز میداشت . »

با اینهمه نمیتوان جزیک دورنمای مبهم از اژدهاک و بطریق اولی از اسلاف او در نظر مجسم ساخت ، آنهم بشرط اینکه اوصاف سابق الذکر را با مطالب کتیبه‌های متعددی که از آشوریه در باره مادیها باقی مانده است در آمیزیم . در ناحیه سکاوند واقع در جنوب غربی هرسین کرمانشاه دخمه‌ای است که در بالای آن تصویر مردی است که در مقابل آتشدانی بحال نیایش ایستاده است محققین حدس میزنند که دخمه مذکور آرامگاه اژدهاک و تصویر بالای آن نیز تصویر اوست (ش ۵)



(نقش برجسته (سکاوند بفاصلهـ

بلومتر جنوب غربی هرسین کرمانشاه)

(قسمتی از نقش برجسته کوروش (در پاسارگاد)



فصل دوم

هنر منشیان

کوروش - متأسفانه از کوروش تصویری یا مجسمه‌ای کامل پیدا نشده و در دوره او ضرب سکه نیز در ایران معمول نبوده است. تنها در پاسارگاد در درگاه شرقی کاخ اختصاصی نقش برجسته‌ای از کوروش نقر است که قسمت بالائنه آن متأسفانه از بین رفته است (ش ۶) و نیز در پاسارگاد نقش بالدار است که کتیبه‌ای بنام کوروش داشته بعضی از مورخین آن را تصویر واقعی وی می دانند (ش ۷) مهری لوله‌ای شکل در پاسارگاد به دست آمده که صحنه شکاری روی آن کنده کاری شده است شاید تصویر روی این مهر از کوروش یا پسرش کمبوجیه باشد (ش ۸). ولی با مطالعه احوال کوروش که بطور مفصل در متون متعدد از دنیای قدیم بجای مانده به سادگی و بوضوح میتوان فهمید که او هم مانند اغلب سرسلسله‌ها از زیبایی و تناسب اندام وقامت برخوردار بوده است و بهمان نسبت که در میان سرسلسله‌های شاهنشاهان ایران بزرگ تر و محبوبتر و برجسته تر است، از نظر چهره و قد و قامت نیز دلپذیر تر بوده است.

کوروش در روزگار کودکی و در عنفوان جوانی چنان زیبا بوده که بینندگان را مجذوب و مسحور خود میکرده و بی اختیار دلها را در شکنج و چین زلفهای پر پیچ و تاب خود گرفتار میساخته است.

زیبائی کوروش و تناسب اندام او تا حدی بوده است که مورد تحسین مورخین یونانی از آنجمله گزنفون قرار گرفته است و راجع بان داستانهای دلکش نقل کرده اند.

یکی از صفات بارز مردان بزرگ این است که قلباً و روحاً
لباس کوروش و تجملات به تجمل علاقه‌ای ندارند و تا آنجا که ممکن است در زندگی
خصوصی بسادگی زندگی میکنند و در عین حال از این امر
نیز غافل نیستند که تجمل و شکوه در روح توده مردم تأثیری شگرف دارد و یکی
از عواملی است که آنان را به اطاعت و میدارد.

اگر نوشته‌های مورخین یونان را ملاک قرار دهیم کوروش نیز در عین
سادگی و صفای روحی از نشان دادن مظاهر جلال و شکوه خود غفلت نداشته
و هنگامیکه در مجالس رسمی حضور مییافته غرق در جواهر گوناگون بوده است،
حتی پس از مرگ نیز از تزیین جنازه او غفلت نشده است.

آریستوبولس^(۱) مورخ یونان از دانشمندان همراه اسکندر در سال ۳۸۰ ق.
م کتابی مربوط به تاریخ و جغرافیا و نژاد شناسی و تاریخ طبیعی کشورهایی که
اسکندر از آنها گذشته بود نوشته. در این کتاب آرامگاه کوروش را چنین وصف
میکند:

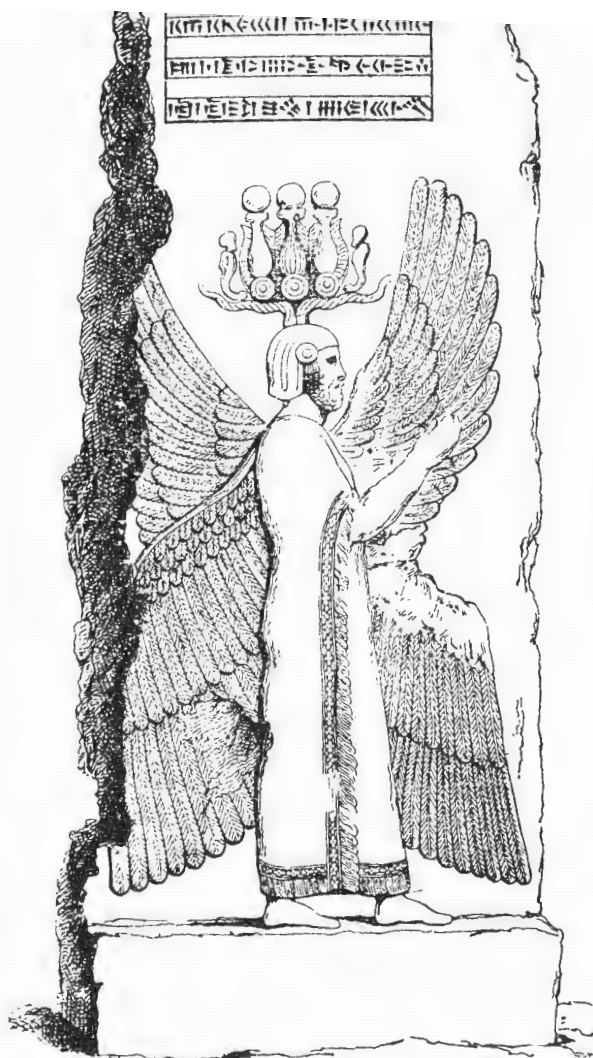
«جنازه کوروش را در تابوتی از زر گذاشتند که بر تختی نهاده شده بود
که پایه‌هایش از زر بود و میزی بود که بر آن شمشیرهای کوتاه پارسی، گردن‌بندها
و گوشواره‌هایی از سنگهای گرانبها از زر نشانه نهاده بودند سندس و کتان دوخت
بابل تنبانه‌های مادی جامه‌های آبی یا ارغوانی و رنگهای دیگر. لباس و یافته‌های گل
و بوته‌دار بابلی همه را رویهم چیده بودند»^(۲)

گزنقون در فصل سوم از کتاب هشتم تشریفات نخستین باری که کوروش
از حرم شاهی بیرون رفته است چنین توصیف میکند:

«حال به بینیم کوروش نخستین بار چگونه از کاخ شاهی خود بیرون رفت؟
شکوه و عظمت این مراسم موجب شد که اعتبارش در نظر مردم بیشتر شود
و مردم قلمرو او بیشتر بقدرت او پی برند، شب قبل از روزی که قصد خروج از
بارگاه سلطنتی برای نیایش به درگاه خدایان داشت عموم فرماندهان خویش را فراخواند

۱ - Aristobulos

۲ - او مستد. تاریخ شاهنشاهی هخامنشی ترجمه دکتر محمد مقدم (صفحه ۹۱)



ش (۷) (نقش بالدار) (پاسارگاد)

و جملگی را به لباس مادی ملبس ساخت، در حین توزیع ردا و ملبوس به مقربان قصد خود را به عزیمت به معبد و اهدای قربانی به درگاه یزدان به عموم حضار ابلاغ کرد و گفت :

« فردا قبل از طلوع آفتاب همه شما در آستانه قصر حاضر شوید جملگی لباسهایی که بشما اهداء شده است بر تن کنید اگر از شما کسی نظری در ازدیاد تجمل و حشمت و جلال این مراسم داشته باشد در مراجعت بمن اظهار دارد چون قصد دارم که در این مراسم هیچ نقص وجود نداشته باشد و در رفعت و شایستگی چیزی فروگذار نشود » .

پس از توزیع لباسهای فاخر جامه‌های دیگر به رنگهای ارغوانی و قرمز یا رنگهای باز و تیره آوردند و پس از تقسیم بین سرکردگان نظامی یکی از حضار گفت : « کوروش ، پس خودت چه وقت لباس خواهی پوشید ؟ کوروش جواب داد : « مگر نمی‌دانید که بهترین زینت و جلال من وقتی است که شما را در جامه‌های فاخر به بینم و بهترین لباس و زیباترین و برازنده ترین زینت من در این است که یاران خود را خرسند و غرق جلال سازم » (۱) .

در تمام آثار عهد هخامنشیان که کوروش بنیان گذار آن است علائم شکوه و جلال فوق العاده ای بچشم میخورد و تلاء لؤلؤ طلا و نقره و جواهرات گوناگون در ماوراء حجابی که روزگار بین ما و این عهد ایجاد کرده بخوبی نمایان است .

لباس اغلب شخصیت‌های با رز دربار شاهنشاهی مشاوران و سرداران زردوزی و مروارید نشان بود . بدین معنی که ورقه‌هایی از زر که نقوش زیبایی بطور برجسته روی آن کنده بودند روی لباس می‌دوختند . بازوبند ، گردن بند ، انگشتر ، گلوبند ، گوشواره ، دست بند و مهره‌های جواهر نشان همه جا در نقوش جلب توجه مینماید . دهنه و لگام و زینت اسبها از طلا بوده است .

در نقوش پاسارگاد و تخت جمشید جای وصل اینگونه تزئینات بر روی کلاهها و روی سینه‌ها نمایان و معرف آن است که حتی در حجاری‌ها نیز تزئینات لباس ملحوظ گردیده است .

۱ - در مورد شکوه مراسم درباری و تاجگذاری کوروش و تجمل آن به کتاب تاجگذاری ایران از انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران (صفحه ۱) مراجعه شود .

زر اندود کردن تاج و ریش و لباس نقوش در تخت جمشید و پاسارگاد و شوش و بیستون و روکش زرین درهای کاخ‌ها و سایر اسباب زرین و سیمین درباری نمونه‌های دیگری از وفور نقره و طلا و ثروت سرشار دوران هخامنشی است»^(۱)

چنانکه در نقش پاسارگاد ملاحظه میشود کفش کوروش زرکوب بوده و از جلوی دهانه کفش بطرف کف پا نوار باریکی از طلا کوبیده بودند و جای میخ کوبی آن در نقش پاسارگاد بر جاست، منتها کفش‌ها برنگهای مختلف زرد و ارغوانی تهیه میشده است. همچنین از نقش برجسته‌ای که در پاسارگاد در تالار بارعام قسمتی از آن بجای مانده و چنین بنظر می‌رسد که نقش کوروش است، در روی لباس سوراخهایی است که جای الصاق تزئینات طلا و جواهر را نشان میدهد.

در کاوشهاییکه در سالهای اخیر در پاسارگاد صورت گرفته است زینت‌آلات زرین بسیار زیبایی بدست آمده که نمونه بارزی از هنر جواهر سازی در اوایل دوره هخامنشی است^(۲). (ش ۹)

درباره سیمای کمبوجیه پسر کوروش فاتح مصر هیچ *کمبوجیه* (۵۳۰-۵۲۲ ق.م) نوع سندی در دست نیست تنها ورودت درجائیکه عقیده مصریها را راجع به داعیه خویشاوندی با کمبوجیه بیان میکند میگوید:

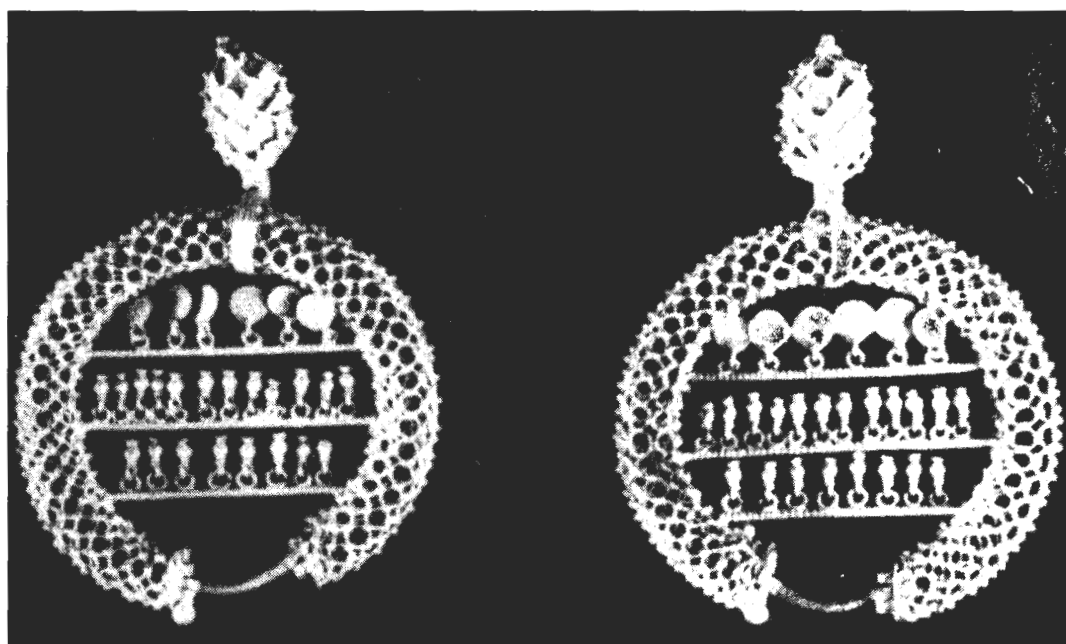
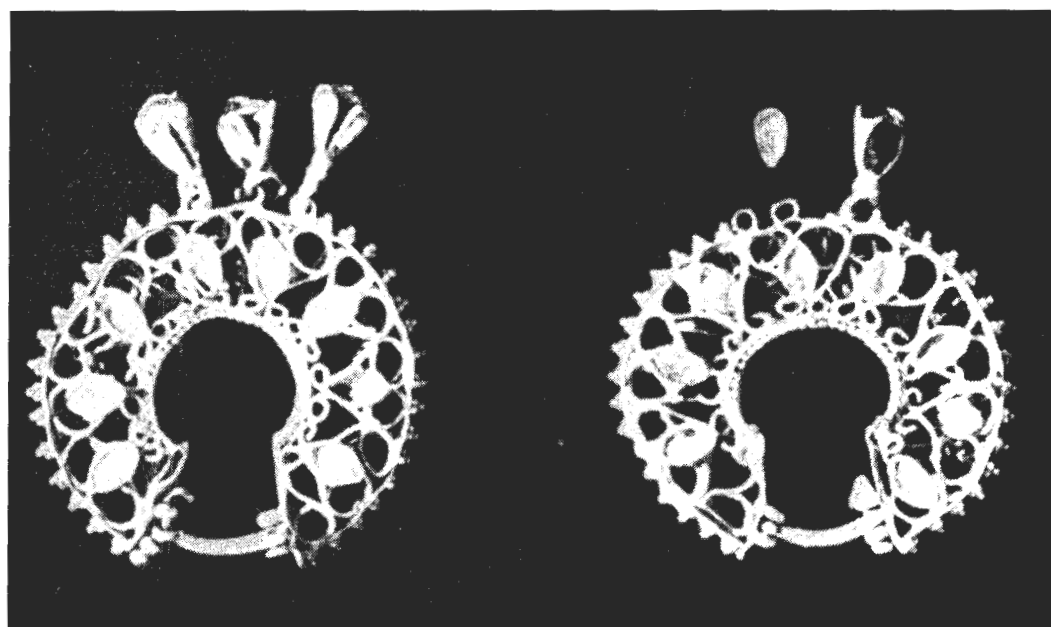
«گویند یک زن پارسی به اندرون کوروش رفته از تندرستی و صباحت منظر اطفال کوروش تعریف، و تمجید از «کاسان دان» زن کوروش کرد ملکه در جواب گفت با وجود این کوروش قدر مرا نمی‌داند و زنی را که از مصر آورده‌اند محترم میدارد»^(۳)

اگر تاکنون برای تهیه مدرک و سندی که قیافه *داریوش* (۵۲۲-۴۸۶ ق.م) پادشاهان ماد و چهره محبوب و دوست داشتنی کوروش و قیافه فرزندان او را نشان دهد در زحمت بودیم در مورد داریوش کثرت حجارها و نقش و نگارها میدانی وسیع بر روی ما گشوده است.

۱ - تمدن هخامنشی جلد دوم تألیف علی سامی ص ۸۸ و ۸۹

۲ - مجموعه موزه ایران باستان

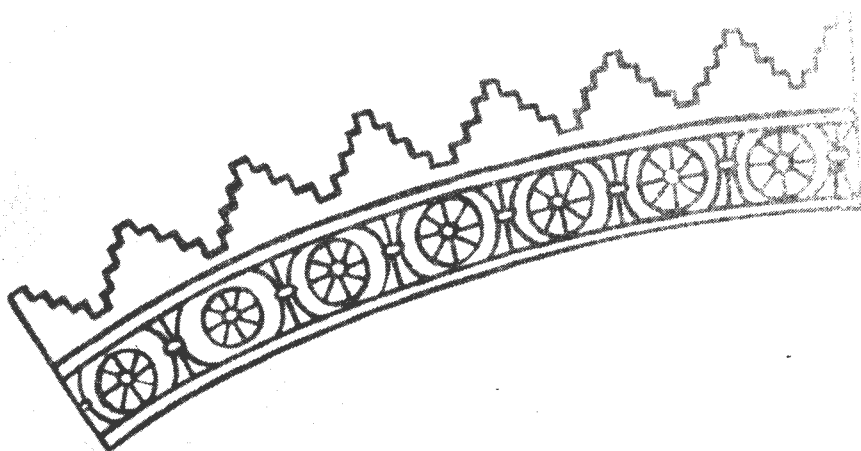
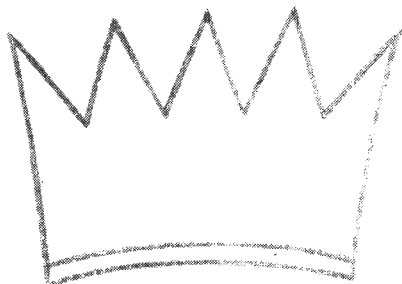
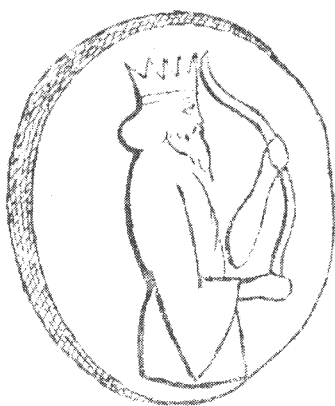
۳ - نقل از تاریخ باستان پیرنیا جلد اول ص ۴۸۵.



ش (۹) گوشواره‌های هخامنشی (پاسارگاد)



ش (۱۰) نقش داریوش (بیستون)



ش (۱۱) طرح تاج وسکه داریوش بزرگ

ش (۱۲) مهرداداریوش بزرگ (موزه بریتانیا)

ش (۱۳) طرح تاج داریوش (از کتیبه بیستون)

در این دوره نه تنها از خود داریوش و پسرش خشایارشا تصاویر متعدد وجود دارد بلکه از قیافه و آرایش چهره و نوع لباس تمام مردمی که در قلمرو حکومت داریوش می زیسته اند نمونه هایی موجود است. درست است که این حجاریها فقط دوره داریوش را نشان میدهد اما میتوان حدس زد که قبل از داریوش و بخصوص بعد از او نیز مردم گوناگونی که طوق اطاعت از شاهنشاهان هخامنشی را بگردن داشته اند تغییری در وضع لباس و آرایش چهره نداده اند مسلم است که در آن روزگار لباس و کلاه و ریش و سبیل و موی سر دستخوش تغییرات زود گذرنده است. هنوز هم در میان ایلات کوه نشین و دور از شهر نوع لباس و آرایش عهد هخامنشیان را بخوبی میتوانیم به بینیم. بنا بر این اگر این دوره بخوبی بررسی شود دورنمای مردم ایران را در دوران هخامنشیان حتی مردم بعد از هخامنشیان را بخوبی میتوانیم در عالم خیال تجسم کنیم.

از گفته های مورخین و کتیبه های بیستون (ش ۱۰)
چشم داریوش و تخت جمشید برمی آید که داریوش قیافه ای مردانه و پر صلابت و نجیب و زیبا ، صورت کشیده و گونه پر ، بینی بلند و اندکی منحنی داشته است. موهای مجعد او تا پشت گردن را فرا می گرفته و ریش انبوهش تا روی سینه می آمده و سبیل پری داشته است که دو لبه آن بسمت پائین روی ریش تاب می خورده است .

اگر تصویر او در کتیبه بیستون باندازه های واقعی حجاری شده باشد قامت داریوش یک متر و هفتاد سانتیمتر بوده است.

تردید نیست که شاهنشاهان هخامنشی تاجهای متعدد داشته اند . تاج داریوش در روی سکه ها تاج ساده ای است
تاج داریوش از زرناب با پنج کنگره نوک تیز و یک کنده کاری در لبه تاج (ش ۱۱) . در روی مهر داریوش که در موزه بریتانیا موجود است داریوش در گردونه ای است و تاج او چهار دندانه دارد و لبه پائین آن جواهر نشان است . (ش ۱۲) .

از همه زیباتر تاج داریوش در کتیبه بیستون است که تاجی کوتاه تر از تاجهای سابق است و دارای کنگره های متعدد چهار دندانه ای است و دور تاج تمام کنده کاری است و حاوی گل های دایره مانند جواهر نشان است (ش ۱۳)

لباس داریوش برای بررسی لباس داریوش و سیمای او به شش سند مهم دسترسی داریم .

۱ - دو نقش برجسته از خزانه داریوش در تخت جمشید که یکی اکنون در موزه ایران باستان (ش ۱۴) است و دیگری در خود محل قرار دارد .

۲ - نقش برجسته او در بدنه یکی از مدخلهای تالار صد ستون (ش ۱۵) در تخت جمشید و کاخ کوچک داریوش (ش ۱۶)

۳ - نقش برجسته داریوش در روی بدنه درگاهی از « کاخ سه دروازه » در تخت جمشید که داریوش را با ولیعهدش خشایارشا نشان میدهد .
۴ - نقش داریوش در کتیبه بیستون .

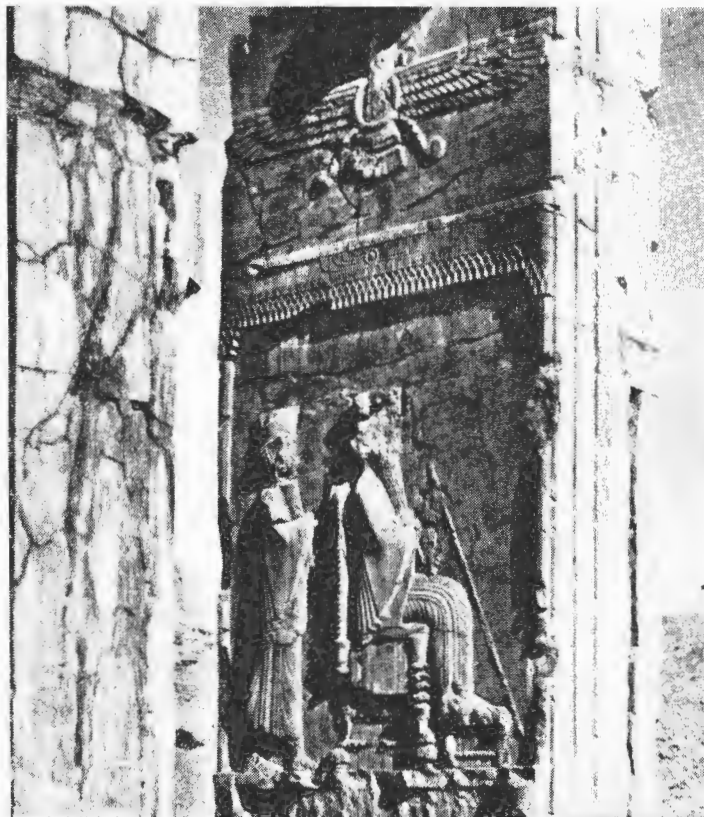
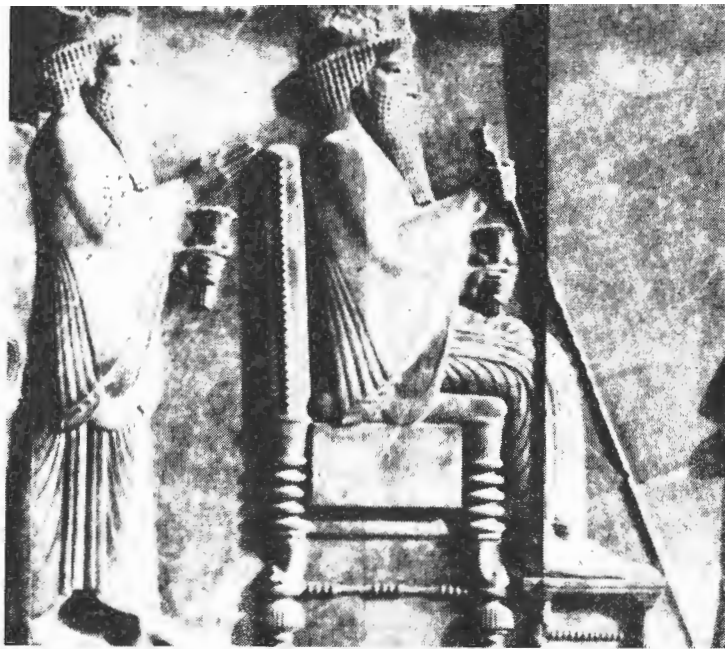
۵ - تصویر داریوش در روی مهر معروف او که اکنون در موزه بریتانیاست .

۶ - تصویر داریوش در روی سکه ها .

بدیهی است که تصاویر دیگری نیز از قبیل جنگ داریوش با شیر موجود است (ش ۱۷) ولی آنچه بکار ما میآید همین هاست

سه تصویر نخستین از تصاویر تخت جمشید بهم شبیه است و بیشترشان نشان دهنده تشریفاتی است که در مواقع رسمی و هنگام شرفیابی یکی از بزرگان بحضور شاه انجام گرفته است لباس داریوش در هر سه تصویر یکنواخت نشان داده شده و پیداست که لباس رسمی او است و عبارت است از لباسی پرچین از دو قسمت:

قسمت اول ، شنلی است که بر روی دوش افکنده است این شنل پارچه ای بسیار ظریف و نازک بوده بطوری که برجستگی ها و فرو رفتگی های بازو از زیر آن پیدا است و با توجه بمطالبی که قبلا در باره تجمل و شکوه درباری شاهنشاهان هخامنشی گفتیم زربفت بوده و محققاً تارهای طلا در بافت آن بکار رفته است . تهیه پارچه های زری در عهد هخامنشیان معمول بوده است و هم اکنون در خزانه تخت جمشید یک کلاف نخ زری موجود است . همچنین در حاشیه لباده و حاشیه آستین ها و یقه لباس قطعاتی از طلای ناب بشکل شیروپرنده و گل پنج پر بانقوش مختلف هندسی دوخته بوده است . بسیاری از این نوع قطعات طلا در موزه ایران باستان (ش ۱۸)



ش (۱۴) نقش برجسته داریوش
(موزه ایران باستان)

ش (۱۵) نقش برجسته داریوش اول وخشیارشا
(تخت جمشید)



ش (۱۷) جدال داریوش اول با شیر
(تخت جمشید)

ش (۱۶) داریوش بزرگ زیر سایه بان
(تخت جمشید)

ش (۱۸) تزئینات دوره هخامنشی

و موزه‌های دیگر دنیا موجود است. در طرح برجسته زرین، از یک شاهزاده هخامنشی که در موزه بریتانیایی باشد این نوع تزئینات بکار رفته است (ش ۱۹) بلندی این بالاپوش یا شنل به اندازه بالاتنه است که در بالای قفسه سینه و انتهای گلو بوسیله دکمه‌ای بسته میشود.

پائین لباس داریوش پارچه چین‌داری است که بشکل دامن بکمر بسته میشده و در محل بستن قسمت زیادی از پارچه برمیگشته و این قسمت برگشته تا حدود بالای زانو میرسیده است.

کفش داریوش صاف بوده، بدون پاشنه و بسیار ساده و چسبان که شاید از پشت پاشنه بسته میشده است.

بهر صورت با تصاویری که در دست داریم بیش از سه نوع لباس و کلاه نمیتوانیم لباس دیگری برای داریوش تجسم نماییم.

۱ - لباس رسمی که شرح آن گذشت.

۲ - لباسی که در روی مهر داریوش نشان داده میشود و عبارتست از: نیم تنه بدون آستین که به بدن چسبیده بوده و در دو طرف دو نوار داشته که به دو نوار دیگر در انتهای نیم تنه متصل شده است.

۳ - لباسی که در تصاویر پیکار با حیوانات وحشی بر روی کنده کاریها حک شده است.

اکنون بدنیست نگاهی به تصاویر مجلس بارعام داریوش بیندازیم شاه بر تخت نشسته است و در پشت سر وی ولیعهد و بزرگان ایستاده اند. در برابر شاهنشاه آتشدان (مجمر) وجود دارد که در آن گیاه‌های خوشبو می‌سوخته است، در دست چپ داریوش یک گل نیلوفر آبی (لوتوس) است که یکی از علائم سلطنت است و دو غنچه دو طرف گل از خصوصیات گلی است که در دست افراد خاندان شاهی است.

تخت پادشاه نسبتاً بلند است و روی کف آن تشکچه‌ای است. در جلوی تخت چهار پایه‌ای است که پاهای شاه روی آن قرار گرفته است. پایه‌های تخت دارای شیارهای مارپیچی است که بطرز بسیار زیبایی خراطی شده و بر روی

آن گلبرگهای زرین بکار رفته است. شاه عصای بلند سلطنتی در دست دارد که انتهای عصا مدور است و شاید روکش زرین داشته است. دیگر از تزئینات داریوش قطعات جواهر سازی، دستبندها و خنجرها و ابزارهای زینتی دیگر می باشد (ش ۲۰)

خشایارشا (۴۲۶-۴۶۵ ق.م) خشایارشا وارث شکوه و جلالی بود که کوروش و کمبوجیه و داریوش برای او فراهم آورده بودند.

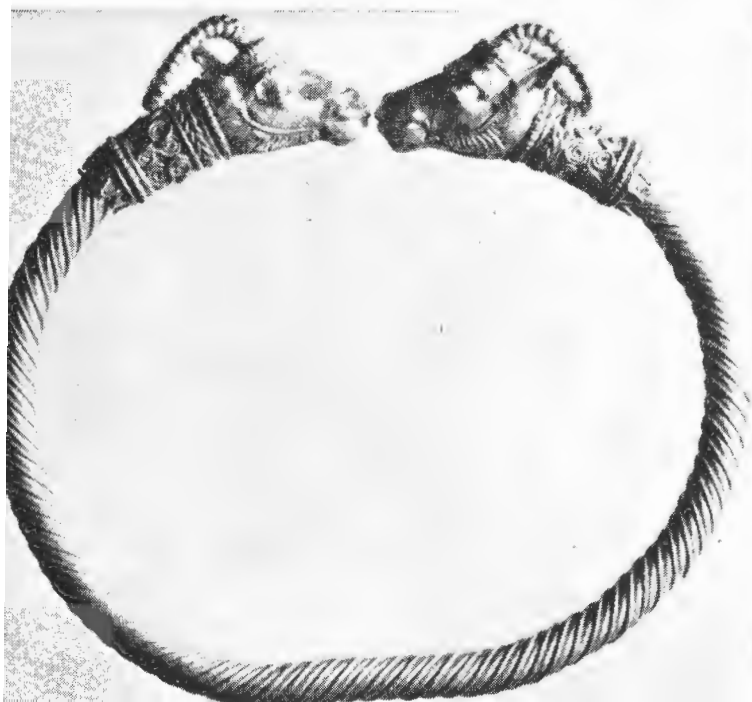
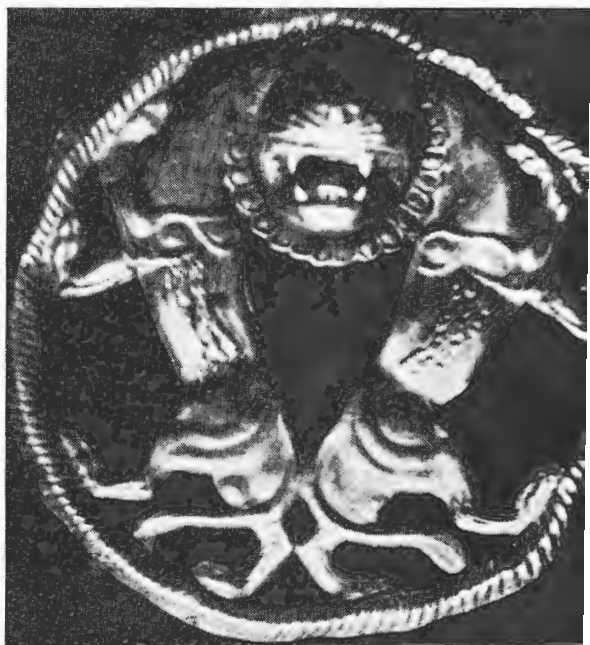
بزحمت میتوان عظمت و جلال او را در ذهن تجسم کرد زیرا با اینکه از مظاهر جلال و عظمت هیچ چیز کم نداشته باز هم سعی داشته تا جائیکه ممکن است شکوه خود را نشان دهد و یکی از عواملی که باعث شد برای جنگ با کشور کوچک یونان تدارکات عظیمی تهیه یابد و از تمام ملل تابعه سپاه تهیه کند همین روحیه بوده است. از حیث حسب و نسب نیز در میان شاهنشاهان هخامنشی بی نظیر بوده زیرا مادر او آتوسا دختر کوروش بوده است. بنابراین فرزند دوتن از بزرگترین شخصیت‌های دنیای آن روز بوده و بخود حق میداده که در بحبوحه قدرت و جلال و عظمت و فرمانروائی بیش از هر کس مغرور باشد و در کارها نیز استبداد نشان دهد. بعضی از مورخان او را بسیار شکیل و خوش سیما و برازنده و محبوب دانسته اند. تصاویر متعددی از او در دست است. بطوریکه از نوشته های مورخان بر می آید پس از بازگشت از یونان باقی عمر را در کاخهای متعدد تخت جمشید و شوش سرگرم عیش و نوش و ایجاد ابنیه بوده است، بهر حال بهترین تصاویری که از او باقی مانده عبارتست از:

۱ - سر مجسمه ظریف و منحصر بفرد جوانی او از سنگ لاجورد که در سال ۱۳۲۶ شمسی ضمن خاکبرداری در تخت جمشید پیدا شده و اکنون در موزه ایران باستان است (ش ۲۱)

۲ - تصاویری که خشایارشا را در دوران ولیعهدی همراه داریوش ایستاده نشان میدهد که مهمترین آنها یکی در موزه ایران باستان است و دیگری در تخت جمشید در تالار خزانه که شرح هر دو گذشت و نیز نقش برجسته ای که در کاخ سه دروازه بجا مانده و داریوش را بر اورنگ شاهی نشان میدهد و خشایارشا ولیعهد پشت سر او ایستاده و ۲ نفر نمایندگان ساتراپیها تخت شاهنشاهی هخامنشی را بالای دست نگهداشته اند.



ش (۱۹) شاهزاده هخامنشی
(موزه بریتانیا)



نمونه‌ای از جواهرسازی
(دوره هخامنشی)

۳ - در چهار درگاه مدخل سنگی تالار بزرگ کاخ اختصاصی در هر طرف نقش خشایارشا است که مردی باد بزنی را بدست گرفته و بالای سر او نگهداشته است (ش ۲۲) .

۴ - تصویر خشایارشا بر روی سکه .

۵ - نقش برجسته خشایارشا بر دیواره آستانه سنگی کاخ کوچک او که مردی سایبان زیبایی بالای سر وی نگهداشته است .

۶ - تصویر خشایارشا در بالای آرامگاه او .

اگر نیم تنه مجسمه‌ای که از دوره جوانی او باقیمانده ملاک قرار دهیم تناسب اجزاء و زیبایی فوق‌العاده چهره و قیافه مردانه او را بخوبی نشان میدهد و از دیگر تصاویر نیز چنین پیداست که چشمانی درشت و ابروانی کمانی شکل و بینی اندکی خمیده و سیلی افتاده و نوک تاییده و ریشی بلند همانند پدرش داریوش داشته است .

از نوشته‌های مورخین یونانی نیز پیداست که «روی هم مردی بوده است شکیل و صبیح و خوش محضر و رفتارش نجیبانه و نظرش بلند ، دست باز دارد و دل جوانمرد»^(۱) از نمونه‌هایی که نماینده تجمل خواهی فوق‌العاده اوست آثار هنری آن روز است که در خاکبرداری‌های تخت جمشید و در اثانه سیمین وزرین در همدان بدست آمده و از آن جمله است جام بی نظیر زرین که دارای بیست و یک ترك برجسته و زیبا است و روی لبه خارجی آن نام شاهنشاه نقر است «خشایار شاه بزرگ» . آثار دیگری نیز مانند قبه‌های کروی و شیرهای زرین و گلهای گوناگون ، حلقه‌های کوچک فلزی ، قطعات طلا با نگین عقیق ، گمبرگها ، آویزها ، مهره‌های کوچک که نگین‌های سیمین در آن نشانده شده فراوان پیدا شده است . در یک مجموعه خصوصی مهری است که شاهنشاه هخامنشی را ایستاده بر روی شیر نشان میدهد ، محتمل است که تصویر خشایارشا باشد (ش ۲۳) .

از این بعد هرچه جلوتر می‌رویم ابهام و اشکال بیشتر میشود و اسناد و

اروشیراول (درازیست) (۴۶۵-۴۲۴ ق م)

مدارک مورد علاقه ما کمتر می‌گردد .

۱ - تاریخ ایران باستان جلد اول ص ۹۰۵

تاریخ شاهنشاهی هخامنشی پس از بازگشت خشایارشا از یونان بسکوت و سکون گرائید و از دوره اعتلا رو بسقوط نهاد. سفره‌ای که کوروش و کمبوجیه و داریوش گسترده بودند بصورت خوان یغمائی درآمد که جانشینان بر آن نشستند و بخور و خواب و عیش نوش و احیاناً ربودن لقمه از چنگ یکدیگر پرداختند و بدون اینکه استحقاق داشته باشند ناز بر فلک و فخر بر ستاره کردند، در تمام شئون کشور یکنوع توقف روز افزون دیده میشد. بنا بر این نمیتوان سیمای تمام شاهنشاهان بعد از خشایارشا را بدرستی توصیف کرد و جزسکه‌های آنان اثر مهمی در دست نیست با توجه بسکه اردشیر دراز دست و تصویری که از او بر بالای آرامگاهش در نقش رستم وجود دارد، پیداست که لباس و موی سر و ریش و سبیل او همانند پدرش خشایارشا میباشد، با این تفاوت که تاج او بلند بنظر میرسد و دندانهای آن زیاد تر است، ریش او مرتب و مستقیم تا روی سینه آمده و موهای سر در پشت گردن برگشته و انبوه میباشد اردشیر ۱۴ سال سلطنت کرده است و از حیث رأفت و مهربانی بر تمام شاهنشاهان هخامنشی برتری داشته و در بین شاهنشاهان بعد از داریوش از همه دلیر تر بوده و همین صفات دشمنان کشور را نسبت باو امیدوار ساخت بطوری که تمیستوکل سیاستمدار بزرگ آتن بدربار او نماینده فرستاد تا خرابیهائی که بعلت لشکر کشی به یونان ایجاد شده بود ترمیم کند.



ش (۲۱) مجسمه از سنگ لاجورد.
(شاهزاده هخامنشی)

ش (۲۲) نقش خشیارشا (تخت جمشید)



ش (۲۳) مهرخشا یا رشا (مجموعه خصوصی)

جانشینان اردشیر اول

آنچه مسلم است شاهنشاهانی که پس از اردشیر اول فرمانروائی کرده اند بتقلید گذشتگان و بر روش آنان عمر بسر برده اند.

لباس پارسی را بهمان صورتی که کوروش و داریوش و خشایارشا میپوشیدند ببر داشتند و به این لباس افتخار میکردند و قیافه و چهره خود را بروش گذشتگان آرایش میدادند. از دوران هخامنشی مهرهائی بدست آمده که صحنه های متنوع شکار و پیکار با حیوانات و نیایش شاهنشاهان را نشان میدهد. در این مهرها لباس شاهنشاهان بهمان وضع است که گفته شد (ش ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰) چنانکه گفته شد بعد از مرگ داریوش که سلسله هخامنشی از هرحیث بمنتهای کمال خود رسیده بود پا بمرحله زوال نهاد، دوره اردشیر اول دوره توقف و دوره جانشینان او دوره انحطاط است. بنا بر این نباید در این دوره ها انتظار تحول و دگرگونی داشت. از مطالعه سکه هائی که از آن عهد باقیمانده یکنواختی لباس و آرایش رو و مو بخوبی پیداست حتی بین سکه داریوش اول و داریوش سوم اختلافی آشکار و چشمگیر دیده نمی شود.

در نقش سکه ای که ممّن (۱) در سال ۳۳۴ ق - م در شهر افس (۲) ضرب کرده است داریوش سوم بصورت کمانداری پارسی و دارای تاجی کنگره دار و ریشی بلند است که موی سر او از پشت گردن تا نزدیکیهای دوش آمده است در یک دست کمان و در دست دیگر نیزه ای دارد، این وضع در سکه های شاهی یک در یکی و دو در یکی که در ضربخانه های خاصی ضرب میشد نیز پیداست (ش ۳۱).

۱ - Memnon از سترابهای هخامنشی

۲ - Ephèse در آسیای صغیر

اکثر مورخین عقیده دارند که داریوش سوم مردی دلیر و علاقمند به اصلاحات بود منتهی نه بآن درجه که محیط آنروز را چنان در حیطه اختیار بگیرد که فساد در باریان و رجال را از میان بردارد. از ویرانه‌های پمپئی^(۱) در ایتالیا موزائیکی بدست آمده که صحنه جنگ داریوش سوم را با اسکندر نشان میدهد (ش ۳۲) ما در اینجا برای نمونه تصویر سکه طلا یک در یکی (ش ۳۳) و دو در یکی داریوش سوم را می‌آوریم (ش ۳۴)

از رجال و شخصیت‌های بزرگ عهد هخامنشی تصاویری **مردان بزرگ این دوره** بر بدنه کاخ‌های هخامنشی موجود است که متأسفانه شناخته نیستند تنها از معدودی ستراپهای این عهد سکه‌هایی در دست است که از این طریق شناخته شده اند مهمترین اینها عبارتند از :

تیسافرن (۴۱۱-۳۹۵ ق.م) وی برادر زاده ملکه استاتیرا زن اردشیر دوم بوده است و از خاندانهای بزرگ دوران هخامنشی است. مردی با تدبیر و لایق و سالها فرمانروای لیدی بوده است. در جنگهای پله‌پونز با لیاقت و حسن نیت و تدبیر شایسته بنفع ایران دخالت کرده و بهمین علت علاوه بر لیدی فرمانروائی چند شهر یونانی بر حوزه حکومت او افزوده شده است. توفیق‌های پی‌درپی او باعث حسادت در باریان شد و مورد سعایت آنان گردید که سرانجام بکشته شدن وی منتهی شد گزنفون تیسافرن را سرداری بزرگ و شایسته معرفی کرده است.

از تیسافرن سکه‌های متعددی در دست است که یا متعلق به ضرابخانه سارد و یا مربوط به شهرهای یونانی نشین است. در این سکه‌ها چهره تیسافرن بسیار نجیب بنظر میرسد شرافت ذاتی از قیافه او پیداست، بینی کشیده، پیشانی فراخ دهانی نسبتاً کوچک، سبیل و ریش متوسط، چشمانی گیرا و جذاب داشته و کلاه پارسی بر سر می‌گذاشته است که مانند پوششی تمام سر و گوش او را می‌گرفته و تا پشت سر را می‌پوشانده است. (ش ۳۵)

فرنا باز (۴۱۲-۳۷۴ ق.م) وی از طرف داریوش دوم فرمانروای فریگیه^(۲) بوده است و از شخصیت‌های بزرگ و سرداران برجسته عهد هخامنشی است و در دوران اردشیر دوم به فرماندهی نیروی بحری ایران نیز رسیده است.

۱ - Pompei ۲ - Phrygie



ش (۲۴) مهر استوانه‌ای دوره هخامنشی
 ش (۲۵) مهر استوانه‌ای (ممکن است اردشیر دوم باشد)



ش (۲۶) مهر استوانه‌ای شکل (هخامنشی)



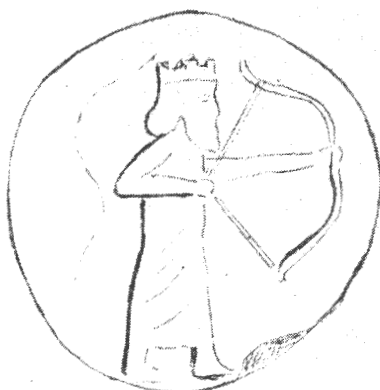
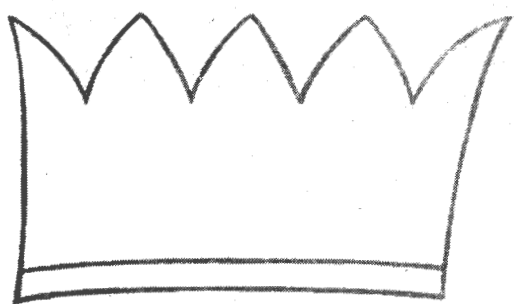
ش (۲۷) مهر هخامنشی

ش (۲۸) مهر هخامنشی (شاه و ولیعهد)

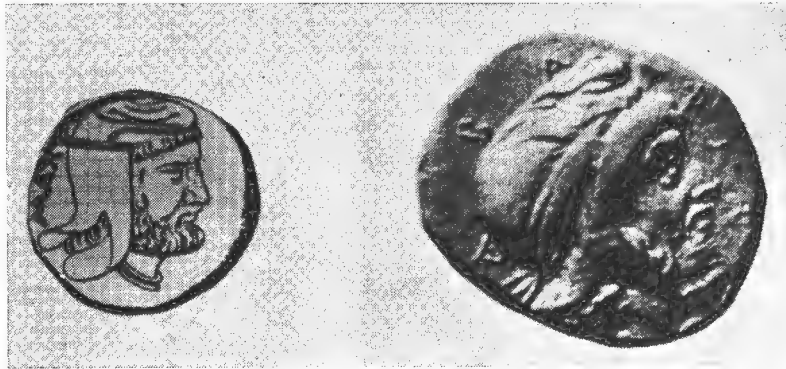


ش (۲۹) مهر هخامنشی جدال شاه با حیوان

ش (۳۰) مهر هخامنشی



ش (۳۱) . سکه خشایارشا و طرح تاج - سکه اردشیر اول - سکه اداریوش دوم - طرح سکه
اردشیر دوم - سکه اردشیر سوم و طرح سکه (اردشیر سوم سوار بر گردونه)



ش (۳۳ و ۳۴) سکه داریوش سوم
ش (۳۶) فرنا باز

ش (۳۲) جنگ داریوش سوم با اسکندر
ش (۳۵) تیسافرن ساتراپ هخامنشی
ش (۳۷) تری باز



ش (۳۸) مجسمه سنگی (موزه بروکسل)



ش (۳۹) مجسمه از سنگ لاجورد
(شاهزاده هخامنشی)

تصویر او بر سکه‌های متعددی دیده میشود. نیمرخ او گرد، بینی کوتاه ریش انبوه و نسبتاً کوتاه، سبیلی بلند و چشمانی گيرا داشته است (ش ۳۶) کلاهی پارسی که تا گوشهای او را می‌پوشانده بر سر می‌گذاشته است. بر روی سکه‌هایی که بدون تردید ضرب شهرهای فینیقیه و متعلق بدوران جنگ او با اسپارتهاست، کلاه او کلاه خودی کرنتی^(۱) است. مورخین یونانی نوشته‌اند زمانی که وی به کرنت رفت مورد استقبال اهالی قرار گرفت و مردم او را منجی خود دانستند.

وی مدتی نایب السلطنه ارمنستان بود و در سال ^{تربیز (۳۹۸-۳۸۴ ق.م)} ۳۹۳ ق. م به فرمانروائی سارد و سپس به فرماندهی کل قوای ایران منصوب گردید.

صلح انتالسیداس^(۲) بوسیله او صورت گرفت. تصویر وی بر روی سکه چنین است:

صورتی زیبا و گرد، پیشانی برجسته، بینی معتدل، ریش و سبیلی نسبتاً کوتاه و چشمانی با نفوذ داشته است. (ش ۳۷)

از بزرگان و شاهزادگان دوران هخامنشی دو سر مجسمه باقی است که میتواند وضع سیمای مردان بزرگ و طرز آرایش مو و ریش و کلاه آنان را بشناساند. یک سر مجسمه از سنگ کچ (ش ۳۸) و دیگر مجسمه نیم تنه کامل از سنگ لاجورد است که شاهزاده هخامنشی بچه شیری را با دو دست در بغل گرفته است (ش ۳۹).

۱ - Corinthe - ۲ Antalcidas

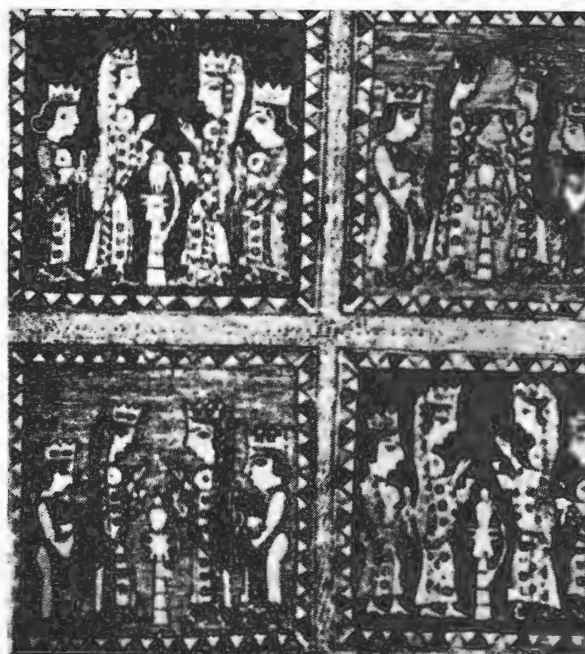
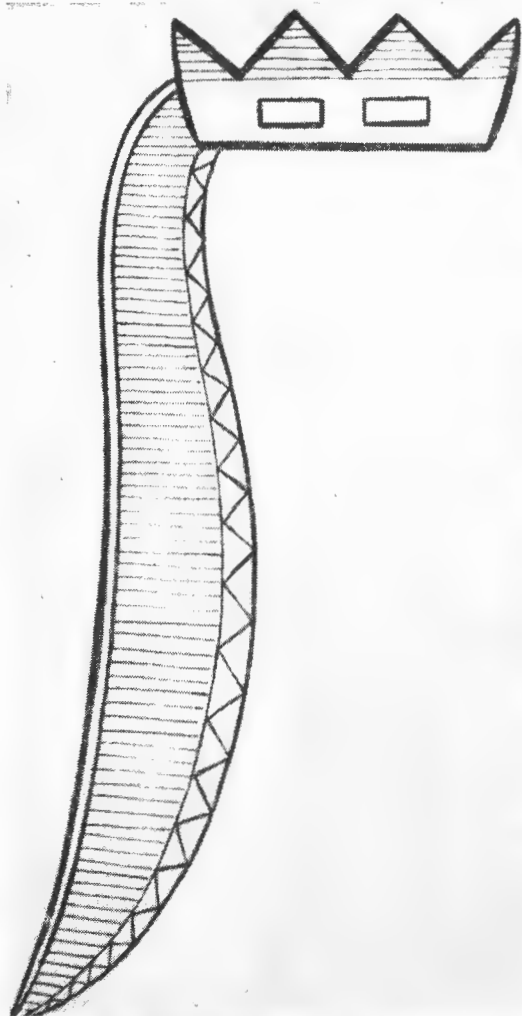
زنان عهد هخامنشی

راجع بزنان عهد هخامنشی و سیمای آنان متأسفانه مطلب بسیار بدست نمیآید مگر زمانیکه زن از نظر زیبایی و وجاهت منظر بر دیگر بانوان امتیازی فوق العاده داشته است. از جمله آنان زن کوروش دختر سیاکزار است. پس از آنکه کوروش فاتحانه وارد سر زمین ماد گردید مستقیماً بملاقات دایی خود سیاکزار شتافت و بر حسب تقاضای او دخترش را بزنی گرفت گزنفون مینویسد: وجاهت این دختر شهره آفاق و در بین پارسیان مثال زیبایی بود (۱).

در قطعه فرشی که در سال ۱۹۴۷ در ناحیه پازیریک (۲) جزء مرتفعات آلتائی سیبری پیدا شده (ش. ۴) تصویر چهار تن از بانوان عهد هخامنشی بوضوح نشان داده میشود. در این تصویر دو تن از بانوان نامدار که تاج مخصوص بر سر دارند دیده می شود (ش. ۱۴) یک دست بحالت احترام و ستایش بلند کرده در دست دیگر گلی که علامت خاندان شاهنشاهی است در دست دارند و هر دو در مقابل آتشدان ایستاده به نیایش پروردگار مشغولند. دوزن دیگر که قد کوتاهشان و حوله ای که در دست دارند نشان میدهد که خدمتگاران این دو بانو هستند و آماده خدمتند. ما اگر این تصویر و نقش برجسته دوشاهزاده خانم هخامنشی را که بر اسب سوارند در این جا بیاوریم از هر نوع تعریف و توضیحی بی نیاز خواهیم شد (ش. ۴۲) از حیث زینت آلاتی که بانوان آن عهد بکار میبرده اند غنی هستیم زیرا ضمن کاوشهای پیرامنه ای که در نقاط مختلف بخصوص در تخت جمشید و پاسارگاد و شوش

۱ - کورش نامه ص ۳۱۸

۲ - Pazirik



ش (۴۰) قالی مکشوف درپازیریک (دوره هخامنشی)

ش (۴۱) طرح تاج ملکه از قالی پازیریک

ش (۴۲) نقش برجسته دو بانوی هخامنشی

و همدان بعمل آمده تعداد زیادی زینت آلات مربوط بپانوان عهد هخامنشی بدست آمده است که شاید از همه مهتر خزانه پاسارگاد است که در آذرماه ۱۳۴۲ پیدا شده است. در سال ۱۹۰۱ میلادی نیز در شوش در میان تابوتی استخوانهای زنی همراه بازینت آلات او کشف شده که اکنون در موزه «لوور» پاریس جای دارد. مجموع این اشیاء معرف ذوق و سلیقه بانوان آن روز بخصوص ملکه ها و شاهزادگان در نحوه آرایش است که قبلا نمونه هائی ارائه داده شد.

فصل سوم

اشکانیان

دوره اشکانی مبهم ترین دوره از ادوار تاریخ ایران قبل از اسلام از نظرو قوف بر مسائل جزئی و از جمله قیافه و چهره بزرگان است و نسبت بدوره هخامنشیان آثار کمتری در دست است .

برای راهی که ما در پیش داریم منحصرآ باید مجموعه ای از سکه های عهد اشکانی را مورد مطالعه قرار دهیم و نقوش محدود و چند کتیبه و چند مجسمه را که در سالهای اخیر از دل خاک بیرون آمده است بررسی نمائیم و همین آثار محدود به اندازه ای است که به ما اجازه میدهد که فصل مربوط به اشکانیان را در این رساله بازکنیم و اگر جسته گریخته و بطور نامرتب مطالبی راجع به پادشاهان یا سرداران اشکانی دیده میشود در این جا بیاوریم .

مثلاً مطابق روایت اریان تیرداد (۱) برادر ارشک (سر سلسله اشکانیان) بقدری زیبا بوده که فرکلِس (۲) والی سلوکی در او طمع کرده است (۳) و همین امر یکی از عوامل قیام اشکانیان برضد سلوکیها شده است .

در تصویر روی سکه نیز تیرداد (ش ۴۳) دارای صورتی متناسب و چشمهایی درشت و درخشان است . بر روی کلاه باشلق مانند مخصوص

۱ - خوشبختانه سال گذشته تعدادی سکه از گرگان بدست آمده است که متعلق به تیرداد می باشد و نقش چهره تیرداد بر سکه ها بسیار زیبا است

۲ - Pherecles

۳ - ایران باستان تألیف مشیرالدوله کتاب هشتم (صفحه ۲۱۹۸)

بزرگان اشکانی قرار دارد، که بر سکه فرهاد اول نیز (ش ۴۴) همین نوع کلاه دیده میشود و در تمام دوران اشکانی در نقش ارشک مؤسس سلسله که بر پشت سکه نقره است این نوع کلاه مشاهده میشود (۴۵).

آنچه مسلم است اشکانیان بسواری و تیر اندازی و بیابان گردی بیش از دیگر اقوام شهرت دارند و سربازان رومی بیش از همه از تیر اندازان اشکانی در وحشت بودند و بنا بر این باید یقین کرد که بیشتر از مردان دیگر ادوار لباسهائی سبک و کوتاه و آماده برای اسب سواری و تاخت و تاز داشته اند و قطعاً در این سبک زندگی از زیبایی و تناسب اندام بر خوردار بوده اند بهترین نمونه ای که در دست است مجسمه ای است که از یکی از شاهزادگان پارتی در منطقه «مال امیر» خوزستان کشف شده است و اکنون در موزه ایران باستان است. (ش ۴۶).

از دوره اشکانی آثار مختلفی بدست آمده که میتواند وضع لباس و تزئینات و آرایش و تاج و برخی از آداب آنها را بر ما روشن کند. برجسته ترین این آثار عبارتند از:

- ۱ - سکه های آندوره که بطور کامل در دست است.
- ۲ - نقاشیهای دیواری پارتی مکشوفه در سیستان که تصویر نیمرخ یک مرد در یکطرف و تصویر نیم تنه یکی از پادشاهان سلسله اشکانی را که در قرن اول میلادی میزیسته همراه باملکه نشان میدهد (ش ۴۷) و نیز تصویر یک تن اسب سوار پارتی که در حال تاخت است.
- ۳ - کنده کاری روی سنگ از اردوان پنجم ساتراپ شوش (۲۱۵ میلادی مکشوفه در شوش (ش ۴۸)
- ۴ - نقش دیواری در خرابه های دورا اروپوس^(۱) که سوار سنگین اسلحه اشکانی را در حدود قرن ۳ میلادی نشان میدهد. (ش ۴۹)
- ۵ - صورت حجاری یکی از پادشاهان پارت در بیستون (ش ۵۰)
- ۶ - تصویر روی سنگ، مهر بلاش سوم (۱۴۸ - ۱۹۲ میلادی) (ش ۵۱)
- ۷ - نقش بر جسته مهر داد دوم که در حدود سال ۹۰ ق - م در بیستون حجاری شده و شاه را در حال انجام مراسم مذهبی نشان میدهد (ش ۵۲)

۱ - Dura - Europos

۸ - نقش شاه پارتی که حلقه سلطنت را به فرمانروایانش میدهد، واقع در تنگ سروك که متأسفانه سائیده شده است .

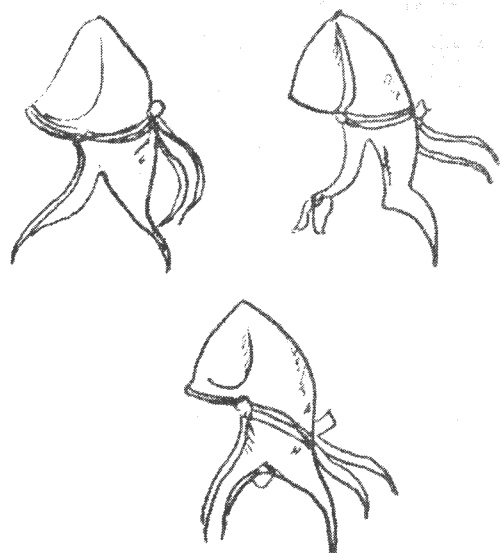
۹ - مجسمه یکی از شاهزادگان پارت متعلق به یک مجموعه خصوصی در نیویورک (ش ۵۳)

۱۰ - سرمجسمه یکی از پادشاهان اشکانی در موزه بغداد (ش ۵۴) که ممکن است سرمجسمه اردوان چهارم باشد .

از مجموعه این آثار میتوان به سیما و شکل بزرگان و شاهنشاهان پارت پی برد و تنوعی که در لباس و آرایش چهره داشتند بخوبی درك کرد مهرداد اول (۱۷۱ - ۱۳۸ ق.م) و فرهاد دوم (۱۳۸ - ۱۲۸ ق - م) و اردوان اول (۱۲۸ - ۱۲۳ ق - م) از لحاظ آرایش مو و تزئین تاج ساده بوده‌اند (شکل ۵۵) ولی دیگر پادشاهان پارت در آرایش مو و ریش خودشان سعی وافیه داشتند و هر یک با دقت خاصی به این کار مبادرت میورزیدند، قباى رو معمولاً تا روی زانو میرسیده و بالاتنه کمی چسبان و دامن گشاد تر بوده است، کمر بندى هم همیشه روی لباس داشته‌اند که پر از تزئینات بوده، خنجرشان بکمر بند آویزان و شلوارشان پر از چین و لبه‌های لباس، دور یقه و سر دست حاشیه دار بوده که تزئینات زر دوزی داشته است . کفش‌های ساده بدون پاشنه داشته‌اند که گاهی روی آن تزئیناتی داشته‌است . کفش‌های پارتی معمولاً متنوع بوده‌است . بطوریکه از نقوش برجسته و مجسمه‌ها استنباط میشود نوعی از آن ساده بود و بوسیله بندى در جلو گره میخورده و بسته میشده است . یکی از انواع آن کفشی است که بر روی آن درزی دارد . دیگر کفش‌هایی است که ساق آن بلند و نوک آن کمی برگشته است و بوسیله بندهای مکرر تا بالای پا بسته میشود . این نوع کفش در مجسمه مفرغی موجود در موزه ایران باستان ملاحظه میشود .

بیشتر کلاه‌های پارتها نسبت به بزرگان عهد هخامنشی بلند و دور تا دور کلاه پر از نقش و نگار بوده است (ش ۵۶) گاهی هم تنوعی بکار میبرده‌اند .

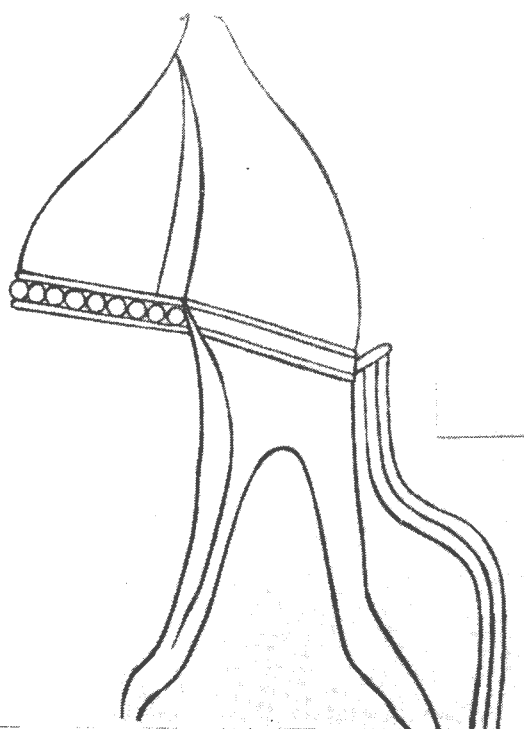
مهر دودوم (۱۲۳ - ۸۸ ق.م) در سکه‌های مهرداد دوم (ش ۵۷) دوتوع تصویر دیده میشود، در یکی موهای اولوله شده از روی پیشانی شروع و به پشت سر ختم گردیده است، سبیلی بلند دارد که روی ریش ریخته ،

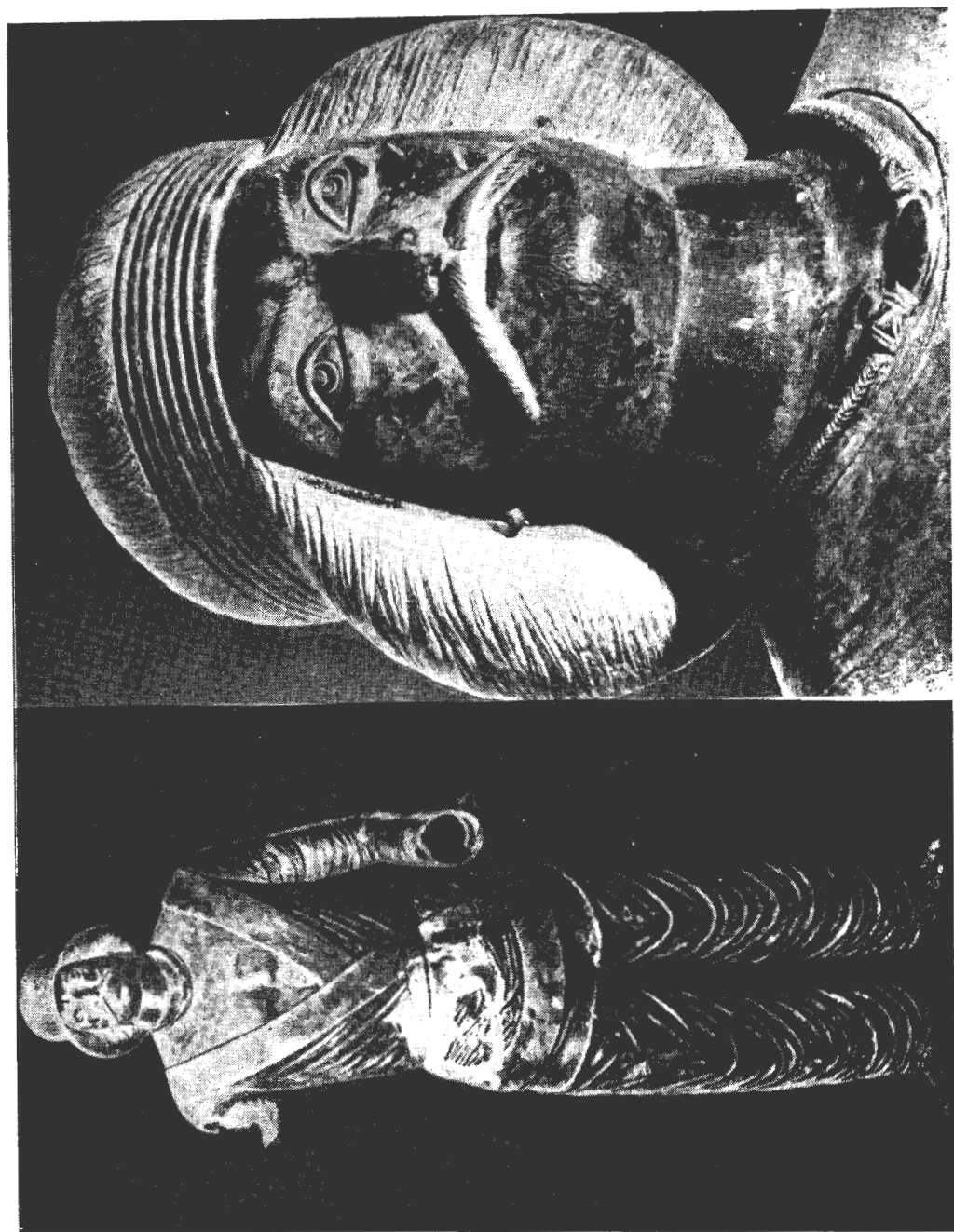


ش (۴۳) سکه تیرداد

ش (۴۴) سکه فرهاد اول

ش (۴۵) نقش انواع کلاه یاتاج دراواثل
دوره اشکانی





ش (۴۶) مجسمه برنزی اشکانی (موزه ایران باستان)



ش (٤٧) نقش شاه و ملکه اشکانی (کوه خواجه)

ش (٤٨) نقش اردوان پنجم (موزه ایران باستان)



ش (۴۹) سردار اشکانی

ش (۵۰) شاه اشکانی (بیستون)





ش (۵۱) مهر بلاش سوم (مجموعه خصوصی)

ش (۵۲) نقش مهرداد دوم (بیستون)



ش (۵۳) مجسمه پارتی (مجموعه خصوصی)
 (۵۴) سر مجسمه یکی از پادشاهان اشکانی (موزه بغداد)

ریشش بلند است و تا روی سینه آمده است و در سکه دیگر ریشی کوتاه دارد. بطور کلی با توجه به نقش روی سکه ها پیدا است که وی دارای قیافه ای برازنده، گونه های برجسته، چشمان بسیار درشت و با نفوذ و بینی نسبتاً بلند و منحنی بوده است. چنانکه گفتیم از این پادشاه در بیستون نقش برجسته ای دیده میشود که در زیر نقش برجسته داریوش بزرگ قرار گرفته است.

اردوان دوم دارای تاجی ساده نواریمانند بوده و قیافه ای بسیار جذاب و مردانه داشته است (ش ۵۸)

از جمله تاجهای سلاطین پارت که بسیار جالب توجه *سندروک* (۲۲-۲۰ ق م) میباشد و از لحاظ هنر زرگری و جواهر سازی شاهکار بشمار میرود. سکه های سندروک و تاج وی (ش ۵۹) است. این تاج از جواهر مختلف و مروارید تزئین شده و در وسط کلاه رو به بالای آن جواهر بصورت شعله قرار دارد. (ش ۵۹) از دوره کوتاه سلطنت وی سکه های متعددی در دست *فرهاد سوم* (۲۰-۵۸ ق م) است که تصویر شاه بطور نیم رخ و تمام رخ دیده میشود. باستاند این سکه ها فرهاد سوم مردی است با قیافه ای مصمم که از زیبایی فراوانی برخوردار نیست.

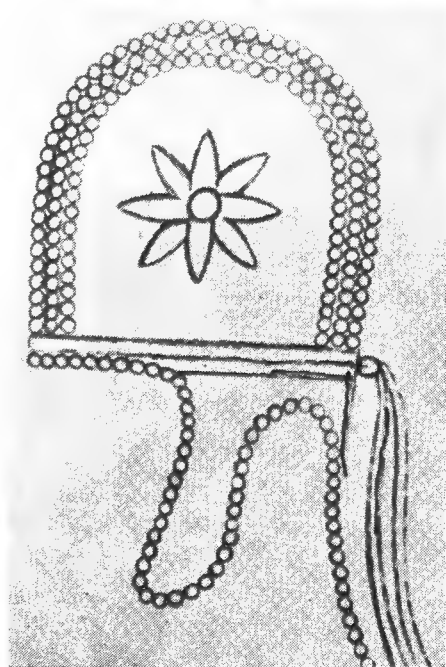
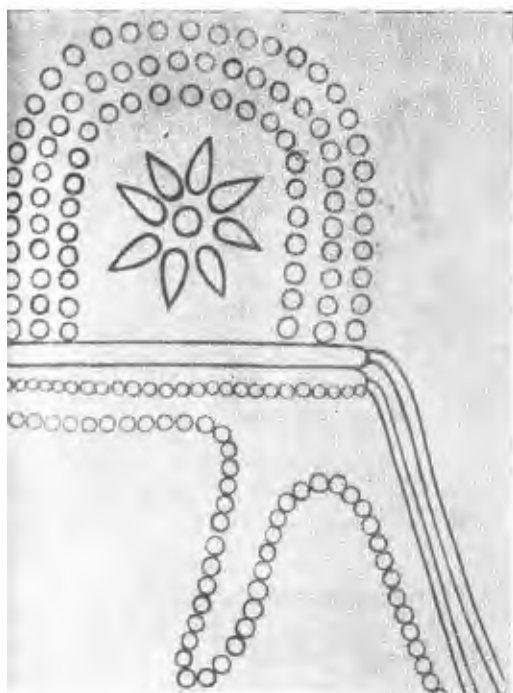
سبیلش بلند و رو بیالا و ریشش نسبتاً کوتاه. گیسوانی پرچین و شکن در چهار ردیف بر روی شانه ریخته شده. در بعضی از سکه های وی دارای تاج ساده ای است که بصورت نواری دور سر بسته شده و در پشت سر گر خورده است و دو نوار از آن آویزان گردیده. در بعضی از سکه ها نوعی دیگر از تاج دیده میشود که بطور قطع یا خاص روز تاجگذاری او بوده و یا اختصاص بمواقع رسمی یا اعیاد داشته است. این تاج عبارت است از کلاهی مدور که از دو ردیف مروارید تزئین گردیده و در وسط آن قطعه ای از گوهر گران بها بشکل شعله ای نصب شده است. لبه تاج از بالای پیشانی شروع شده و روی گوش و پشت سر بصورت هلال بلندی قرار گرفته و دور آن نیز قطعات مروارید نشانداده شده است. در وسط تاج بین قسمت بالا و لبه نواری بسته شده که به پشت سر گر خورده و تا پشت شانه آویزان است. بر گردن شاهنشاه گلوبندی در سه ردیف جواهر و در وسط مدالی گوهر نشان قرار دارد، روی شانه و لبه قبا حاشیه ای زر دوزی شده دارد و روی سینه بر سکه های چهار درهمی او گل مرصعی دیده میشود (ش ۶۰)

از روی سکه‌های متعددی که از «ارد» مشهورترین پادشاه اُرد (۵۷-۳۷ ق.م) اشکانی بدست آمده تصویر او درادوار مختلف زندگی بطور دقیق مجسم میشود زیرا بعضی از سکه‌ها متعلق باوایل پادشاهی و برخی متعلق به سالهای آخر پادشاهی او است درهرحال ارد دارای صورتی کشیده ابروانی صاف چشمانی درشت و زیبا بینی بلند سبیل و ریش پرپوده که موهای زیاد او گاهی در چهار ردیف و زمانی در شش ردیف بر رویهم قرار گرفته است تاج او بصورت نواری است زرین و مخطط که در پشت سر گره خورده و تا پشت شانه آویزان شده است. (ش ۶۱).

برگردن وی گردن بندی است در دو ردیف که در هر گوشه آن عقابی زرین و جواهر نشان نصب است. لباس ارد چنانکه بر پشت سکه‌های چهار درهمی دیده میشود قبائی بلند، شلواری پرچین و آستینی بلند بوده لبه و حاشیه لباس بطور متنوعی زر و زیور داشته است

در برخی از سکه‌ها روی شانه و روی سینه اواز گل و قطعات مدور جواهر نشان تزیین یافته است، گاهی لباس او حاشیه‌ای از مروارید داشته و مفتول دوزی بوده است. بر روی شانه نقش ستاره‌ای جواهر نشان و در بالای سینه عقابی زرین بال گشاده و جواهر نشان قرار دارد بطور قطع تصویر عقاب مربوط بزمانی است که ارد لژیونهای رومی را سرکوب و منکوب نموده است زیرا نقش عقاب که برگردن و سینه وی قرار دارد علامت فتح و ظفر میباشد.

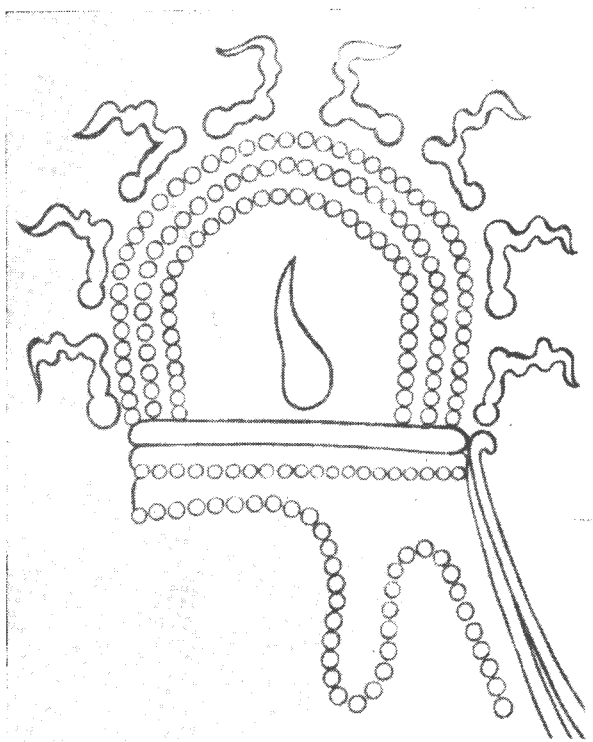
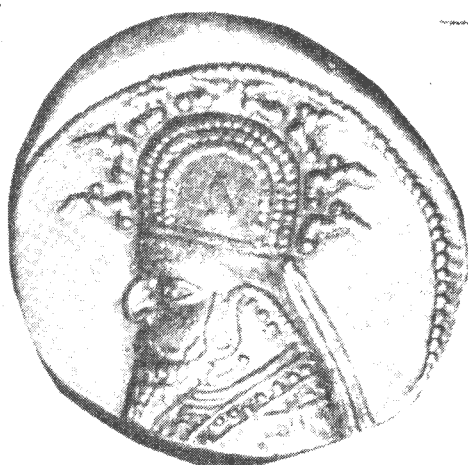
پسر ارد نیز دارای سکه‌های متعددی است که فرابوچیم (۳۸-۲ ق.م) قیافه او را در سنین مختلف نشان میدهد وی دارای بینی کشیده و منحنی چشمان درشت، ابروانی کمانی، ریش پر و چهار گوش و سبیلی بلند بوده موهای مجعد او در چهار ردیف تا روی گردن آمده و تاج بهمان ترتیب پدر عبارت از نواری مخطط بوده بایک گره در پشت که سه نوار دیگر از آن آویزان بوده است. در بعضی از سکه‌ها در پشت سر او عقابی که حلقه سلطنت را به منقار گرفته است دیده میشود. تزئینات لباس و جواهر آن شباهت کاملی به لباس پدرش دارد (ش ۶۲).



س (۵۵) سکه‌های مهرداد اول ، فرهاد دوم
و اردوان اول

س (۵۶) طرح تاج ش (۵۷) دونوع سکه مهرداد دوم

س (۵۸) سکه اردوان دوم ش (۵۹) طرح تاج سندروک



ش (۶۰) سکه و طرح تاج فرهاد سوم



ش (۶۱) سکه مهرداد سوم و سکه ارد

ش (۶۲) سکه فرهاد چهارم

ش (۶۳) سکه فرهاد پنجم

فرهاد سلطنت را با همکاری مادرش ملکه
 فرهاد پنجم فرهادک (۲ ق. م - ۴۰ میلادی) موزا در دست داشته دارای قیافه‌ای معمولی
 با چشمانی درشت لبانی آویزان ریشی پر ویلند است. بر سکه‌های وی علاوه بر تاج
 دو فرشته دیده میشود که حلقه پادشاهی را بطرف سروی قرار داده اند. (ش ۶۳)
 از ملکه موزا مادر فرهادک که در پادشاهی پسرش شرکت داشته آثار
 متعددی در دست است مانند نقوش سکه‌های وی که در پشت سکه‌های فرهاد
 پنجم دیده میشود و نیز مجسمه‌ای از سنگ مرمر که اکنون در موزه ایران باستان
 موجود است (ش ۶۴) .

از این دو اثر چنین پیداست که وی زنی فوق العاده زیبا بوده صورتی
 نسبتاً کشیده گونه‌ای گرد و بینی خوش تراش لبانی زیبا و دهانی کوچک چشمانی
 درشت و بادامی و ابروانی راست داشته است موهای مجعد وی در پشت سر تا روی
 شانه آویزان بوده تاجی که بر روی سکه‌هاست یکی از زیبا ترین نمونه‌های جواهر
 سازی این دوران است. تاج از سه طبقه بر روی یکدیگر قرار گرفته که قسمت
 پائین از پنج خانه و قسمت دوم از سه خانه و قسمت بالاتر از دو خانه ترتیب یافته
 است. درون هریک از خانه‌ها گل‌های مدوری از جواهر نصب است برگردن وی
 گردنبندی از مروارید دیده میشود و در وسط سینه او نیز سه ردیف مروارید قرار
 گرفته است از مجسمه مزبور علاوه بر زیبایی، صلابت و قدرتی خاص استنباط میشود
 تاجش برخلاف تاج روی سکه کنگره دار است

همانطوریکه مورخان ارد دوم (۶ میلادی) را به قساوت قلب منسوب داشته‌اند
 تصویر او نیز بر روی سکه‌ها مبین آن میباشد چشمانی تیز دماغی بلند و دهانی که
 گوشه آن بطرف پائین تمایل دارد ، سبیل وریشی بلند و نوک تیز داشته است .
 از وزن اول و اردوان سوم (ش ۶۵) (ش ۶۶) نیز
 سکه‌های مختلفی در دست است. قیافه‌های این دو
 اردوان سوم (۴۰-۱۱ میلادی) یکدیگر شباهت کامل دارد و از لحاظ تاج نیز بهم
 شبیه است

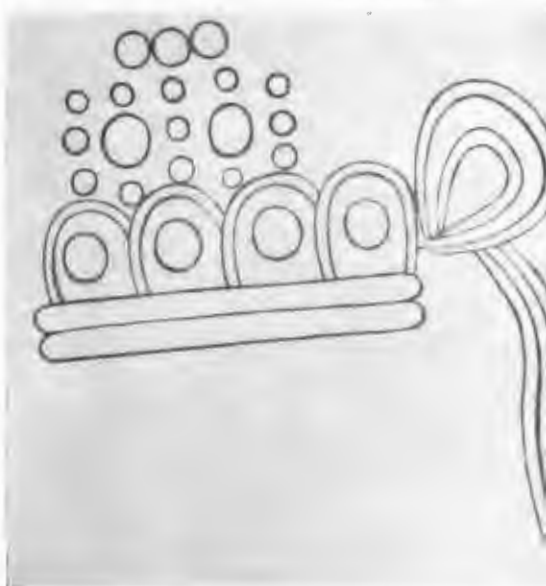
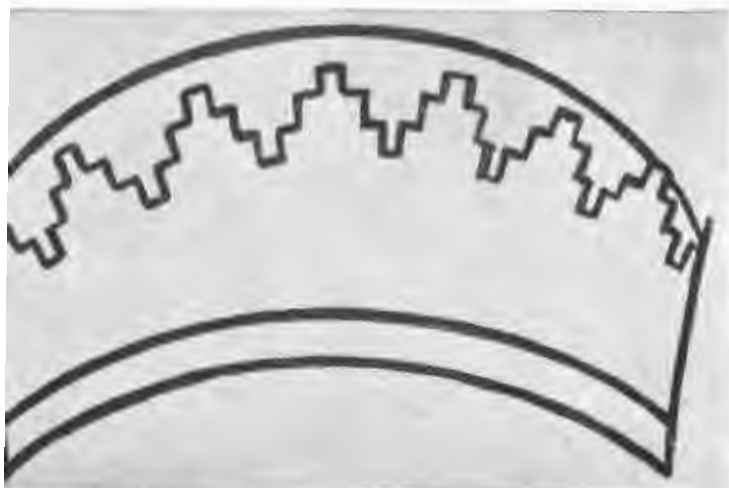
از این پادشاه دو نوع سکه مختلف با تاجهای
 اردوان اول (۴۱-۴۵ میلادی) مختلف موجود است (ش ۶۷) یک تاج بصورت
 نواری مخطط است که به پشت سر گره خورده و در محل گره نوارهایی آویزان است .

تاج دیگر که شاید مخصوص روز تاجگذاری و اعیاد و مواقع رسمی بوده از لبه‌ای مخطط تشکیل یافته که بالای آن کنگره‌هایی بصورت نیم دایره قرار گرفته است. «واردان» دارای ابروانی پیوسته و بینی صاف و بلند چشمانی زیبا و ریشی نسبتاً کوتاه بوده است.

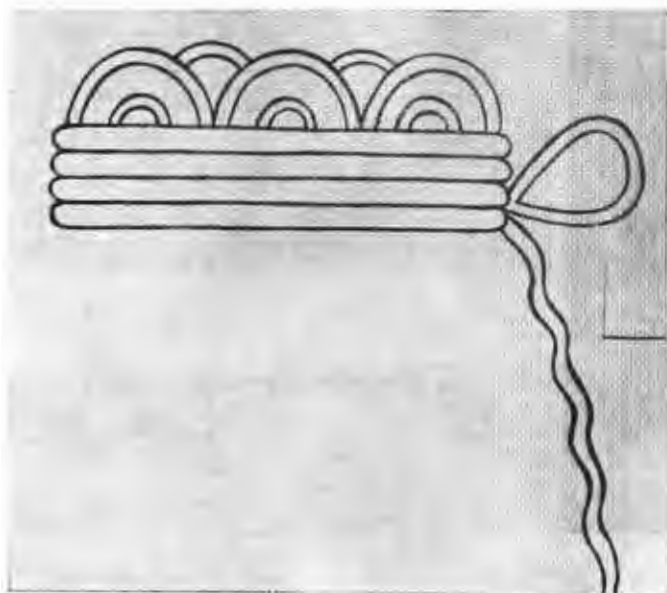
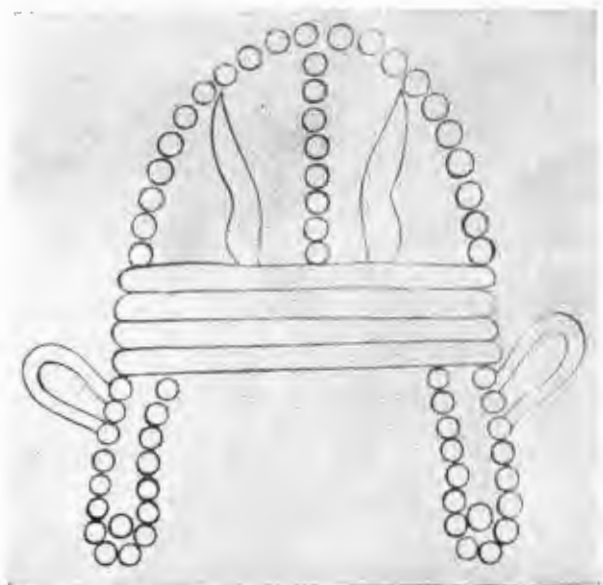
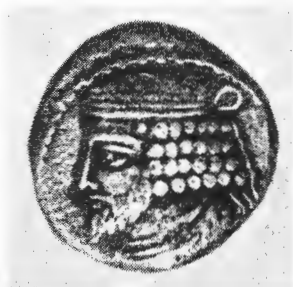
موهای مجعد در چهار ردیف بر روی شانه او ریخته بوده است. حاشیه لباسهای واردان زربفت بوده و برگردن او گردن‌بندی در دو ردیف قرار داشته است. تصویر وی بر روی سکه‌ها چنین است. تاج زیبایی بر سر دارد **گودرز** (۴۰-۵۱ میلادی) و موهای پرپشت او مبین روحیه‌خشن و بی باک او میباشد وی دارای بینی بسیار بزرگ لبهائی کلفت و گوشت‌آلود و چشمانی درشت و بی حالت و ابروانی پیوسته بوده است. (ش ۶۸)

دورهٔ سلطنت مهرداد (۵۰ میلادی) پسر فرهاد چهارم کوتاه است او دارای قیافه‌ای مردانه چشمانی درشت و سیلی بلند بوده است تاجی بسیار زیبا داشته که قسمت بالای آن مدور بوده و درون آن از مروارید تزئیناتی داشته است وسط تاج دارای یک ردیف مروارید است که طرفین تاج دو قطعه جواهر بصورت شعله قرار داشته است لبه تاج مخطط بوده که قسمتی از آن بطور هلال بر روی گوشها آویزان بوده است. این دو آویزه گوهر نشان است که باز به آن نوارهایی آویخته بوده است بین لبه و قسمت مدور تاج دو گره بسیار زیبا قرار داشته است. (ش ۶۹) مدت سلطنت این پادشاه با جنگ و جدال‌هایی **بلاش اول** (۵۱-۷۸ میلادی) توأم بوده است مردی با اراده و سلیم‌النفس بوده که در راه احیای سنن ایرانی اقدامات مهمی انجام داده است وی دستور داد تا متن اوستا را دوباره تدوین کنند.

بر روی سکه‌های چهار درهمی او نقش نیم تنه (ش ۷۰) و در پشت سکه تصویر کامل او است که بر تخت نشسته است و حلقه تاج را از فرشته‌ای میگیرد. (ش ۷۱) با این دو نقش تصویر کامل او را در دست داریم. چهره‌ای مردانه، بینی کشیده، چشمان درشت و با نفوذ، سیلی بلند و ریشی انبوه و کوتاه و موهای پرپشت و تابدار داشته است.



ن (٦٤). سکه و مجسمه و طرح تاج ملکه موزا



ش (۶۵) سکه وانان اول

ش (۶۶) سکه اردوان سوم

ش (۶۷) سکه واردان اول

ش (۶۸) سکه گودرز

ش (۶۹) طرح تاج مهرداد

ش (۷۰) سکه بلاش اول

ش (۷۱) پشت سکه بلاش اول

برگردن وی گردن بندی از سه حلقه قرار داشته است تاج زرین او دارای لبه پهن بوده و بر بالای تاج حلقه های مدوری تو در تو قرار داشته است. در پشت سر نواری با گره بسیار زیبایی بوده است.

قبای شاهنشاه و آستین های او بلند و شلوارش پرچین میباشد. تخت زرین که بر روی آن نشسته شباهت کاملی به تخت شاهنشاهان هخامنشی دارد.

پاکردوم (۷۸-۸۲ میلادی) مردی آباد کننده بود و توجه خاصی به آبادانی و زیبایی پایتخت و دیگر شهرها داشته و آنچه که درباره قیافه او از مطالعه سکه ها بدست می آید بسیار زیبا بوده. صورتی گرد، دهانی کوچک، چشمانی گیرا و دماغی خوش طرح و گردنی بلند داشته است. علاوه بر تاج عادی که بصورت نواری مخطط بوده تاجی دیگر داشته که بسیار زیبا و در نوع خود بی نظیر بوده است و عبارت بوده از تاجی جواهر نشان که قسمت بالای آن کروی شکل بوده و با نقوش هندسی بطرح مثلث مروارید نشان بوده است. بر لبه زرینی که دوردیف مروارید در حاشیه آن قرار داشته زائده ای بوده است که روی گوش را می گرفته و دور آن از جواهر یا مروارید مزین بوده است. پشت سر بین مو و تاج دو گره تو در تو وجود داشته که نوارهایی بان آویزان بوده و دارای گردن بندی از سه ردیف حلقه جواهر نشان بوده است. یقه لباس و حاشیه آن و قسمت میانه تمام زر دوزی شده و در و گوهر در آن تعبیه شده است. (ش ۷۲)

خسرو (۱۰۶-۱۳۰ میلادی) که جنگهای او با رومیان معروف است دارای تاج مخصوص بخود بوده چشمانی بانفود و ریشی بلند و مثلث شکل داشته موهای مجعد او در دوردیف دایره وار قسمتی بر روی گوش و قسمتی بر روی تاج قرار گرفته است. (ش ۷۳)

تاج وی خطوطی منظم و موازی داشته قسمت بالای آن کوچکتر بوده است. بلاش دوم (۱۳۰-۱۴۸ میلادی) بلاش در زمان حیات خسرو در قسمتی از ایران سلطنت داشته است چهار درهمی هایی در دست است که قیافه و حالات آن و تاج زیبای مخصوص ویرا نشان میدهد بلاش دارای صورتی کشیده دهانی کوچک چشمانی درشت و ابروانی پیوسته بوده است تاج وی دارای لبه ای بوده که با خطوط منظم تزئیناتی داشته و قسمت بالای آن که کروی شکل است

جواهر نشان بوده و تزئیناتی بصورت شعله‌های منظم آنرا زینت بخشیده است.
(ش ۷۴)

از جمله تاجهائی که جالب است تاج بلاش سوم
بلاش سوم (۱۴۷-۱۹۱ میلادی)
بر روی سکه هاست. (ش ۷۵) از این شاه
پیکره نیم تنه‌ای است از سنگ سبز که بدست هنرمند چیره‌دستی حجاری شده و شاهنشاه
اشکانی را از روبرو نشان می‌دهد. او دارای صورتی کشیده سبیلی بلند و ریشی
دراز است. نجابت و بزرگی از ناصیه او هویدا است (۱) تاج بلاش سوم در این
حجاری مخروطی شکل است که در دو طرف آن نوارهائی است، که قسمتی که از آن
برشانه‌ها می‌افتد پهن‌تر است. تصویرهائیکه بر سکه‌ها منقوش است بهمین سبک
و طرز است.

شاهان اواخر دوره اشکانی مانند بلاش چهارم و بلاش پنجم و اردوان
پنجم و ارتاواز از لحاظ تاج و دیگر تزئینات شباهت بسیار بیکدیگر دارند و کافی است
که تصاویر آنان را بر روی سکه در این جا نشان دهیم (ش ۷۶)
نقاشیهای کوه خواجه رنگ لباس بزرگان پارتی را بخوبی نشان می‌دهد.
لباس قرمز رنگ و شل طلایی نارنجی و تاج زرین که بر روی آن گلی جواهر نشان نصب است.

بانوان عهد اشکانی

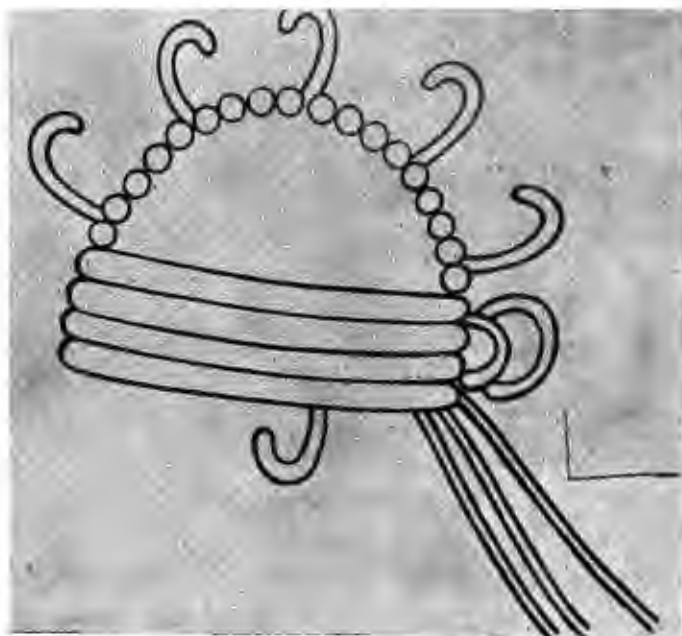
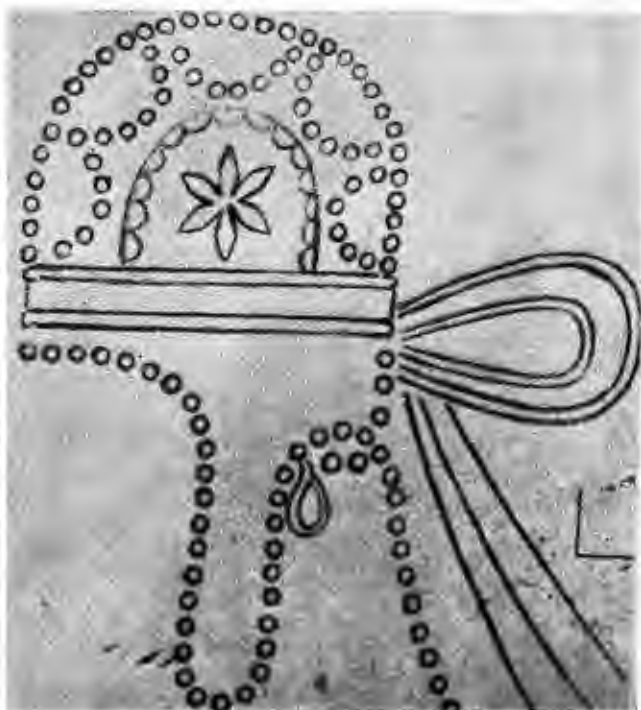
از مجسمه‌های مکشوفه در پالمیر (۲) و در سوریه و الحضر (۳) و قطعه
صدفی که از تل چغا (شامی) خوزستان بدست آمده و متعلق بقرن اول قبل از
میلاد است (۴) میتوان بطور دقیق لباس و آرایش ملکه‌ها و شاهزاده‌ها خانمهای اشکانی
را دانست. قطعه صدف مذکور طرح تمام رخ شاهزاده خانمی را نشان می‌دهد که
تاج مدوری بر سر دارد که در بالای آن سه گوی جواهر نشان قرار گرفته و لبه
تاج دارای کنده کاری هائی است که بطور تحقیق از زرناب است و جواهر نشان
میباشد. از زیر تاج گیسوان موج شاهزاده خانم از طرفین صورت و در دو قسمت

۱ - این پیکره دارای نوشته‌ای است بخط پهلوی اشکانی (ولاش شاهنشاه)

۲ - Palmyre

۳ - Hatra

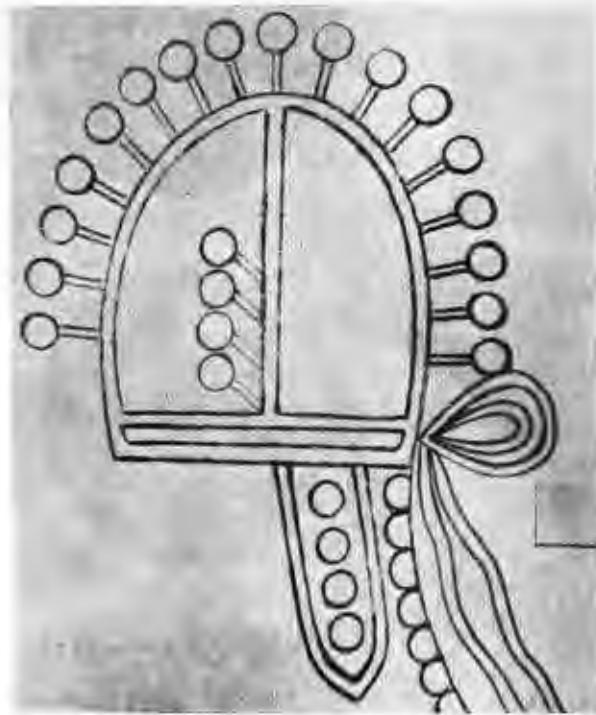
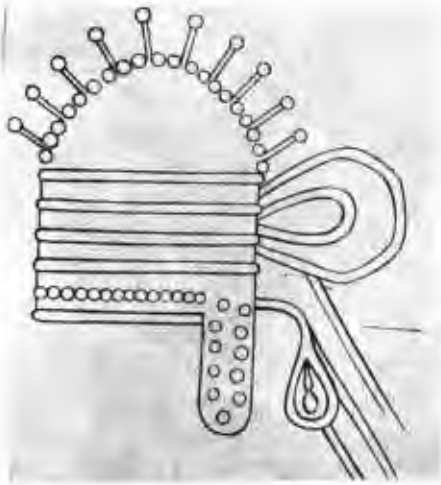
۴ - جزو مجموعه موزه ایران باستان است.



ش (۷۲) سکه و طرح تاج پاکور دوم

ش (۷۳) سکه خسرو

ش (۷۴) سکه و طرح تاج بلاش دوم



ش (۷۵) سکه و طرح تاج بلاش سوم

ش (۷۶) سکه بلاش چهارم - بلاش پنجم -
اردوان پنجم - ارتاواز و طرح تاج ارتاواز

روی شانه وسینه آویزان است. بر گردن وی دو ردیف گردن بند است (ش ۷۷) لباس او چین دار وحاشیه‌ای بر روی سینه قرار دارد که تمام زردوزی شده و تزئیناتی از سنگهای قیمتی دارد.

مجسمه شاهزاده خانم اشکانی که در موزه بغداد است زن بسیار زیبایی را نشان میدهد که بر روی چهار پایه‌ای نشسته ولباسی بلندی که پوشیده دارای چین‌های بسیار است که تا روی پاکشیده شده است. آستین‌ها چین دار وبلند، کمربندی بکمر دارد و گردن‌بندی که دارای آویزه‌های زرین و جواهرنشان است بر روی سینه‌اش قرار گرفته و زنجیر بلندی که مدالی بآن آویزان است از گردن آویخته‌واین زنجیر از روی سینه گذشته و به انتهای کمر رسیده است. تاجی که این شاهزاده خانم بر سر دارد بلنداست و دو رشته گوهرباقطعات گوهرنشان بر روی آن قرار گرفته. برگوش وی گوشواره‌های بلندی است که طرفین گردن را گرفته است. مجسمه دیگری که از الحضر بدست آمده و اکنون در موزه بغداد است از حیث لباس و تزئینات نظیر مجسمه مذکور است.

درمورد تزئینات ملکه‌های آندوره وشاهزاده خانم‌ها آثار متعددی بدست آمده است که شباهتی کامل به آثار تزئیناتی وجواهر سازی دوره هخامنشی دارد از آنجمله گردن بند ومدال وگوشواره هائی است که از نهاوند ودیلمان بدست آمده است (ش ۷۸)

اسلحه ولباس بزرگان اشکانی درموقع رزم عبارت بوده است از کلاه خود(ش ۷۹) و زره با نیزه‌های قوی و تیر وکمان وگاهی سپر، از نوشته‌های مورخین رومی پیداست که دستهایشان را با زره یا چرمهائی که قطعاتی از آهن وپولاد داشته میپوشانیدند.

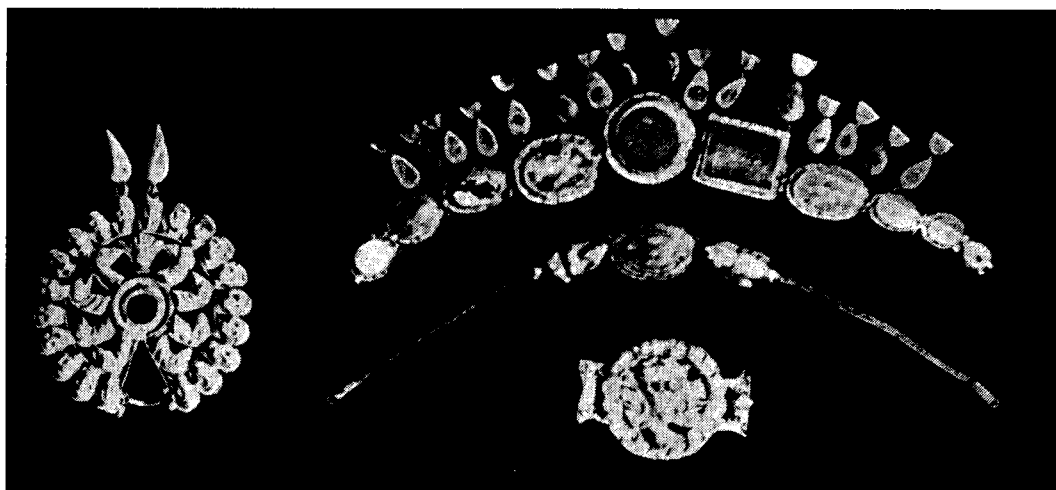
سورن که نامی‌ترین سردار پارتی است از نظر صباحت منظر و قدبلند و صورت لطیف از دیگران ممتاز بوده و موها را بر روی پیشانی از هم جدا نمیکرده و با اینکه درموقع جنگ با کراسوس بیش از سی سال نداشته دلاوری شگفت و جنگاوری ماهر بوده است وی ازجہات اخلاقی وحزم وتدبیردر میان پارتها معروف بوده و درفنون جنگی نیز از سردارانی است که ازدنیای قدیم تاکنون شهرت خود را حفظ کرده است.

شاهنادرگان پارس در دوره هخامنشی سرزمین پارس موقع بسیار مهمی داشته است شاهنشاهان هخامنشی مدتی از سال را در

کاخهای مجلل آن بسر میبردند و بسیاری از جشنها و اعیاد خود را در آن جابرجار می کردند سرزمین پارس از نظر دینی نیز اعتبار خاصی داشته است. نکته جالب اینکه پس از سقوط هخامنشیان شاهزادگان هخامنشی در سایه حسن تدبیر مقام فرمانروائی را در این سرزمین حفظ کردند و نگهبان آتش و سنن دینی و عادات و آداب ملی خود شدند از این شاهزادگان که بنام فراداتها معروفند سرتن در حدود پنج قرن فرمانروائی کردند آخرین شاهزاده همان اردشیر سرسلسله شاهنشاهان ساسانی است که عظمت و افتخارات شاهنشاهی هخامنشی را دوباره تجدید کرد. متأسفانه از حوادثی که بر این شاهزادگان گذشته است و نیز صفات و سجایایشان مطلبی در دست نیست. اما سکه های آنان باقی مانده و نوع لباس و آرایش چهره و قیافه آنان را بخوبی مشخص می سازد بخصوص که در پشت بعضی از سکه ها نقشی است که شاید نقش پرچم کاویانی درفش مقدس و مشهور شاهنشاهی ایران باشد اینک بیان تصویر دو تن از آنان.

۱ - ابرز وی پسر فرادات بوده و در حدود اوایل قرن دوم قبل از میلاد در پارس فرمانروائی داشته است تصویر او بر سکه چنین است. صورتی کشیده چشمانی گِیرا و بینی دراز سیلی بلند داشته و از قیافه وی آثار نجابت و عظمت آشکار است، کلاه او علی الظاهر از پارچه است و شباهت بسیاری به کلاه مادی دارد و در پشت سر دو تسمه گره خورده آویزان است در پشت سکه تصویر کامل او دیده میشود که ردای بلندی پوشیده و یکدست را بحالت نیایش بطرف آتشگاه دراز کرده و بدست دیگر کمان بلندی که بر زمین تکیه داده شده بدست گرفته است در مقابل او طرف راست آتشگاه تصویر پرچمی که از آن به «درفش کاویانی» تعبیر کردیم قرار دارد. (ش ۸۰)

یکی دیگر از فرمانروایان محلی پارس داریوش نام دارد که در اواسط



ش (۷۷) شاهزاده اشکانی کنده کاری روی صدف (موزه ایران باستان)

ش (۷۸) جواهر سازی اشکانی



ش (۷۹) کلاه خود شاهزاده اشکانی

ش (۸۰) سکه ابرز شاهزاده پارس

ش (۸۱) سکه داریوش شاهزاده پارس

قرن دوم ق. م. فرمانروای پارس بوده است. تاج وی شکل خاصی است که در سکه‌های او بوضوح دیده میشود و عبارت است از کلاه مدوری که روی آن طرف جلو هلال ماهی زرین قرار گرفته و پشت آن چند نوار آیزان است. صورت فرمانروای پارس بر روی سکه مرد جوان زیبایی را نشان میدهد که ریش و سبیلی انبوه و چشمانی درشت و خوش حالت و بینی زیبا داشته بر گوش وی گوشواره‌ای حلقه مانند آویزان بوده است (ش ۸۱).

فصل چهارم

ساسانیان

در باره دوره ساسانی درموزه‌های جهان و ایران و مجموعه‌های شخصی آنقدر آثار موجود است که اگر بخواهیم همه را بررسی کنیم حجم مطالب از حوصله این رساله خارج خواهد گردید.

« از شاهان ساسانی بیش از همه اسلاف آنان نقوش برجسته روی سنگ باقیست متجاوز از سی نقش برجسته صخره‌های نجد ایران را که بخش اعظم آنها در فارس یعنی ناحیه اصلی سلسله مزبور است مزین ساخته »^(۱)

گذشته از این، شاهنشاهان ساسانی به امر تاریخ نویسی اهمیت بسیار میداده‌اند. درمتون تواریخ عربی و فارسی که درقرون اولیه اسلام تدوین شده نام کتابهای متعددی دیده میشود که مؤلفین از آنها استفاده کرده‌اند؛ حمزه اصفهانی برای تدوین تاریخ « سنی ملوک الارض » کتابهای بسیاری دیده و از آن میان هشت جلد را مورد استفاده قرار داده است^(۲).

بنا بر گفته مسعودی مورخ مشهور اسلامی در کتاب « التنبيه والاشراف » بعضی از کتابهای تاریخ زمان ساسانیان مصور بوده و خود مسعودی چنانکه در مقدمه این کتاب گفتیم در شهر استخر پیش یکی از خاندانهای بزرگ، تاریخی مصور دیده که مطالب مربوط به تاریخ ایران در آن کتاب بوده و تصویر ۲۷ تن از شاهنشاهان ساسانی در آن وجود داشته که دوتای آنان زن بوده‌اند^(۳) و همین کتاب که ظاهراً « صور ملوک بنی ساسان » نام داشته است مورد استفاده حمزه اصفهانی قرار گرفته و وی

۱ - ایران از آغاز تا اسلام تألیف گیرشمن ترجمه دکتر محمد معین ص ۲۳۱

۲ - کتاب مذکور چاپ مطبعه کاویانی در برلن (ص ۹)

۳ - التنبيه والاشراف چاپ بغداد سال ۱۳۵۷ هـ - ۱۹۳۹ م ص ۹۲

رنگ لباس و تاج شاهنشاهان ساسانی و شکل و شمایلشان را در کتاب خود « سنی ملوک الارض » آورده است و سپس در کتاب « مجمل التواریخ و القصص » عین مطالب حمزه ترجمه شده است .

علاوه بر نقش و نگارهایی که بر در و دیوار شکسته و بردامنه کوهها موجود است مجسمه‌هایی نیز وجود دارد و هم چنین سکه‌های پادشاهان ساسانی و تعدادی از مهرهای آنان در دست است و حق این است که تمام این آثار چه آنهایی که در داخل ایران و چه آنهایی که در خارج از ایران است همه را بررسی نمائیم و نیز مطالبی را که در کتب تاریخ از قبیل مروج الذهب و التنبيه و الاشراف و سنی ملوک الارض و مجمل التواریخ و القصص و تاریخ طبری و بلعمی و غیره موجود است به نقش و نگارها و تصاویر بازمانده بیفزائیم و بگوئیم که کاری انجام یافته است . اما متأسفانه انجام چنین کاری در این کتاب مقدور نیست زیرا بنای کار بر اختصار قرار گرفته است معذک سعی خواهیم کرد که هر یک از شاهنشاهان ساسانی و مردان بزرگ و سرداران برجسته و بانوان نامدار آن عهد را جدا جدا مورد تحقیق قرار دهیم .

بیات ایرانیان عهد ساسانی
در تاریخ بلعمی داستان شیرینی وجود دارد که تاحدی مبین نحوه آرایش موی درباریان در عهد ساسانیان بوده است در این کتاب مینویسد که پس از آنکه خسرو پرویز از دریافت نامه حضرت رسول خشمگین شد و نفر را بنام بابویه و خرخره مأمور کرد که به مدینه روند و دستور داد که « محمد را نزد من بیاورید تا من سخن او را بشنوم اگر بیاید با او باز گردید و اگر نیاید از او بگذرید و به یمن شوید و نامه به باذان دهید تا کس فرستد و او را به بندد و نزد من فرستد پس هر دو رسولان برفتند و پیش پیغمبر آمدند ریشها سترده و سیلها دراز کرده پیغمبر علیه الصلوٰة والسلام چون ایشان را بدید عجب آمدش گفت چرا چنین کردید گفتند : خدایگان ما ، ما را چنین فرمود که ریش بتراشید و سبیل بجای رها کنید و ترجمان سلمان فارسی بود میان ایشان و پیغمبر صلی الله علیه و سلم پس پیغمبر از سلمان پرسید که چه میگویند ؟ گفت میگویند امر نارینا ان ننقص اللحية ونعقوعن الشوارب (یعنی خدایگان ما به ما دستور داده که ریش

بتراشیم و سیل را رها کنیم) مصطفی صلی الله علیه وسلم فرمود امری ربی ان اقص الشارب و اعفواللحیه. گفت مرا خدای چنین فرمود تا سبت بستم و ریش عفوکنم (۱)

از این داستان چنین استنباط میشود که داشتن سیل‌های بلند و دراز آهنگ و پیچان در آن زمان رایج بوده است و این نکته از روی تصاویر بازمانده بخوبی پیداست.

بطور کلی ایران قبل از اسلام را میتوان عصر پهلوانی نام نهاد. در این دوره در میان هنرهای مختلفی که رواج داشته مطلوب تر از همه هنر جنگاوری بوده است و تردید نیست که سیل پر پشت و بلند قیافه مرد را مردانه ترو مهیبت تر جلوه میدهد و بنابراین میتوان به جرأت حکم کرد که اکثر مردان آن عهد بخصوص جنگاوران سیل‌های بلند و مهیبی داشته اند.

در دوره ساسانیان رسم بر این بود که پادشاه باید بدون هیچگونه نقص و عیبی باشد، شاه بایستی از حیث شکل و اندام سالم باشد بدین جهت از مدعیان سلطنت آنان را که وابسته بخاندان سلطنت بودند و در کشتنشان احتمال تشنج و دسته‌بندی میرفت کور میکردند یا ناقص میساختند در تاریخ بلعی چنین نوشته شده است که ستاره شناسان به خسرو پرویز گفته بودند که ترا پسری خواهد بود که در یکی از اعضای بدن نقصی خواهد داشت و خاندان سلطنت ساسانی در پادشاهی او از میان خواهد رفت، خسرو پرویز پسران خود را در قلعه‌ای زندانی کرد و مأمورانی بر آنها گماشت که نگذارند زنی پا بدان قلعه نهد، شهریار پسر بزرگ خسرو پنهانی یک نفر را پیش شیرین فرستاد و از او پنهانی زنی خواست شیرین زنی سیاه نزد او فرستاد و آن زن از شهریار به یزدگرد سوم حمله شد یزدگرد چون به پنج سالگی رسید خسرو از وجود او آگاه شد و شیرین را گفت او را برهنه کن تا همه اندام وی را بنگرم، او را برهنه کرد همه اندام او درست بود مگر دو گونه چپ او کمتر از آن راست بود (۲)

۱ - تاریخ بلعی چاپ وزارت فرهنگ ص ۱۱۴۱ - ۱۱۴۲

۲ - تاریخ بلعی چاپ وزارت فرهنگ ص ۱۱۴۹

در روضة الصفا این داستان با اختلاف مختصری نقل شده است ، در اینجا مینویسد « خسرو فرمود تا یزدجرد را برهنه کردند آن عیب را بر زانوی آن دیده خواست تا او را سیاست کند (۱)

این داستان چه درست باشد و چه نادرست گفته ما را ثابت میکند و نشان میدهد که اولیاء امور در آن روزگار به بی عیب و نقص بودن پادشاه بسیار اهمیت میداده اند و بنابراین دیگر تردیدی نمی ماند که شاهنشاهان ساسانی از لحاظ اندام متناسب بوده اند و نقصی در اعضای بدن نداشته اند .

در سیمای اردشیر همان نکته هائی را که در مورد *اردشیر اول* (۲۲۴-۲۴۱ م) دیگر سرسلسله ها گفته ایم دوباره یادآور میشویم با این تفاوت که برای اردشیر عظمت و اهمیت بیشتری قائلیم محاسن اردشیر و زیبایی اندام و قامت او کم از کوروش سرسلسله هخامنشیان نبوده است و اهمیت کارهائی که کرده با توجه به مقتضیات زمان کمتر از کارهای کوروش نیست زیرا وی بر دو پادشاه بزرگ اشکانی و صدها فرمانروایان شرق ایران را که کمتر از شاهنشاه اشکانی و قدرت بودند پیروزی یافت و حتی فرمانروایان شرق ایران را که کمتر از شاهنشاه اشکانی اطاعت می کردند به اطاعت آورد و باینکه خاندانهای بزرگ بیشمار را تار و مار کرد و ازمیان برد و دشمنان بیشمار و نیرومندی برای خود تهیه دید پایه های تخت شاهنشاهی ساسانی را بر دلهای مردم چنان استوار کرد که مردم از صمیم قلب او را دوست میداشتند و سرانجام این عقیده در آنها پیدا شد که سلطنت عطیه ای است که اهورامزدا فقط بخاندان اردشیر بخشیده است . صفات و سجایای او در مجمل التواریخ و القصص چنین خلاصه شده است :

« جز داد و عدل و آئین و صورت و سیرت پسندیده نهاد در حال رعیت و سپاهیان و عاملان . چنانکه شرحهای آن مشهور است و نسخه عهد اردشیر معروف است و همت بعمارت عالم آورد و جمع علوم و تصانیف ، که در ایران هیچ دفتر علم قدیم نماند که سکندر نسوخت ، و آنچه خواست بروم فرستاد (۲) »

۱ - روضة الصفا جلد اول ص ۸۰۶

۲ - مجمل التواریخ ص ۶۱

بطوری که ملاحظه میشود در کتاب مجمل التواریخ هم صورت او پسندیده شرح شده وهم سیرت او و تردیدی نداریم که اردشیر از زیبایی چهره و تناسب اندام بحد اعلی برخوردار بوده است.

وی از رهبران معدودی است که بعلت داشتن فلسفه خاص مردم را صمیمانه بخود معتقد ساخت و میگفت دین و دولت باهم توأمند و بر اساس همین فلسفه از آئین زردشت سخت حمایت کرد و آنرا دین رسمی قرار داد و با این ترتیب زمام رهبری مذهبی و معنوی را نیز بدست گرفت و یگفته فردوسی :

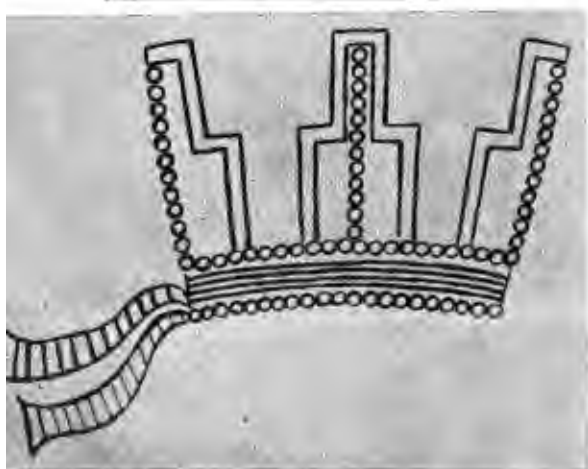
هر آنکس که داند که دادار هست نباشد مگر پاک و یزدان پرست

دگر آن که دانش مگیرید خوار اگر زیر دستید اگر شهریار

از اردشیر لااقل پنج نوع سکه مختلف در دست است از تمام این سکه ها چنین پیدا است که قیافه ای مردانه چشمانی درشت و ابروانی پیوسته و گونه برآمده داشته است که سیل های بلند او روی ریش فروخته اش که تا روی سینه میرسیده افتاده بوده است (ش ۸۲).

گذشته از سکه ها تصاویری نیز از اردشیر بر بدنه کوهها باقی است که از همه مهمتر نقش او در دو محل نقش رجب، و نقش رستم (ش ۸۳) است در این دو نقش اهورامزدا حلقه و عصای شاهنشاهی به اردشیر اعطا میکند. اردشیر این حلقه را با دست راست گرفته و دست چپ را بعلامت احترام و اطاعت بالا نگهداشته است. در این تصاویر اردشیر دارای تاجی است که برسکه های دوران اول سلطنتش مشاهده میشود بر روی تاج گوی بزرگ پوشیده از پارچه زربفت قرار گرفته و از پشت تاج نوار پهنی بر روی و پشت گیسوانش آویخته شده است، اردشیر سوار براسب است و در زیر دست و پای اسب او جسد دشمن لگد کوب شده است.

از این تصاویر چنین پیدا است که پادشاه گردن بند مرواریدی آویخته و لباس آستین داری پوشیده که به بدنش چسبیده است زین ابزار اسب اردشیر دارای تزئینات بسیار باشکوهی است.



ش (۸۲) طرح تاج ها وسکه های اردشیر اول



ش (۸۳) مراسم تاجگذاری و تفویض سلطنت .
اردشیر اول ساسانی

ش (۸۴) اردشیر اول - دوران اول سلطنت .

سکه‌های اردشیر که در بالا از آن یاد شد از لحاظ هنری جامع و ممتاز می‌باشد و شاهنشاه را با آرایش و تزئینات خاصی نشان می‌دهد و هنرمندان ضرب سکه با دقت فراوان و هنرمندی خاص توانسته‌اند تصویر اردشیر را با تاج و تزئینات کامل نقر کنند. در بعضی از سکه‌ها اردشیر تاجی بر سر دارد که بر روی آن گوئی است زرین که از مروارید و سنگهای قیمتی زینت یافته است. در بعضی دیگر تاج او زرین و زیبا و کنگره‌دار و مرصع بجواهرات گوناگون است و چهره اردشیر در نهایت تناسب می‌باشد گیسوان مجعد و تابدار او بر دوش او آویخته است.

در کتاب سنی ملوک الارض رنگ لباس‌های او چنین توصیف شده است:
لباس روئی اردشیر دیناری رنگ و شلوار او آسمانی و تاجش سبز در زمینه طلائی و در دستش نیزه‌ای

نقوشی ظریف بر قطعه‌ای از سنگ در تخت جمشید بر بدنه دیوار غربی موزه و نقش دیگری در طاقچه و دیگری در درگاه غربی ایوان جنوبی کاخ تچر دیده می‌شود که علی‌الظاهر از اوایل دوره ساسانی است و محتمل است که از اردشیر اول باشد

اینک تصویر این نقوش را در این جا می‌آوریم که لااقل لباس بزرگان ایران در اوایل دوره ساسانیان روشن گردد. (ش ۸۴)

در یکی از این نقوش سواری بر اسب دیده می‌شود که دو نفر جلو دار دارد سوار دارای لباده‌ای است کوتاه، چهارخانه، زردوزی شده با نقوش هندسی که در وسط هر یک از چهارخانه‌ها جواهراتی نصب است. این لباده بوسیله نواری که در مقابل سینه قرار دارد بسته شده و گره خورده است. لباس زیرین جامه‌ای راه راه است که تا پائین زانو را گرفته است در روی شانه‌ها گل جواهر نشان مدوری قرار دارد، شلوار گشادی که از پارچه پر نقش و نگاری زر دوزی شده تا روی پا آمده و پاپوشی دارد که روی آن چند قلاب جواهر نصب شده و بر آن دو نوار آویزان است. سوار در دست چپ شمشیر مرصعی دارد که بر روی ران قرار گرفته و تا نزدیکی ران اسب آمده است. کلاه وی نظیر کلاه آخرین شاهان اشکانی است زینت آلتیکه برای زین و برگ اسب بکار رفته نمودار جلال و شکوه سوار است. در صحنه دیگر شاه ساسانی سوار بر اسب حلقه سلطنت را بدست گرفته است.

شاپور اول (۲۴۱-۲۷۲ میلادی) ارثی را که از پدر برده بود بخوبی حفظ کرد و برنامه‌هایی که پدر در مورد ایجاد نظم طرح و اجرا کرده بود ادامه داد وی دارای صفات ممتازی بود که یک فرمانده بزرگ باید داشته باشد، در آبادانی مملکت سعی فراوان کرد و در راه پیشرفت علم و معرفت دستور داد آثار و تصنیفات متعدد یونانی و هندی را در قسمتهای مختلف مانند طب و نجوم و فلسفه ترجمه کنند و با شکستی که در سال ۲۶۰ میلادی بر امپراتور روم والرین وارد کرد به منتهای عظمت رسید و در روی سکه‌ها و کتیبه‌ها با لقب (شاهنشاه ایران و ایران) داده‌اند در مجمل‌التواریخ والقصص چنین توصیف شده است.

همتی بزرگ داشت اندر داد و انصاف و آبادانی، علم برسان پدر، شاذروان شوشتر او کرد که از عجایب عالمست، شهر بسیار کرد چون شاپور، نیشاپور، شاد شاپور، بدان اندیو شاپور» (۱)

در تاریخ بلعی نیز چنین آمده « مردم از او هنرها دیدند در عدل و تواضع و نیکو داشتن سپاه و رعیت و پس از پدر آن نیکوئی افزون کرد و سیرت او از پدر افزون گامد و بهتر بود (۲) .

فردوسی نظر او را در باب مملکت داری چنین بیان میکند .

اگر شاه با داد و فرخ پی است	خرد بی گمان پاسبان وی است
همه جستش داد و دانش بود	ز دانش روانش برامش بود
بشاهی خردمند باشد سزا	بیجای خرد زر بود بی بها

از متون تواریخ چنین پیدا است که از زیبایی فوق‌العاده‌ای بهره‌مند بوده است. در جنگی که با ضیزن غسانی میکرد دختر ضیزن براو عاشق شد و آتش این عشق بحدی شعله زد که دختر به پدر خیانت کرد و حصار را بتصرف شاپور داد بشرط اینکه شاپور با او ازدواج کند. شاپور پس از پیروزی با او ازدواج کرد اما بعلت خیانت به پدر او را بکشت.

۱ - کتاب مذکور ص ۶۳

۲ - تاریخ بلعی با مقدمه و حواشی دکتر مشکور ص ۹۱

تصاویر و آثاری که از شاپور در دست است نسبت به دیگر آثار شاهنشاهان ساسانی بیشتر است مهمترین آنها عبارتند از :

صحنه های بسیار بزرگ حجاری شده در نقش رستم (ش ۸۵) و نقش داراب و سه نقش در تنگ چوگان (بیشاپور) که پیروزی اورا بر والرین امپراتور روم نشان میدهد.
۲ - نگین معروف در مجموعه مهرهای کتابخانه پاریس که نقش شاپور را با والرین در حال جدال نشان میدهد (ش ۸۶)

۳ - سکه های شاپور

۴ - مجسمه معروف او در غار شاپور که مجسمه ای است سنگی به بلندی ۷ متر که پهنای شانه های آن دو متر است و این مجسمه بهترین اثری است که همان تصویر آن کافی است که مارا به جزئیات سیمای او واقف سازد. (ش ۸۷)

از مجموعه تمام این تصویرها چنین پیداست که در چهره شاپور حالت قدرت شاهنشاهی دیده میشود و حتی عظمتی ماورای عظمت آدمی مشاهده میگردد. شاپور دارای قدی بلند، سینه ای فراخ، بازوانی قوی، ابروانی پیوسته، چشمانی درشت و بادامی، بینی موزون و مستقیم، سبیلی بسیار بلند، صورتی نسبتاً کشیده، ریشی انبوه و برخلاف پدر کوتاه بوده. موهای مجعد و انبوه او بر پشت و دو سمت دوش ریخته است گردن بندی مروارید برگردن آویخته، تزیینات تاج و لباس او در غایت جلال است شاهپور در نقوش مختلف لباسهای متنوع دارد در مجسمه غار شاپور دارای لباسی است که یقه آریبی دارد که از طرف چپ گردن شروع میشود و بطرف راست تاناحیه کمر میرسد و در زیر آن پیراهنی است بایقه ای گرد که دور آن حاشیه ای است شبیه گردن بند که از گوهر زینت یافته و شاید هم گردن بندی است که بر روی لباس زیر افتاده است.

در تصاویر دیگر لباس رو دارای تزیینات فوق العاده ای است، آستین های لباس چین دار و کمر بندی به کمر بسته که نوارهای مواجی از آن آویزان است و در دو طرف کمر بند او تسمه ای است که شمشر بدان آویخته میشده است.

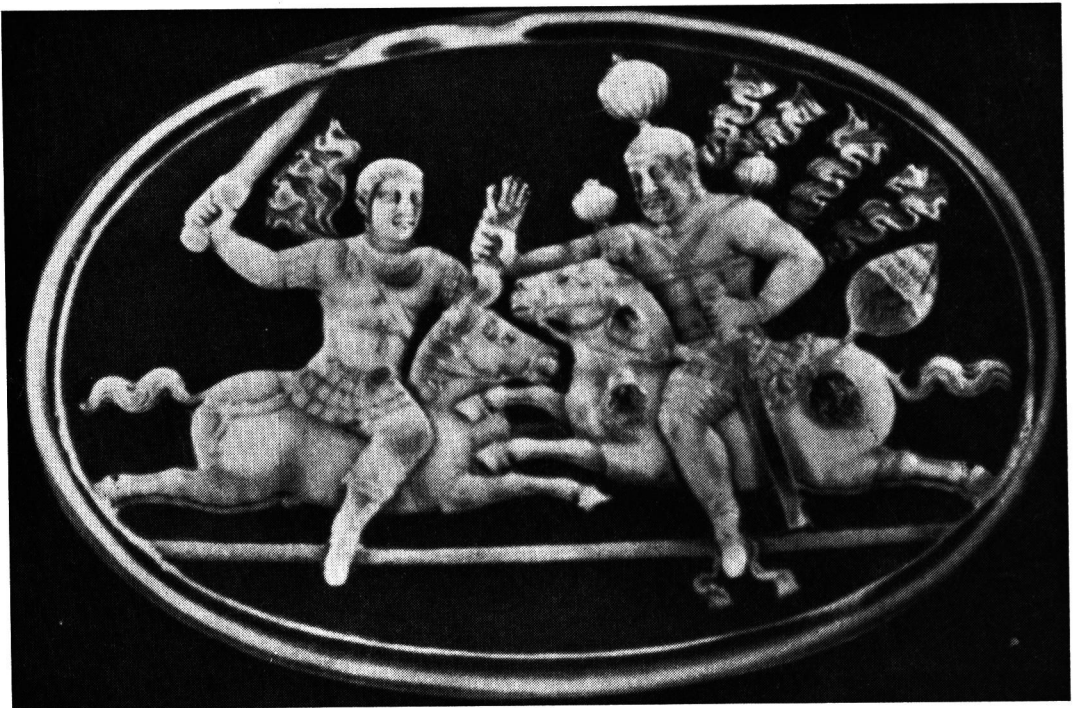
شلوار دارای چین های زیادی است که تا میچ پا میآمده و از پارچه های بسیار ظریف و بطور قطع ابریشمی بوده است. انتهای شلوار وسیله نوارهایی بکفش متصل میشده کفش نیز صاف و بدون پاشنه بوده است.

در کتاب حمزه اصفهانی رنگ لباس و تاج او چنین وصف شده است.
 «لباس او آسمانی رنگ و شلوار او پارچه‌ای لطیف گلدار و منقوش با
 رنگ قرمز و تاجش قرمز در زمینه سبز، ایستاده و دزدست او نیزه»
 چنانکه از سکه‌های شاپور اول برمی‌آید نقوش تاج دو نوع است. هر دو
 کنگره‌دار که کنگره‌ها بسیار بلند است و بر روی لبه تاج و دور کنگره‌ها مروارید
 نصب شده و در وسط تاج گوی مدوری است از پارچه زربفت که بر روی آن دو گوهر
 نشانه بوده یکنوع تاج دارای دو زبانه است که از روی گوشه‌ها گذشته تا نزدیک
 گردن آمده است و دور زبانه مروارید است و در وسط آن گل زرین گوهر نشانی نصب
 است گاهی اوقات علاوه بر حاشیه گوهر نشان که دوریقه لباس موجود است گردن
 بند جواهری نیز بر گردن شاهنشاه آویزان است در پشت تاج دو نوار چین‌دار در
 اهتزاز است (ش ۸۸).

وی مردی راست کردار و بردبار و زبردست نواز بوده است در آخرین دقایق
 زندگی به جانشین خود سخنانی گفته و اندرزهایی داده که سجایای اخلاقی او را
 روشن می‌سازد و قسمتی از آن در شاهنامه چنین آمده.

چو روز تو آید جهان دار باش	خردمند باش و بی آزار باش
زبان را مگردان بگرد دروغ	چو خواهی که تاج از تو گیرد فروغ
بنه کینه و دور باش از هوی	مبادا هوی بر تو فرمانروا
نگر تا نگردد به گرد تو آرز	که آرز آورد خشم و بیم و نیاز
همه برد باری کن و راستی	جدا کن دل از کژی و کاستی

هَرَمَز_اَوَّل : (۲۷۲ تا ۲۷۳ میلادی) از این پادشاه جز سکه اثر دیگری پیدا
 نیست زیرا وی در مدت کوتاه سلطنت که
 بیش از یکسال نبود فرصت این نیافت که نقش از خود باقی گذارد اما سکه‌ای که
 از او در دست است زیاست و میتواند بخوبی او را معرفی کند بر طبق سکه تصویر
 او چنین است. صورتی کشیده چهره‌ای موزون چشمانی گِیرا بینی کشیده سبیل بلند
 و ریشی انبوه و کوتاه داشته است تاج وی کوتاه و کنگره‌دار که بر بالای آن گوی
 مدوری از پارچه سبز رنگ زربفت قرار گرفته و بر روی گوی نقوش جواهر نشان جای
 داشته و دور گوی و لبه تاج بمروارید مزین بوده است پشت گوی و پشت تاج

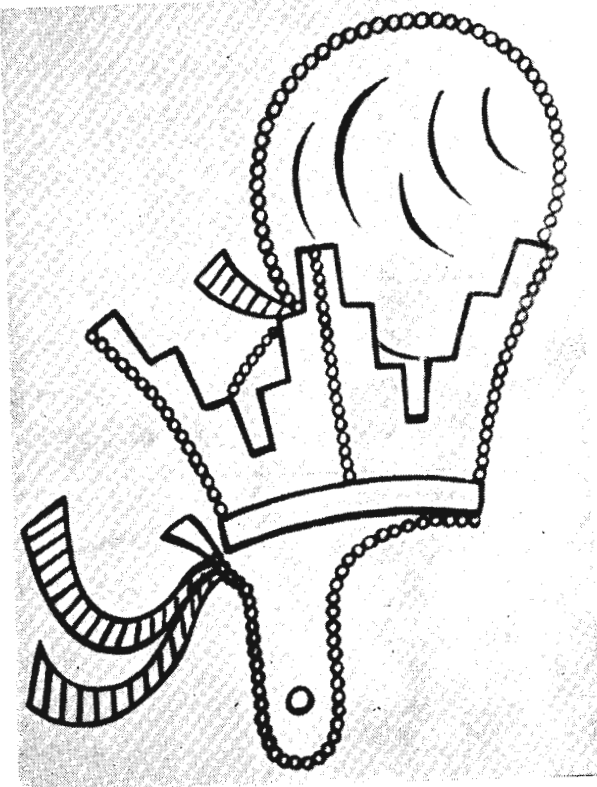


ش (۸۵) نقش برجسته پیروزی شاپور شاهنشاه ساسانی
بروالرین امپراطور روم.

ش (۸۶). مهر (کتابخانه ملی پاریس)



ش (۸۷) . مجسمہ شاپور (یشاپور)



ش (۸۸) سکه و طرح تاج شاپور اول

دو نوار موج در اهتزاز است بر گوش او گوشواره‌ای است که دارای آویزی از سنگهای قیمتی است موهای انبوه وی از زیر تاج بر روی شانه افتاده است یقه لباس که بطور قطع مانند لباس پدرش شاپور بوده دارای سه ردیف تزئینات از جواهر بوده است . (ش ۸۹)

در مجمل التواریخ والقصص چنین آمده : « هرمز پسر شاپور بن اردشیر بود ازدختر مهرک نوش زاد وسخت مانده به جد خویش اردشیر ، و اندر کتاب صورت گفته است ، پیراهن سرخ داشت و شلوار سبز وتاج سبز وزرد داشت در دست راست نیزه و اندر چپ سپر داشت (۱) .

گویا تنها پادشاهی است از پادشاهان ساسانی که فاقد یکدست بوده است زیرا وی در پادشاهی پدرش والی دامغان بود بداندیشان پیش پدر سعایت کردند که قصد پادشاهی دارد چون خبر بدو رسید دست خود ببرید و پیش پدر فرستاد که « من عیب ناک شدم و پادشاهی را نشایم » .
حمزه اصفهانی نیز گوید « در صورت و قد شبیه به اردشیر بود » (۲) .

برخی از مورخین او را پسر هرمز و بعضی برادر هرمز نوشته‌اند **بهرام اول** (۲۷۳-۲۷۶) « کریستن سن دانمارکی » بهرام را پسر شاپور اول و برادر هرمز اول میدانند (۳) در تاریخ بلعی و مجمل التواریخ پسر هرمز ونوه شاپور آمده است علی الظاهر پادشاهی ضعیف النفس وناتوان بوده است از وی سکه‌های زرین و سیمین بسیار زیبا در دست است (ش ۹) و در محل پیشاپور مجلس تاجگذاری او بر بدنه کوه حجاری شده است (ش ۹۱)

برطبق این اسناد وی چهره‌ای زیبا چشمانی گيرا بینی متناسب و ریش و سبیلی بلند داشته و دارای تاج مخصوصی بوده است که بجای کنگره برجستگی‌های نوك تیزی داشته که با جواهرات گرانبها زینت شده بوده است بر روی تاج گوی مدوری است از حریر زرقت آسمانی رنگ که بر روی آن گوهرهایی نصب بوده است . در پشت تاج دو نوار چین دار بحال اهتزاز است و لبه تاج در کنار چهره بشکل

۱ - مجمل التواریخ ص ۳۳ تاریخ بلعی ۹۷

۲ - سنی ملوک الارض ص ۳۵

۳ - ایران در زمان ساسانیان ص ۱۵۱

زبانهای مزین به مروارید و گوهر، روی گوش را پوشانیده است موهایی سر در دو ردیف بر روی گردن و پشت سر ریخته بوده است.

در روی کتیبه لباس شاهنشاه نظیر شاهان دیگر و لباس پدرش شاپور است و اسب وی نیز تزئینات بسیاری دارد.

در کتاب مجمل التواریخ چنین آمده « بهرام پسر هرمزد شاپور بود. صورت او با پیراهن سرخ و شلوار سرخ و تاج آسمان گون نگاشته‌اند در دست راست نیزه و اندر چپ شمشیر (۱) »

بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۲) با اینکه حوادث مربوط به پادشاهی هفده ساله بهرام دوم در پرده‌ای از ابهام قرار گرفته و وقایع دوران سلطنت او بخوبی روشن نیست معذک تصاویر متعددی از او در دست است. مهمترین نقشهائی که از او باقی است عبارتست از:

۱ - در نقش رستم کتیبه‌ای است پهلوی کتیبه‌ای که تاجگذاری اردشیر اول را نشان میدهد در این نقش بهرام دوم در وسط خانواده‌اش قرار گرفته (ش ۹۲).

۲ - تصویر دیگری در سراب بهرام (مسمنی) که بهرام دوم در میان چهار تن محترمین دربار جای دارد (ش ۹۳).

۳ - نقشی در دهکده (گویم) سی کیلومتری شیراز نزدیک جاده قصرالدشت که متأسفانه چنان آسیب دیده که ریزه کاری‌های آن از میان رفته است.

۴ - دو نقش دیگر در سرمشهد که در یکی بهرام دوم را در حال جنگ با دوشیز نشان میدهد علی‌الظاهر این دو شیر به زن و فرزند او حمله کرده‌اند. (ش ۹۴-۹۵)
۵ - نقش برجسته بهرام در تنگ چوگان (بیشاپور) در حال پیروزی او بر چادر نشینان عرب

۶ - سکه‌های متنوع او که در بعضی از آنها تصویر خودش به تنهائی یا تصویر او با ملکه یا تصویر او با ملکه و ولیعهد و یا تصویر او و ولیعهد است. (ش ۹۶)
مورخین مینویسند در آغاز مردی سختگیر بوده ولی در اثر نصایح بزرگان و موبدان خیر اندیش تغییر روش داده و بعدل و داد گزائیده است.



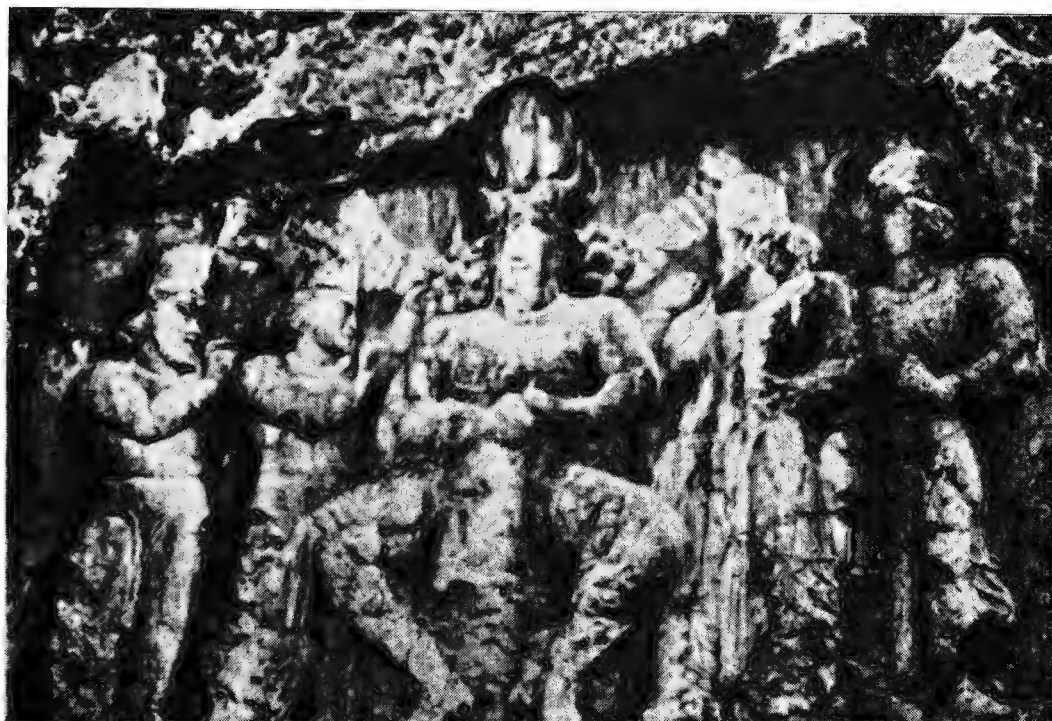
ش (۸۹) سکه و طرح تاج هرمز اول

ش (۹۰) سکه و طرح تاج بهرام اول



ش (۹۱) نقش برجسته بهرام اول (بیشاپور)

ش (۹۲) بهرام دوم (نقش رستم)

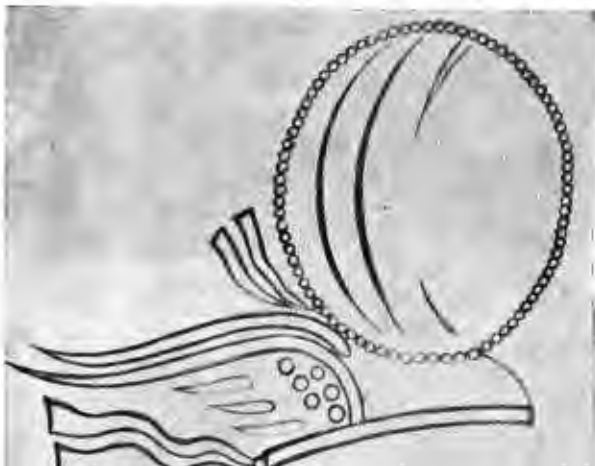
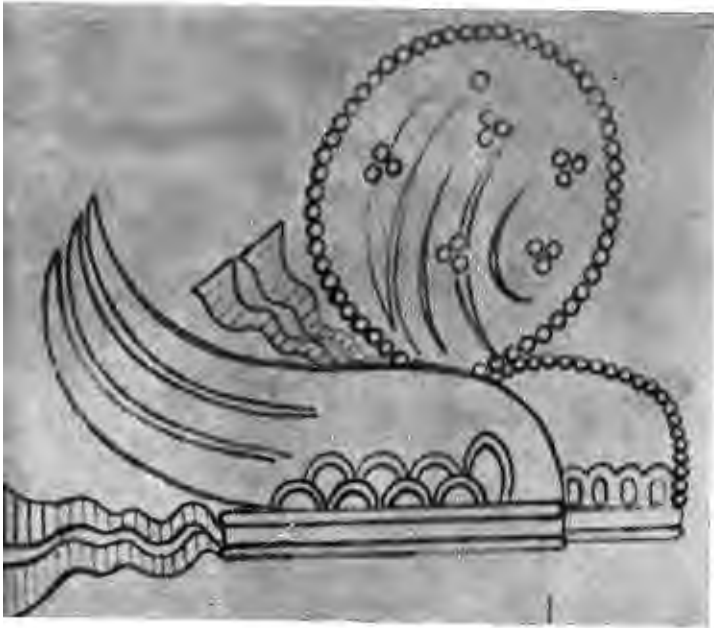
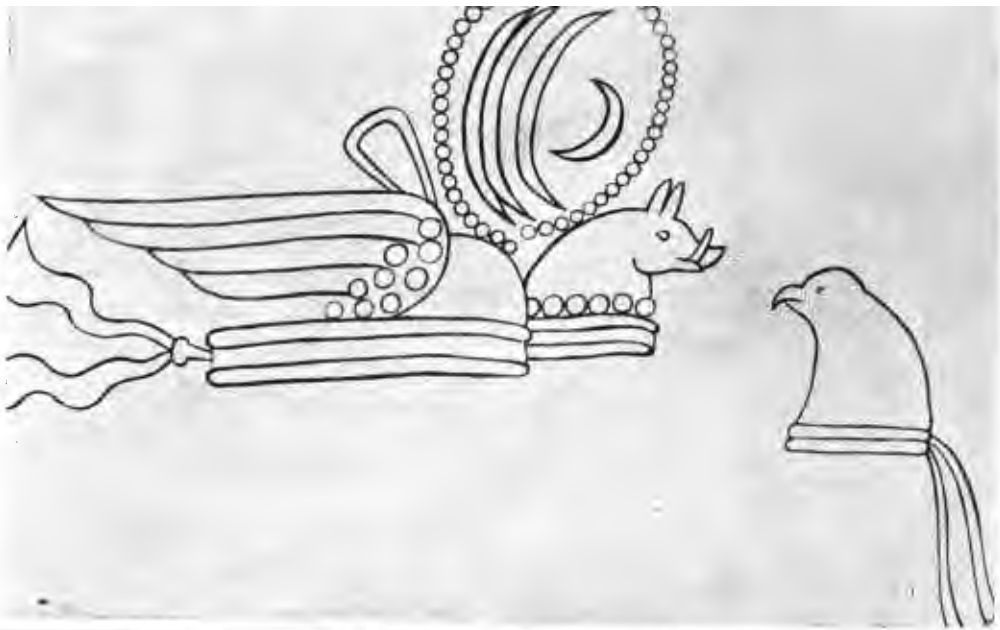


ش (۹۳) بهرام دوم بین بزرگان کشور (سراب بهرام - ممسنی)

ش (۹۴-) جدال بهرام دوم با شیر (سر مشهد)



ش (۹۵) نیم تنه بهرام دوم (سرشهد)



ش (۹۶) سکه های بهرام دوم و طرح تاجهای او

خلاصه پادشاهی او چنین آمده است « از احوال و حوادث اندر عهد او چیزی زیادت معلوم نشد مگر آنکه نسبت بمردم به داد و درستی رفتار میکرد و پادشاهی شکار دوست بود و هم اندر شکارگاه و از آشفتن باد ، چوب سراپرده بر سرش افتاد و از آن ببرد»^(۱) چنانکه از تصاویر حجاری شده و سکه ها برمیآید شکل تاج در عهد او تغییر کرده و در طرفین تاج دو بال زیبا قرار گرفته است تاج بهرام دوم تاج مدوری است مزین بدو بال و روی آن گوی مدوری است که جواهر نشان است و یا بجای جواهر هلال های بزرگ بر روی گوی مشاهده میشود و بر لبه تاج و اطراف گوی و بال گوهرهای گرانبها و مروارید بکاررفته است چهره بهرام بسیار زیباست و دارای ریش نسبتاً کوتاه سیلی بلند و بینی متناسب و راست ، برگوش او گوشواره ای است آویز دار و بر بعضی از سکه ها گردن بندی از مروارید با سنگهای قیمتی، و در بعضی حاشیه یقه پیراهن زر دوزی شده و از سنگهای گرانبها تزئین گردیده است موها افشان در پشت سر و گردن قرار گرفته دو نوار چین دار بوسیله حلقه زرینی به پشت کلاه نصب گردیده است. از اختصاصات بهرام دوم علاقه شدیدی است که نسبت به خانواده داشته و بهمین علت تنها پادشاهی است که هم در حجاریها و هم بر روی سکه های او نقش ملکه و ولیعهد منقور است . بنابراین از فرصت استفاده میکنیم و نکاتی راجع بتصویر ملکه ایران را در آن زمان میآوریم

در نقوش مختلف و متنوعی که بر سکه ها از زن بهرام دوم در دست است چنین استنباط میشود که ملکه بسیار زیبا بوده ، چهره ای کشیده دهانی کوچک ، چشمانی درشت ، گپرا چانه ای گرد بینی متناسب داشته و صاحب دو نوع تاج بوده است ، یکی تاج مدور که دور تاج و لبه آن از جواهرات مختلف تزئین گردیده و تاج دیگر تاج بلندی است که به سرگرازی منتهی میشده است در لبه و حاشیه آن جواهرات و مروارید بکار رفته است ، در طرفین صورت دو رشته گیسوی بافته شده و بلند بر روی شانه افتاده است بهرام دوم در کتاب صور ملوک بنی ساسان چنین وصف شده است :

« با پیراهنی وشی سرخ و شلوار سبز و تاج آسمان گون میان دو شرفه زرین ، بر سر داشته و کمانی بزه کرده ، اند در دست راست گرفته و سه چوب تیر اندر چپ گرفته^۲

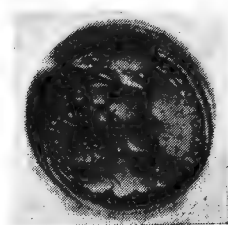
بهرام سوم (۲۹۲) مدت پادشاهی این پادشاه بیش از چهار ماه نبود بنابراین فرصت این نیافت که به سنت شاهنشاهان ساسانی کتیبه‌ای حجاری کند بنابراین فقط باید بتصویری از او که بر روی سکه‌های کمیاب وی باقی است اکتفا کنیم خوشبختانه هم از خودش سکه داریم و هم بطوریکه گفته شد پدرش بهرام دوم بسبب علایق خانوادگی تصویر او را در دوران ولایتعهدی بر روی سکه‌های خود حک کرده است. با مطالعه سکه‌های او چنین پیداست که بهرام سوم در دوران ولیعهدی صورتی بسیار نحیف عارضی گرد، چشمانی درشت گردنی کشیده و ظریف داشته، تاج دوران ولیعهدی او کلاه بلندی است که بسرگراز یاعقابی منتهی میشود بر یکی از سکه‌های پدر حلقه سلطنت را که دو نوار بدان آویخته شده بدست گرفته است و در پشت سکه در کنار آتشدان مقدس روبروی در ایستاده و حلقه شاهنشاهی را بر دست گرفته و بالا نگهداشته. در این یک تصویر کلاه او بهمان ترتیب روی سکه است لباس او شبیه لباس پدر نیم تنه‌ای بلند و چین دار و شلواری پراز چین که تا پشت پای او را گرفته است.

در تصویر دوران سلطنت تاجی مخصوص بخود داشته که لبه تاج را دندانه‌های مستطیل شکل فرا گرفته و بجواهر آراسته گردیده است و بالای آن گوی مدوری است که از پارچه زربفتی احاطه شده و روی گوی گل‌های مثلثی شکل از جواهر و مروارید نصب گردیده و دور تاج و گوی بالای آن از یک رشته مروارید احاطه شده است. بین تاج و گوی دو نوار و درپائین پشت سر دو نوار بلندتر در اهتزاز میباشد در زیر نوار موهای زیاد شاهنشاه بر پشت گردن تا شانه ریخته است (ش ۹۷).

صورتی کشیده چانه‌ای پیش آمده بینی بلند چشمانی نافذ سیلی بلند و ریشی گرد دارد و برگوش او گوشواره‌هایی آویزان است و بر گردن او گردن‌بندی از جواهر یا مروارید قرار گرفته، یقه پیراهن باز است و حاشیه پهنی زربفت بر روی شانه چپ قرار گرفته که گلی جواهر نشان بر آن نصب گردیده است.

نقش بسیار ممتازی بر روی یک مدال از این پادشاه اخیراً بدست آمده است که بطور واضح و دقیق تصویر تاج و قسمتی از لباس او را بنظر میرساند.

در این مدال نقره که مربوط بیک مجموعه شخصی است بطرز باشکوهی تصویر بهرام سوم کنده کاری شده است (ش ۹۸).



ش (۹۷) سکه و طرح تاج بهرام سوم
ن (۹۸) مدال بهرام سوم (مجموعه خصوصی)

دراین مدال قیافه شاهنشاه ساسانی و تاج وی نظیر نقش سکه‌های وی است ولی درمورد لباس و تزئینات اختلافاتی بنظر میرسد، احتمال دارد این مدال وضع شاه را درمراسم رسمی ویا درحال جلوس برتخت سلطنت نشان میدهد. نام بهرام باعنوان شاه شاهان ایران و غیر ایران دربالای مدال بخط پهلوی نقر است. لباس او چنین وصف شده.

« پیراهن بهرام بهرامیان آسمان گون بوده است. با شلوار سرخ بر سریر نشسته و بر شمشیر تکیه زده تاج او سبز میان دوشرف زر اندر ساخته » (۱).

وی پسر شاهپور اول بوده که بر بهرام سوم قیام کرد و پادشاهی نرسی (۲۹۳-۳۰۲) را از او گرفت. پادشاهی متهور و بی باک بوده و شاید یکی از علل شکست او از رومیان تهور بیجای او بوده است بقول خودش:

دلیری ز هشیار بودن بود دلاور سزای ستودن بود
هرانکس که بگریزد از کار کرد از او دور شد نام و ننگ و نبرد

علی‌الظاهر ازاین پادشاه تنها یک حجاری درنقش رستم باقی است وهمین حجاری بقدری زیباست که بطور دقیق میتوان به هیأت و سیمای او پی برد دراین حجاری نرسی حلقه شاهی را که نوار چین داری بآن نصب است و نشانه سلطنت میباشد از آن‌ها جدا میگردد. (ش ۹۹)

سکه‌های او نیز در دست است. ازسکه‌ها و حجاری مذکور در فوق چنین پیداست که وی صاحب تاج مخصوص بسیار زیبایی بوده که لبه‌های زرین و بلند و شیار دار داشته و دور آن از مروارید و گوهر مزین بوده بر روی تاج گوی مدوری است که دارای پوششی زربفت و جواهر نشان است و بر پشت گوی شاخه‌ای بشکل برگ زرین واقع شده در پشت تاج نوارهای چین دار شاهی در اهتزاز است (ش. ۱۰۰) در صحنه نقش رستم گوی تاج بسیار بزرگ بنظر میرسد و از روی سکه‌ها و حجاری‌ها پیداست که وی قیافه‌ای مردانه ابروانی پهن، بینی کشیده، سبیلی بلند، ریش انبوه داشته و موهای فراوان و تاب‌دارش بر روی دوش آویخته بوده است یقه لباس او حاشیه‌ای پهن داشته که از گلهای جواهر نشان زینت یافته و بر روی شانه راست گل مدوری جواهر نشان قرار گرفته در لبه لباس روئی حاشیه زربفتی مشاهده میشود بر روی

قبای او روی شانه، تکه شمشه‌داری قرار دارد بر روی قبا کمربندی بسته شده است تزئینات دیگر لباس وشلوار همانند سایر شاهنشاهان ساسانی است.

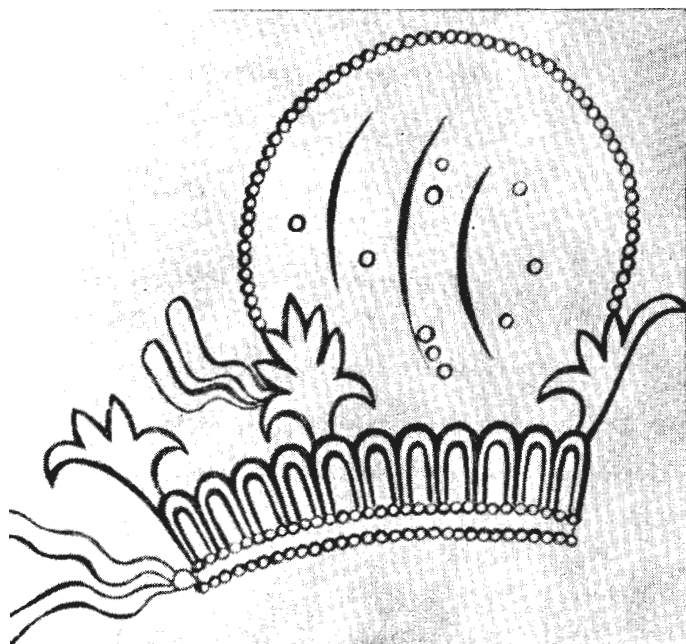
اینک وصف او درمجل التواریخ: «پیراهن وشى سرخ بود وشلوار وشى برلون آسمان سرپای ایستاده نگاشته است باتاج سرخ و بهر دو دست بر شمشیر فروچسبیده(۱)». «

هرمز دوم (۳۰۲-۳۰۱ میلادی) هرمز دوم را به دادگری ستوده‌اند وازوی به نیکی یاد کرده‌اند. از این پادشاه پیش از یک نقش برجسته نیست که متأسفانه قسمتهائی از آن سائیده شده است این حجاری در نقش رستم است (ش ۱۰۱) بنابراین ما باید فقط به بررسی سکه‌های او اکتفا کنیم. سکه‌های او متنوع است به استناد سکه‌ها، هرمز دارای صورتی جذاب وچشمانی گیرا وقیافه‌ای نجیب و کشیده بوده است وی دارای سبیل وریش انبوه و موهای پرشکن بوده که بردوش آویخته بوده است تاج مخصوص او بسیار زیبا و مجلل است و بشکل عقابی است که دویال را بطرف بالا کشیده است و بنوک عقاب که بالای پیشانی واقع شده دانه گوهری است بالای تاج در وسط، گوی بزرگ زربفتی است که روی آن گلهای مثلثی شکل و مدور و سنگهای قیمتی قرار دارد، دور گوی ولبه تاج رارشته‌های مروارید قرار گرفته بر گردن شاه گردن بندی از مروارید است. (ش ۱۰۲) حاشیه پهن قباى او از جواهرات تزئین گردیده است لباسی که در حجاری مذکور به بردارد لباس سوار مخصوص شاهان ساسانی است و زیبایی اندام وی بخوبی آشکار است.

« در صورت ساسانیان پیراهن سرخ وشى صورت کرده است با شلوار آسمان گون وتاج سبز بر سر نهاده و به هر دو دست تکیه بر شمشیر زده (۲) ».

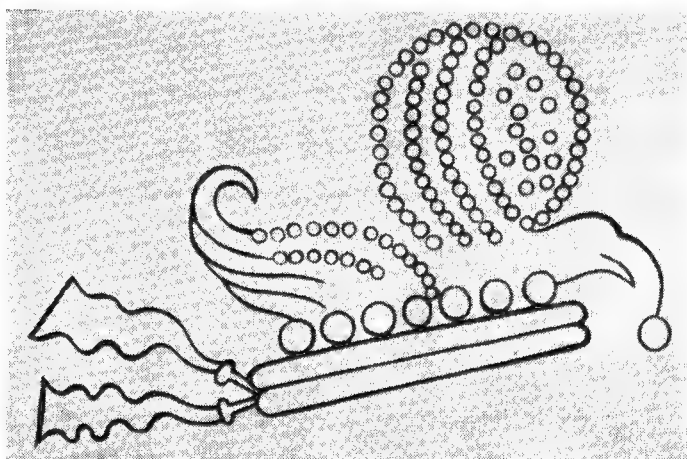
شاپور دوم (۳۱۰-۳۲۹ میلادی) شاپور دوم ملقب به بزرگ که علی‌الظاهر عربها بمنظور تحقیر به او ذوالاكتاف گفته‌اند از پادشاهان

بزرگ ساسانی است. در متون کتب تاریخ نسبت به پادشاهان پیش از او مطلب بسیار درباره اش میتوان یافت و بقول کریستن سن دانمارکی «از میان پادشاهان عهد اول، شاپور دوم تنها کسی است که منابع موجود اجازه تحقیق در خصایص شخصی او میدهد. آسین



ن (۹۹) مراسم اعطای حلقه پادشاهی به نرسی
(نقش رستم)

ش (۱۰۰) سکه و طرح تاج نرسی



ش (۱۰۱) جدال هرمز دوم (نقش رستم)

ش (۱۰۲) سکه وطرح تاج هرمز دوم

با اینکه طبیعتاً از دشمن خطرناک دولت روم متنفر بوده در روایت خود نتوانسته است از ذکر جلال و شکوه و دلیری شخص شاپور خودداری کند. شاهنشاه قدی رسا داشته از ملتزمین خود یک سروگردن بلند تر بوده است. هم در محاصره بزیده (بازیدی) هم در محاصره آمیدا (آمد) با کمال دلیری به خندق نزدیک شد و بدون اینکه از گلوله منجنیق و از باران تیر حذر کند حوالی قلعه را بدقت ملاحظه کرد» (۱). تمام مورخین حتی دشمنان شاپور او را به جوانمردی و مروت و انصاف و شجاعت و هوشیاری و دقت نظر ستوده‌اند.

فردوسی از او چنین نقل قول میکند:

اگر گنجت آباد داری بداد تو از گنج شاد و سپاه از توشاد

از شاهپور دوم تصاویر متعددی موجود است که اهم آنها عبارتست از:

۱ - در پیشاپور نقش برجسته مهمی است در دو ردیف که در ردیف بالا شاه بر تخت نشسته و شمشیر بلندی بر دست گرفته و نوک شمشیر بر زمین استوار کرده است در دست چپ در دو ردیف نجبا و اشراف ایستاده‌اند و میرآخوری دهانه اسب شاه را گرفته است در دست راست عده‌ای از محبوسین را دست بسته بطرف شاه می‌آورند و یک نفر هم سر دشمن را که بدست گرفته ارائه می‌دهد. (ش ۱۰۳)

۲ - نیم تنه گچی بسیار زیبایی از شاپور دوم که در بنای قصر کیش (بابل) به دیوار تالار الصاق بوده است (ش ۱۰۴)

۳ - بشقاب نقره با نقش شاپور دوم در حال شکار گراز (۲). (ش ۱۰۵)

۴ - بشقاب نقره با نقش شاپور دوم در جدال با دو شیر که یکی از آنها کشته شده است. در این بشقاب طرح کامل لباس شاپور دوم دیده میشود (۲) (ش ۱۰۶)

۵ - سکه‌های شاپور

از مطالعه نقش برجسته و نیم تنه گچی و نقوش قاب‌های نقره و سکه‌ها (ش ۱۰۷) میتوان تصویر او را بدین صورت تشریح کرد.

۱ - ایران در زمان ساسانیان تألیف پرفسور آرتور کریستن سن ترجمه رشید یاسمی چاپ تهران سال ۱۳۱۵ ص ۱۷۰

۲ - این بشقاب نقره از مجموعه موزه Free Gallery امریکا است

۳ - این بشقاب متعلق به موزه لندن گراد است

شاهپور دوم دارای قدی بلند و کمری باریک سینه‌ای فراخ بازوانی قوی گردنی بلند عارضی کشیده بوده است. بینی و دهان متناسب، چشمانی گیرارشی پر وسیلی نسبتاً بلند و گیسوانی مجعد و افشان داشته که تاروی شانه میآمده است لباس وی بترتیب سایر شاهنشاهان ساسانی قبائی زربفت بوده که دربالای آستین و نزدیک شانه دو گل برجسته دوازده پر دارد که درمیان آن گوهر گرانبهای مدوری قرار گرفته. آستین قبا بلند که میچ آن تنگ است کمر چسبان و روی آن کمربندی هست که دارای دو نوار بلند است و شمشیری به آن آویخته شده، شلوار شاهپور دوم بطرز سایر شاهنشاهان ساسانی از کمر چسبان و قسمت ساق پا چین دار و لبه شلوار هم دارای چین زیادی است، غلاف خنجر شاه گوهر نشان و حاشیه قباى اوپهن است و زر دوزی است که روی سینه کشیده شده و در وسط آن مدالی مدور قرارداد در گردن شاهپور دوم چه درنقش روی سکه ها و چه در ظروف گردن بندی از مروارید دیده میشود. تاج وی دنداندار است که لبه آن از جواهرات تزئین یافته و دربالای آن گوی مدوری است که پوشش زربفت داشته و بقطعات گوهر مزین بوده است در پشت سر دو نوار چین دار بطرف بالا در اهتزاز میباشد در مجمل التواریخ چنین وصف شده است :

« پسر این هرمز بود و او را عرب ذوالاكتاف لقب کردند زیرا که كتفهای عرب سوراخ کرد و حلقه آهنین در آن کشید بعد از آنکه بی اندازه قتل کرد و پارسیان او را شاهپور هویه سنا خواندندی و هنوز در شکم مادر بود که پدرش بفرمود تاج بر شکم مادرش نهادند و او بمرد (?) پیراهن او مورد بود وشی. شلوار سرخ وشی بر تخت نشسته تبریزی اندر دست و تاج او بلون آسمانی منقش برنگها، اندر میان دو شرفه زر و صورت ماه برنگاشته (۱) ». »

وی برادر شاهپور دوم بود و هنگامی که بر تخت نشست پسن
 ارشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳) پیری رسیده بود. اردشیر سرشتی پاك داشت و در سنین كهولت
 دربند بلند پروازی و بزم و رزم نبود بهمین جهت او را نیکوکار و یانرم لقب داده بودند
 بقول فردوسی :

مر او را نكوكار از آن خواندند كه هر كس تن آسان از او ماندند

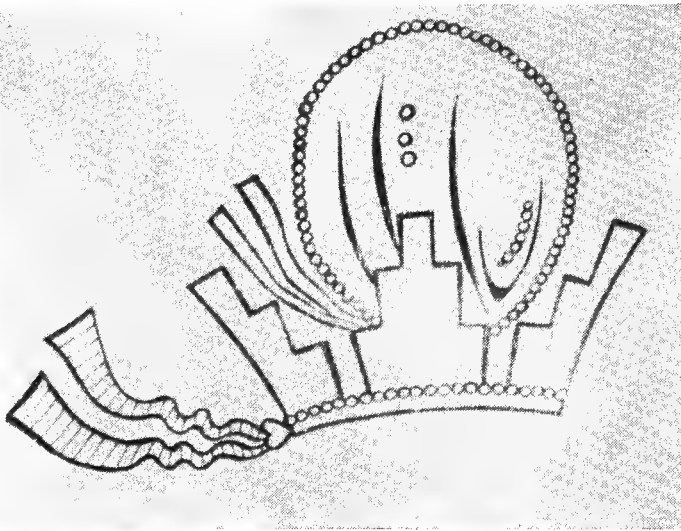


ش (۱۰۳) مجلس پیروزی شاپور دوم (بیشاپور)

ش (۱۰۴) نیم تنه گچی شاپور دوم
(قصر کیش در بابل)



ش (۱۰۵) شکارگراز شاهپور دوم
(موزه فری گالری اسرکا)
ش (۱۰۶) شکار شیر شاهپور دوم (موزه لنینگراد)



ش (۱۰۷) سکه و طرح تاج شاهپور دوم

ش (۱۰۸) مراسم اعطای حلقه سلطنت به اردشیر دوم
(طاق بستان)

و بقول خود او :

وریدون که باما نسازد جهان
بسازیم ما با جهان جهان
با اینکه مدت پادشاهی او بیش از چهار سال نبوده معذالک از آثار
فراوانی موجود است که اهم آن ، عبارت است از :

۱ - نقشی از تاجگذاری او در طاق بستان که در سنگ کنده شده و بسیار
ممتاز است، شاهنشاه در وسط ایستاده و اهورا مزدا حلقه سلطنتی را که دو نوار موج
و چین دار بآن آویزان است به اردشیر دوم میدهد و در پشت سر او مهر قرار گرفته است که
اشعه‌هایی از آن ساطع است و شمشیر عدالت یا یک دسته برسم را حرکت میدهد
(ش ۱۰۸)

۲ - بشقاب نقره بسیار زیبایی است که از مازندران بدست آمده (۱) و در آن
مجلس شکار اردشیر دوم با شیر دیده میشود. در این صحنه شیری کشته شده وزیر
پای اسب افتاده و شیر دیگری وسیله تیری که از کمان شاه رها شده زخمی گردیده
و در حال جان دادن است. (ش ۱۰۹)

۳ - سکه‌های او که تاج و آرایش صورت و سینه او را بخوبی نشان میدهد
(شکل ۱۱۰)

از نقوش مذکور در فوق و سکه‌ها چنین پیدا است که اردشیر دوم مردی
خوش اندام ورزیده و قوی هیکل و از لحاظ جسمانی نیرومند بوده لباس وی مانند
سایر شاهنشاهان مرکب از قبای آستین دار بلند چسبان و شلواری چین دار بوده است که
در پائین آن بوسیله دو نوار پرچین و موج به کفشش گره می خورده است در کمر
وی خنجر مرصعی که وسیله دو نوار بکمر بند مرصعی متصل است آویخته بوده بر
کمر بند نیز نوارهای زربفت چین داری آویزان است. در جلوی سینه ، گل بسیار زیبایی
جواهر نشان نصب است و دو نوار پهن حاشیه قباي شاهنشاه را تشکیل میدهد.
بر گردن ، گردن بندی از مروارید دارد. و تاج مخصوص وی بسیار زیباست و در روی
سکه‌ها و کتیبه طاق بستان تاجها تاحدی شبیه میباشد بدین ترتیب که تاج کلاه
مدوری است که به لبه آن دو ردیف مروارید نشانده شده و بالای تاج گوی مدوری است
و بر کلاه دو نوار چین دار و موج دیده میشود بهمین ترتیب دو نوار عریض تر در پشت

۱ - متعلق به موزه ایران باستان

سر بطرف بالا در اهتزاز است. قسمت پائین تاجی که بر روی ظرف نقره کنده کاری شده همانند تاج روی سکه‌ها است ولی بجای گوی مدور دو گوی در بالای پیشانی متمایل بجلو وجود دارد و در بالای سر هلالی بشکل بادبزنی یا بشکل تاج خروس جواهر نشان دیده میشود و همانطور که تذکر دادیم دو نوار چین دار موج در قسمت پائین در اهتزاز است شاهنشاه صورتی کشیده و بینی و دهانی ظریف، چشمانی درشت و زیبا ریش کوتاه سیلی بلند دارد موهای مجعد و انبوه او بر روی شانه ریخته است.

اینک وصف او در مجمل التواریخ: «پارسیان او را نیکوکار خواندند و نرم نیز خواندند پیراهن او آسمان گون بود وشی به دینارها، وشلوار سرخ، بدست راست نیزه و به چپ اندر شمشیر بود. بدان چفسیده و تاج سرخ بر سر نهاده» (۱)

شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۷) در تاریخی بلعی چنین وصف شده:

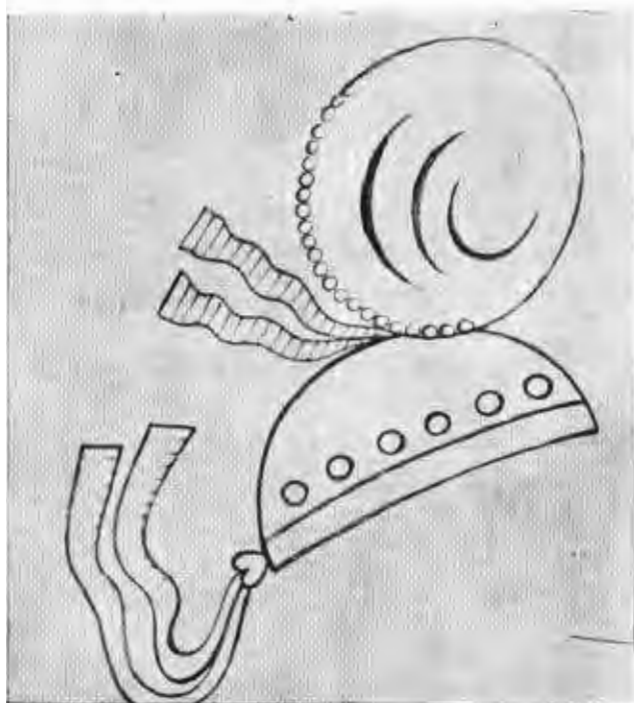
«چون شاهپور بن شاپور به ملک به نشست مردمان شاد شدند و او سیرتی نیکو داشت و عدل کرد و مردمان باوی بیارامیدند و ابن عمش اردشیر که او را از ملک بیرون برده بودند او را مطیع شد و پنج سال در ملک بود پس یکروز نشسته بود در خیمه سپاه بروی بشویدند خیمه بر سر وی فرود آمد و بمرد (۲)

از این پادشاه علاوه بر سکه‌های بسیار زیبا دو بشقاب نقره که صحنه‌های شکار او را نشان میدهد موجود است. در طاق بستان نیز نقش او همراه پدرش شاهپور دوم دیده میشود که متأسفانه بسیار سائیده شده است در این کتیبه شاهپور دوم در طرف چپ قرار دارد و دارای جامه مخصوص شاهنشاهان ساسانی یعنی شلوار چین دار و گردن بند و نوار و گیسوی مجعد است شاهپور هم مانند پدرش دست‌ها را به شمشیر دراز و مستقیم خویش نهاده است. در قاب‌های نقره‌ای که ذکر کردیم درموزه لنین گراد وجود دارد در یکی شاهپور را در عنفوان شباب در حال شکار گراز نشان میدهد و در دیگری در سنین کمال در حال شکار ببر. (ش ۱۱۱ - ۱۱۲)

از مطالعه سکه‌ها و آثار مذکور در فوق چنین برمیآید که شاپور صورتی کشیده و موزون، بینی راست دهان کوچک، چهره‌ای گیرا ریشی پرو کوتاه و چشمانی بادامی

۱ - مجمل التواریخ ص ۳۵

۲ - تاریخ بلعی باهتمام دکتر مشکور ص ۱۰۸



(۱۰۹) بشقاب نقره، مجلس شکار اردشیر دوم

(۱۱۰) سکه و طرح تاج اردشیر دوم



ش (۱۱۱-۱۱۲) دو بشقاب نقره ، شاهپور سوم
در حال شکار گراز و ببر (موزه لنینگراد)

ش (۱۱۳) سکه و طرح تاج شاهپور سوم



داشته تاج‌وی بنوع خاصی جواهرسازی شده و مرکب ازدو قسمت است زیرین که زرین و نسبتاً بلند است و بر روی آن گوهرهائی با خطوط هندسی ترصیع شده است و دور تاج از یک ردیف مروارید پوشیده شده در بالای تاج گوی مدوری است که پوششی از پارچه دارد و جواهر نشان میباشد (ش ۱۱۳). بین تاج و گوی دونوار کوچک چین دار موج دیده میشود. برگردن وی گردن‌بندی از مروارید قرار دارد و در حاشیه لباس نیز تزئیناتی زربفت مشاهده میشود، موهای او بسیار زیاد و انبوه بر برو دوش او ریخته است. نوار موج و چین دار او بر روی بشقاب نقره‌ای که صحنه شکار ببر را نشان میدهد از لحاظ هنری بسیار جالب است. این نوار از دو قسمت تشکیل شده قسمتی از آن پارچه‌ای مخطط است و قسمت دیگر رشته‌های زربفتی است که در یک دیگر بافته شده است. در میان تصاویری که تا کنون ارائه داده‌ایم تصویر روی قاب نقره بهترین تصویری است که نوع شلوار شاهنشاه ساسانی را نشان میدهد ظرافت و نازکی پارچه که محققا حریر است بحدی است که موج‌های نازک آن بخوبی هویدا است و طرح و نقش همانند لباس او است بالاتنه و آستین چسبان و مخطط است. کمر بند دارای قلاب زرینی است و تسمه دیگری که خنجر مرصع شاه‌بدان آویزان است در زیر کمر بند قرار گرفته و بوسیله قلاب و نواری بطرف دیگر متصل شده است. بر روی لباس زیر کمر بند پارچه‌ای پرنقش و نگار که حاشیه‌ای منقش به نقش‌های هلالی دارد بصورت پیش‌بندی نشان داده میشود، شلوار پرچین او که تا پائین پا آمده بوسیله قلاب و گره رکاب‌داری به کفش متصل است. کفش که بطور قطع از چرم بوده مختصر پاشنه‌ای دارد. در مجمل‌التواریخ چنین آمده: « شاپور بن شاپور پسر شاپور ذوالاكتاف بود، در کتاب‌صور پیراهن اووشی سرخ و اندر زیرش دیگری زرد و شلوار آسمانی رنگ، تاج میان دوشرفه زراندر برنگ سبز ایستاده نگاشت است. قضیبی آهن صورت مرغی بر سرش به دست راست و بدست چپ برقبضه شمشیر فراخمیده. »

بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹) بگفته صاحب مجمل‌التواریخ والقصص « مردی درشت بوده است و هیچ در قصه مردم ننگرید هرگز. »

بگفته کریستن سن بهرام چهارم شاهزاده‌ای ضعیف‌النفس بود، در زمان سلطنت وی اعیان دولت باسانی اقتداری را که در عهد شاپور از دست داده بودند بچنگ

آوردند . فردوسی از زبان او گوید :

گر اندر جهان داد پیراکنم از آن به که بیداد گنج آکنم

از این پادشاه کتیبه‌ای در دست نیست تنها یک نیم تنه برنزی در موزه لوور^(۱) وجود دارد که باقرائنی که در دست داریم باید متعلق به بهرام چهارم باشد. (ش ۱۱۴) یکی از قرائن ما شباهت زیادی است که بین تاج این نیم تنه و تاج روی سکه وجود دارد قرینه دیگر وصفی است که در مجمل التواریخ و سنی ملوک الارض از تاج او شده که « تاج او سبز در میان سه شرف زر ».

علاوه بر نیم تنه مذکور کاسه نقره‌ای است در موزه بالتیمور^(۲) که تصویر روی آن نیز باید متعلق به بهرام چهارم باشد، زیرا شباهت‌هایی که ذکر کردیم در مورد تصویر روی ظرف مذکور نیز صادق است. (ش ۱۱۵).

در موزه بریتانیا مهر بسیار زیبایی وجود دارد که شاهنشاه را بر روی جسد دشمنی ایستاده نشان می‌دهد. شاه نیزه‌ای بلند در دست دارد که بر دشمن فرو برده است (ش ۱۱۶)

باری، با توجه به تصویر بر روی سکه که ملاک اساسی و اصلی ماست بهرام چهارم صورتی نسبتاً کشیده ریشی کم و کوتاه و سیبلی دراز داشته است. موهای فراوان او بر روی شانه بصورت افشان ریخته است. در انواع سکه‌های وی چنین ملاحظه می‌شود که تاج جواهر نشان او در قسمت جلوبه‌ای دندان‌های داشته که در طرفین آن دو بال عقاب قرار گرفته است در وسط گوی مدوری است که از پارچه‌ای جواهر نشان پوشیده شده است گوی در میان هلال زرین قرار گرفته است. برگردن وی گردن بندی است که بر روی سکه یک ردیف مروارید دیده می‌شود و بر روی مجسمه نیم تنه دوردیف و دو آویز بلند از سنگ قیمتی. (ش ۱۱۷) در روی کاسه نقره شاهنشاه ساسانی بطرز پدران خود با دو دست شمشیر بلندی را که نوک آن بر زمین تکیه داده شده بدست گرفته، لباس او نیز دارای همان تزئینات است. بر روی کفش نوار چین داری قرار گرفته است.

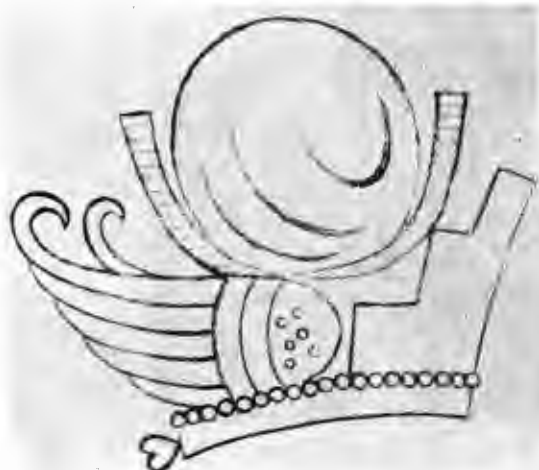
۱ - Louvre

۲ - Baltimore



ش (۱۱۴) نیم تنه برنزی بهرام چهارم (موزه لوور)

ش (۱۱۵) کاسه نقره بانقش بهرام چهارم در مراسم
تاجگذاری (موزه بالتیمور)



ش (۱۱۶) مهر بهرام چهارم (موزه بریتانیا)

ش (۱۱۷) سکه و طرح تاج بهرام چهارم

«بهرام بن شاپور و او را کرمان شاه بخواندندی تاج او سبزگونه در میان سه شرف زر و پیراهن آسمان گون شلوار وشی کرده بدست راست اند رنیزه و بدست چپ برشمشیر فراخمیده (۱)»

از این پادشاه با اینکه بیست و یکسال پادشاهی یزدگرد اول (۳۹۹-۴۲۱ میلادی) کرده کتیبه‌ای یا نقشی نیست یا لااقل ما از آن اطلاعی پیدا نکرده‌ایم بنابراین پس از بیان شمه‌ای از اخلاق و صفات او به تشریح سکه او میپردازیم.

این پادشاه رابزه کارگفته‌اند و در باره این عنوان که به او داده شده‌است تمام مورخین متفق القولند، تنها اختلافی که وجود دارد در مورد علل آن است مادر این میان گفته بلعمی را نقل میکنیم:

سردی با علم و تمیز و تجربه و خرد بسیار بود چون ملک بوی رسید از آن همه بگشت و ستم و بیدادگری کرد و عجب و کبر، و براهل علم استخفاف کرد و بر سپاه و رعیت خواری نمود و اگر چه خود گناهی از کسی نیامدی و اگر بسهو آمدی عفو نکردی و بر گناه خرد عقوبت بزرگ راندی و اگر چه کسی نزدیک بوی بودی شفاعت نتوانستی کردن با هیچ مهتر سخن نگفتی و گفתי تورشوت ستاننده‌ای و کس را بر هیچ کار ایمن نداشتی و اگر کسی بجای او بسیار نیکوئی کردی پاداش نکردی و هر کس را به چیزی تهمت کردی و مردمان از وی بنالیدند و از ستم و بیداد وی سخت رنجه شدند.

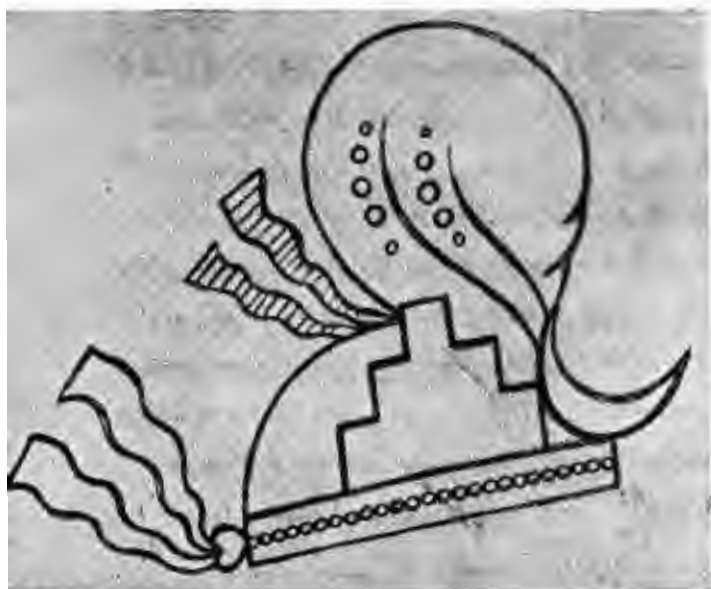
با توجه به تصویر روی سکه، یزدگرد، (ش ۱۱۸) چهره‌ای موزون و بسیار متناسب ریش کوتاه و سیل‌های بلند و کشیده داشته‌است بر گوش گوشواره‌ای مزین به دو قطعه گوهر و بر گردن، گردن‌بندی مروارید مرکب از سه حلقه داشته که یک حلقه بگردن چسبیده و دو حلقه دیگر فروهشته و وسیله گلی از گوهر یکدیگر متصل بوده‌است موهای پرچین و شکن او بر روی دوش فرو ریخته تاج او که نسبت بتاجهای دیگر ساده‌تر و بزرگ‌تر است عبارتست از کلاهی که در انتهای آن برآمدگی بشکل نوار دیده میشود و بر بالای آن گوئی بشکل حلزون خمیده وجود دارد. دو سمت تاج کنگره دار است در انتهای گوی دو نوار موج در اهتزاز می‌باشد دونوار موج دیگر که بزرگ‌تر است علی‌الظاهر به دوش او اتصال دارد. بر روی

سینه گوی‌هایی یک شکل و یکنواخت دوخته شده است رویهمرفته شاه بسیار ملیح و زیبا بنظر میرسد.

اینک وصف او در مجمل‌التواریخ « یزدجرد پسر بهرام بود پارسیان اورا بزه گرخواندند و ذفر نیز گویند و عرب یزد جردالاثیم گویند ازبیدادگری که بود پیراهن اوسرخ بود و شلوار آسمانی و تاج همچنان ، ایستاده نیزه اندر دست (۱) .

بهرام پنجم ملقب به گوردرد بین شاهنشاهان
بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۹ میلادی) ایران بجنگ آوری و شکار و خوشگذرانی و ذوق واستعداد و انجام کارهای قهرمانی مشهور است. کارهای خارق‌العاده‌ای که در طول پادشاهی از او سرزده قرن‌ها نقل مجالس و محافل بوده است و این داستانها بعلت زیبایی خاصی که دارد یک عامل نیرومند تبلیغاتی برای وی بوده و او را بمرور زمان محبوب خاص و عام ساخته است وجود این داستانها در صنایع ظریفه نیز اعم از حجاری و فلزکاری اثر گذاشته و هنرمندان برای زیبا ساختن اثر خود یکی از داستانهای او را در روی آثار خود نقر کرده‌اند . بدین جهت تصاویر زیادی از او بر روی ظروف سیمین و زرین و گچبریهای کاخها بجا مانده است که ما را در مقصد و مقصود راهنما و راهبر است . همچنانکه میدانیم پدرش یزدگرد او را بکشور حیره پیش نعمان بن امرؤالقیس فرستاد تا در هوای صاف و پاک عربستان پرورش یابد زیرا « یزدجردالاثیم را هر چند فرزند آمدی بمردی و تدبیر کرد که او را از عجم بشهری دیگری باید فرستادن تا مگر آن هوا او را موافق آید پس اتفاق افتاد که او را بزمین عرب باید فرستادن » (۲) .

بهرام سالها در حیره بسر برد و نعمان نیز که به چنین افتخار بزرگی نائل شده بود از شوق و شادی همه کار خود را فرو گذاشت و منحصرآ بآموزش بهرام پرداخت و تمام عمر را صرف اینکار کرد و براستی از عهده انجام وظیفه‌ای که باو سپرده شده بود بخوبی برآمد و در پرورش و آموزش او هیچ نکته‌ای فرو نگذاشت بهرام نیز بعلت استعداد و لیاقت ذاتی در تمام هنرهای معمول آن زمان سرآمد مردم روزگار خود شد و چنانکه گفتیم در طول پادشاهی خود قهرمانی های شگفتی



ش (۱۱۸) سکه و طرح تاج یزدگرد اول

ش (۱۱۹) بهرام پنجم در جدال با شیر
(موزه لنینگراد)

از اوسرزد که نقل محافل و مجالس و الهام بخش هنرمندان گردید تا آثار خود را با نقش و نگارهایی از قهرمانیهای بهرام زینت بخشند. بهرام در طول سالها زندگی در بیابانهای عربستان که تمام آن در فرا گرفتن هنر اسب سواری، نیزه اندازی، کشتی گیری، جنگ آوری، هنروری، شعروادب و حکمت بسر شد مردی نیرومند و برازنده تاج و گاه گردید هوای عربستان و بادهای سوزان وریگ روان با تمام مظاهر خشونت خود او را پهلوانی آزموده و پولادی آبدیده ساخت و بنابراین تردید نداریم که از لحاظ قد و قامت و قیافه و چهره از حداعلای تناسب برخوردار بوده و بهمین سبب در اشعار شعرا مثال زیبایی و دلاوری و هنرمندی و پهلوانی گردیده و عهد او برامش و عیش ضرب المثل شده است فردوسی او را چنین میستاید:

بفرهنگ او در زمان شاه نیست بدیدار او بر فلک ماه نیست
به دولت جوان است و با رای پیر هنرمند و بینا دل و یادگیر

چنانکه گفتیم آثار و تصاویر زیادی از او در دست است که مهمترین آنها عبارتند از:

بشقابهای سیمین وزرین که صحنه های مختلف زندگی بهرام پنجم را بوضوح نشان میدهد، در میان آنان چهار بشقاب از همه مهمتر است که اکنون در موزه لندن گراد موجود است.

۱- در یکی از بشقابها بهرام در شکارگاه سوار بر اسب است و دوشیرژیان به او حمله ور شده است و او در حالیکه بچه شیری بدست چپ گرفته بدست راست با خنجری به شیران حمله کرده است. درین جا لباس بسیار زیبا و ظریفی از پارچه راه راه بتن دارد غلاف شمشیر وی با صنعت بسیار ظریف جواهرسازی آن دوره زینت یافته که قسمتی از آن بصورت فلس ماهی کنده کاری شده در پشت گردن و پشت سر بین تاج و گیسوان نوارهای زربفت چین دار موجی در اهتزاز است. لباس شاه حاشیه زربفتی دارد که در کنار آن گلی جواهر نشان قرار گرفته کمر بند و آرایش روی کفش نیز تزئیناتی از گوهرهای گرانبهادر بین کفش و قسمت انتهای شلوار دونوار چین دار گره خورده و در طرفین کفش قرار گرفته است و تاج زرین و دندانه دار او دارای لبه ای جواهر نشان و در بالای آن گوئی مدور در هلالی قرار گرفته که بر روی آن گللهائی از سنگهای قیمتی وجود دارد در این نقش شاه از زیبایی صورت و اندام برخوردار است. (ش ۱۱۹)

شاید این تصویر مربوط به داستانی باشد که در شاهنامه چنین آمده است.

چو یوز شکاری بکار آمدش	به جنبید و رای شکار آمدش
یکی باره‌ای تیز روبر نشست	بهامون خرامید بازی بدست
یکی پیشه پیش‌آمدش پردرخت	نشستن‌گه مردم نیک بخت
میان بهشتی یکی سبزجای	ندید اندر و مردم و چارپای
چنین گفت کاین جای شیران بود	همان رزمگاه دلیران بود
کمان رابزه کرد مرد دلیر	پدید آمد اندر زمان نره شیر
یکی نعره زد شیر چون در رسید	بزد دست شاه و کمان در کشید
بزد تیر و پهلوش بادل بدوخت	دل شیر ماده براو بر بسوخت
همان ماده آهنگ بهرام کرد	بگرید و چنگش به اندام کرد
یکی تیغ زد بر میانش سوار	فرو ماند جنگی در آن کارزار

۲- در بشقاب دیگری صحنه‌ای از مجلس بزم بهرام در هوای آزاد حک شده است در این مجلس شاه بر روی تختی نشسته که تزئیناتی از گوهر دارد. شاه در یک دست گل و در دست دیگر جام گرفته. در یک طرف دو نوازنده دیده میشود که یکی سرنامی زندو دیگری مشغول نواختن چنگ و آواز خواندن است. در طرف دیگر زنی دست بسینه برای خدمت ایستاده است و در مقابل تخت، زن دیگری در حالیکه صراحی شرابی در جلوی او نهاده شده و سه پایه بلندی که ظرف غذا به آن آویزان است دیده میشود در قسمت بالا طرف چپ فرشته‌ای تاج گلی که حلقه شاهنشاهی بان آویزان است در دست دارد در این تصویر هم تاج و هم لباس شاهنشاه ساسانی بصورت ساده‌تری نمایان است. (ش. ۱۲۰)

۳- در ظرف دیگر بهرام گور سوار بر شتری است در حالیکه (آزاده) کنیزک معروف وی بر پشت سوار است مشغول شکار گوزن میباشد. این صحنه مربوط به داستان مشهوری است که نظامی و بسیاری از مورخین و شعرا متعرض آن شده‌اند. (ش. ۱۲۱)

در این تصویر شاه وسیله تیر و کمان بشکار رفته گوش و دست گوزنی را با تیر بهم دوخته است.

۴- بشقاب نقره‌ای که متعلق بیک مجموعه خصوصی است. بهرام پنجم را در حال مبارزه با شیر و ببر نشان میدهد. (ش. ۱۲۲)



ش (۱۲۰) مجلس بزم بهرام پنجم (موزه لنینگراد)

ش (۱۲۱) بهرام پنجم و آزاده ، مجلس شکار
(موزه لنینگراد)



ش (۱۲۲) بهرام پنجم در حال مبارزه با شیر و ببر
(مجموعه خصوصی)

ش (۱۲۳) مجسمه نیم تنه بهرام پنجم (موزه بغداد)

درموزه بغداد نیز مجسمه نیم تنه‌ای است که از یکی از کاخهای ساسانی بدست آمده (۱) (ش ۱۲۳) در این نیم تنه که بعضی آنرا متعلق به بهرام میدانند شاهرا در اواخر پادشاهی نشان می‌دهد و اصالت و نجابت چهره او بخوبی آشکار است.

از سکه‌های بهرام نیز میتوان بطور دقیق از خطوط چهره و تزئینات تاج و موی و غیره اطلاع حاصل کرد. نیمرخ او روی سکه اصالت و زیبایی خاص او را نشان می‌دهد. بهرام دارای قدی کوتاه، گردن بلند گوشواره برگوش با آویزی از گوهر گرانها بوده است تاج وی دندانه دار و دارای لبه‌ای است که از گوهرها و مروارید ها زینت یافته در وسط تاج هلال ماه و بر روی آن گوئی است که دارای پوششی از پارچه و به جواهر مزین است. موهای او بر پشت گردن ریخته و بین شانه و موی سر نوار چین دار موجی در حال اهتزاز است لبه لباس در دو ردیف مروارید دوزی شده و گردنبندی از مروارید دارد. (ش ۱۲۴) اینک وصف او در مجمل‌التواریخ: « پسر یزدگرد بود پادشاهی بزرگ و شاد خوار و مردانه و بهرام گور را پیراهن در کتاب صورت آسمان گون نگاشت است و شلوار سبزوشی و گرز اندر دست » (۲)

وی دلاوری و مردانگی و برازندگی پدرش بهرام یزدگرد دوم (۴۳۹-۴۵۷ میلادی) گور را نداشت و خود نیز به این امر معترف بود، در روز تاجگذاری به بزرگان دربار چنین گفت « از من مردیها نه بینید همچنانکه از پدرم بهرام ولیکن برای و تدبیر این مملکت بدارم و مذهب و سیرت نیکو به کار بندم » (۳) از نظر دادگری هم به پای پدر نمیرسید، قبل از او رسم بود که یکی از کارکنان دربار در نخستین هفته همراه بحضور شاهنشاه شرفیاب میشد و اگر ناروائی رخ داده بود بعرض میرساند. یزدگرد دوم این رسم باستانی و نیکو را بر انداخت. آثار زیادی از او در دست نیست هم اکنون یک کاسه نقره‌ای در موزه بالتیمور وجود دارد که علی‌الظاهر تصویر یزدگرد دوم را نشان می‌دهد تصویر روی ظرف مذکور با تصویری که از او بر روی سکه ها است (ش ۱۲۵) شباهت کامل دارد.

۱ - این نیم تنه در کیش (Kish) در بابل پیدا شده

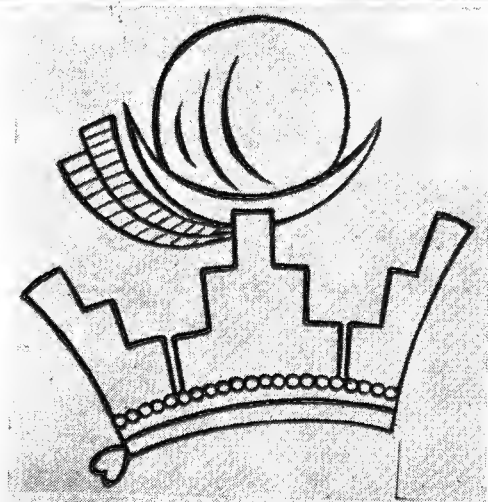
۲ - مجمل‌التواریخ ص ۳۵

۳ - تاریخ بلعی ص ۱۳۷

تصویر روی ظرف مجلس بزمی است که پس از شکاری مفصل منعقدشده زیرا سرهای شکار در بیرون از مجلس بزم دیده میشود، لطف این تصویر بیشتر باین است که ملکه ساسانی را با لباسی خاص و آرایش مخصوص خود بطور کامل نشان میدهد. در این صحنه شاه و ملکه بر تخت نشسته‌اند، شاهنشاه ساسانی بر شش مخده زربفت تکیه داده و ملکه بر دو مخده، در مقابل آنان بر روی میزی ظرفی پر از میوه که بصورت مخروطی چیده شده دیده میشود. شاه در یکدست جام و بادست دیگر تاج گلی به ملکه میدهد.

سه تاج گل دیگر نیز در پای تخت افتاده ملکه با زیبایی خارق‌العاده و لطف خاص یکدست را بلند کرده و تاج گل را از شاهنشاه ساسانی میگیرد لباس ملکه چسبان و بلند است آستین نیز بلند است. حاشیه لباس از پارچه نازک و چین دار است که روی پای او را پوشانده، برگردن وی گردن بندی از مروارید درشت دیده میشود و برگوش وی دو مروارید با سنگ قیمتی آویزان است و موی بلند و بافته شده او تا پشت کمر را گرفته و بر روی آن دو نوار مخطط چین دار که علامت خاص شاهان است قرار دارد تاج مخصوص او بصورت دو شاخ قوچ میباشد که لبه زرین آن جواهر نشان است و در بالای آن آثاری از گوهر قرار دارد که علامت فراوانی و نعمت است.

شاه لباس بسیار زیبای مخطط بتن دارد که بر روی آن کمر بندی زرین و جواهر نشان و تسمه‌ای است که خنجر مخصوص به آن آویزان است، شلوار شاه چسبان و تا نزدیک کفش آمده و بین شلوار و کفش گل جواهر نشانی قرار گرفته و برگردن شاه گردن بند زیبایی از گوهر و برگوش وی آویزی آویزان است بر دست شاه دو دستبند که قطعاً زرین است دیده میشود تاج او همانند تاجی است که بر روی سکه قرار گرفته و دارای سه کنگره است که هر کنگره دارای سه دندان میباشد و بر بالای آن هلال ماه و گوئی با تزئینات مجلی قرار گرفته موهای بلند او بر پشت گردن ریخته و نوار حاشیه دار و پر چین او که در همه تاجها دیده میشود تا پشت کمر او آمده است (ش ۱۲۶). نقش موزائیکی که از بیشاپور بدست آمده تصویر شاهزاده خانمی را نشان میدهد که از حیث لباس شباهت زیادی به ملکه ساسانی دارد. (ش ۱۲۷) در طرح سکه‌ها چهره یزدگرد بطور کامل مشاهده میشود بینی کوتاه چشمانی نسبتاً ریز، صورتی کشیده. ریشی کوتاه دارد.



ش (۱۲۴) سکه و طرح تاج بهرام پنجم

ش (۱۲۵) سکه و طرح تاج یزدگرد دوم

ش (۱۲۶) یزدگرد دوم باسلکه

(کاسه نقره در سوزۀ بالتیمور)



ش (۱۲۷) شاهزاده خانم ساسانی (بیشاپور)

ش (۱۲۸) مهر ملکه دینک

تاج او بنظر تاجی است که بر روی کاسه نقره مذکور در بالا دیده میشود. « یزدجرد پسر بهرام گور بوده است و این را یزدگرد دوم خواندند و پیراهن سبز داشت و شلوار وشی سیاه رنگها بازو و تاج آسمان رنگ بر تخت نشسته و تکیه زده بر تیغ (۱) »

پس از یزدگرد دوم بین پسران وی هرمز سوم که در سیستان **ملک دینک** : حکومت داشت و برادر کوچک او پیروز در مورد پادشاهی اختلاف در گرفت در کشاکش این غوغا مادر آنان دینک زن یزدگرد دوم در تیسفون بفرمانروائی پرداخت، در مورد رفتار ونحوه فرمانروائی او مورخان مطلبی نگفته اند ولی خوشبختانه از وی مهر بسیار زیبایی در دست است که چهره و تاج و نحوه آرایش او را بخوبی نشان میدهد در این مهر نام وی با لقب ملکه ملکه ها بخط پهلوی در دور تصویر وی تفر شده است. در این تصویر که نیم تنه بسیار زیبای ملکه مشاهده میشود وی دارای صورتی نسبتاً زیباست که قدرت تصمیم و اراده از آن بخوبی نمایان است چشمان زیبا ابروان هللی بینی کمی منحنی لبانی درشت و چانه ای بر جسته داشته است : گیسوان انبوه او بافته شده در هشت ردیف بر روی گونه ها و روی شانه و پشت سر ریخته است ملکه دینک تاج مدوری داشته که در بالای آن قسمتی از گیسوان او بشکل گوئی قرار داشته که انتهای گوی بانواری بسته بوده است، تاج دارای لبه ای است که با خطوطی از جواهر تزئین شده بر گوش او گوشواره ای با سه آویز بوده است و گردن بندی بر گردن داشته که قطعات جواهر با مرواریدهای درشت بآن متصل بوده که در بالای پستانهای برآمده او قرار داشته است (ش ۱۲۸) محتمل است که پادشاهی ملکه دینک در حدود سال ۴۵۷ میلادی بوده است

پس از یزدگرد پسرش هرمز سوم پادشاه شد ولی **پیروز (۴۵۹-۴۸۴ میلادی)** چنانکه گفتیم برادر کوچک او بر پیروز قیام کرد و سرانجام پادشاهی را از او باز گرفت. بیست و شش سال پادشاهی پیروز بآرامی نگذشت زیرا علاوه بر اینکه هفت سال کشور ایران دچار قحطی شدیدی شد کیداریان و هیاطله از سرزهای شمالی بایران حمله ور شدند و او را سخت گرفتار کردند سرانجام او نیز

دردناك است زیرا در آخرین حمله‌ای که بر هیاطله برد به بیابانی ناشناخته افتاد و در آنجا کاملاً مغلوب دشمن و معدوم شد. پیروز بقتل رسید و جسد او هرگز بدست نیامد، مورخین او را بدادگری ستوده‌اند بقول طبری «سیرت کاربست و داد کرد... و در آن هفت سال هیچکس در پادشاهی او از گرسنگی نمرد مگر یک‌سرد و بگفت تا صد هزار درم بجایت کردند و بدرویشان دادند از جهت آن مرد» (۱).

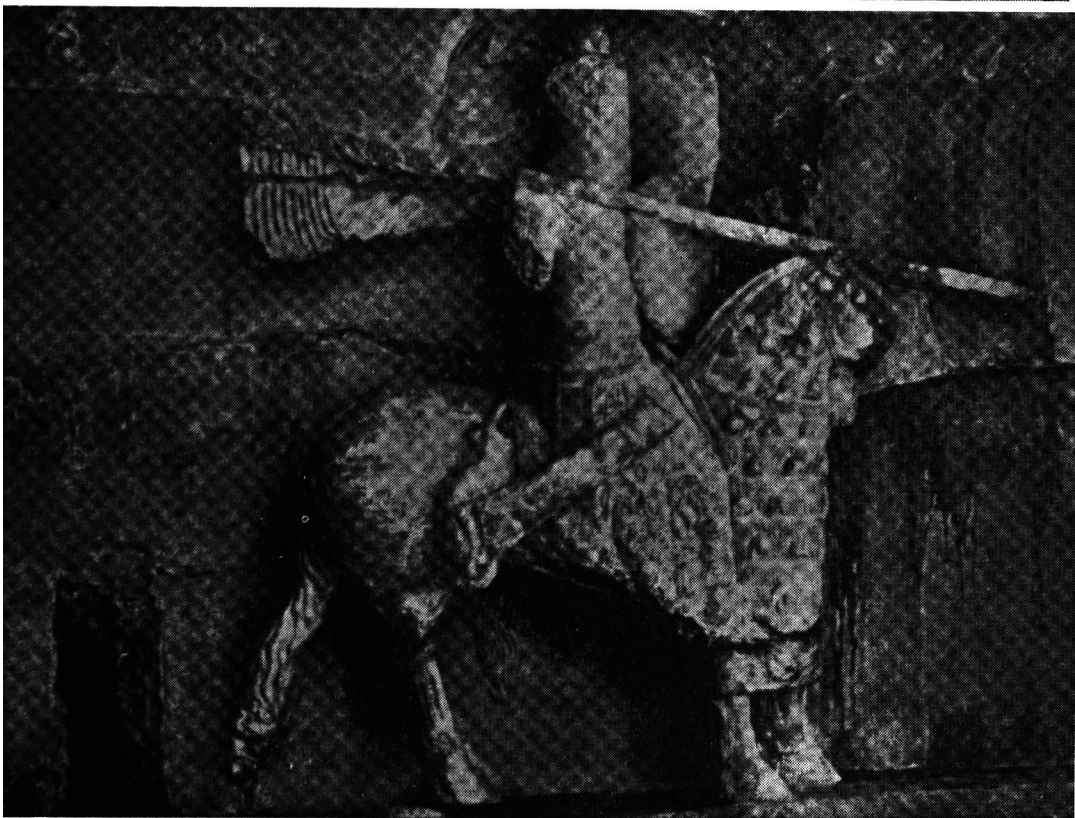
آثار مهمی که از پیروز در دست داریم عبارتست از:

۱ - مجلس تاجگذاری او در طاق بستان (ش ۱۲۹) که در زیر آن تصویر دیگری قرار گرفته که شاهنشاه ساسانی سوار بر اسب و ملبس به لباس رزم در حال پرتاب نیزه است. (ش ۱۳۰)

۲ - بشقاب نقره‌ای که پیروز را در حال شکار نشان میدهد. (ش ۱۳۱).

۳ - سکه‌ها (ش ۱۳۲)

در حجاری طاق بستان شاه با آرامش بسیار و پر جلال در وسط ایستاده و اهورامزدا حلقه سلطنت را که نواری بآن آویزان است باو میدهد در طرف چپ زنی که قطعاً الهه آناهیتاست حلقه پادشاهی را اهداء میکند در این صحنه شاه علاوه بر لباس ردای بلندی که با گوهرهای گرانبها زینت یافته بر تن دارد، در کمر بند وی نیز تسمه‌ای است که شمشیری بآن آویزان است و باز در قسمت زیر سینه تزییناتی جواهر نشان دیده میشود. بین دسته شمشیر و دهانه غلاف گلی از گوهر که دو نوار پارچه‌ای به آن آویزان است قرار دارد، صورت شاه که با تمام رخ دیده میشود بواسطه سائیدگی روشن نیست ولی در طرفین صورت موهای شاه افشان تا روی شانه قرار گرفته و برگوشها گوشواره‌ای با آویزی از سنگ قیمتی آویزان است در حجاری دوم که شاه سوار بر اسب است لباس رزم بر تن کرده است از روی این تصویر که با برجستگی کامل نشان داده شده بطور دقیق میتوان از وضع پوشش جنگی شاهنشاهان ساسانی اطلاع حاصل کرد. در این کنده کاری در دست راست شاه نیزه و در دست چپش سپری است، کلاه خودی فلزی بر سر گذاشته که تمام صورت و گردن او را گرفته و تنها دو سوراخ که جای چشم است در آن تعبیه شده است؛ زرهی که بر تن دارد تا روی شلوار آمده است بر بالای کلاه خود گوی



ش (۱۲۹) مجلس تاجگذاری پیروز

(طاق بستان)

ش (۱۳۰) شاهنشاه ساسانی در حال پرتاب نیزه

(طاق بستان)



ش (۱۳۱) پیروز در حال شکار
(بشقاب نقره ، مجموعه خصوصی در نیویورک)
ش (۱۳۲) سکه و طرح تاج پیروز

زیبائی است که دو نوار موج چین دار به آن بسته شده گوی و نوار چنین نشان میدهد که متعلق به شاهنشاه ساسانی است و چون قسمت بالای آن پیروز را نشان میدهد طبیعی است که این نقش نیز باید نقش پیروز باشد زیرا کننده کاری زیر ادامه کننده کاری بالاست پوشش اسب نیز برگستوانی است که بدن اسب را کاملاً پوشانده است. بشقاب نقره‌ای که تصویر او را در شکارگاه نشان میدهد متعلق به یک موزه شخصی در نیویورک است در تصویر روی این بشقاب شاه ساسانی بصورت زیبا و پر جلالی جلوه گر است. لباس وی دارای نگین‌هایی است از سنگهای قیمتی. بر حاشیه یقه و قسمت مقابل سینه و برگردن گوهرهایی نصب است در وسط گردن بند در دو ردیف، گل و دو آویز جواهر وجود دارد، کمر بند و ترکش تمام زرین و مزین به سنگهای قیمتی است، لباس چسبان وی که در قسمت پائین دامن، حاشیه‌ای چین دار دارد تا روی زانو آمده، شلوار بر خلاف سایر شاهنشاهان حاشیه‌ای زربفت و ضخیم دارد، دهانه شلوار گشاد تر از قسمت بالای زانوست. رویه کفش او زبانه دارد و جواهر نشان است و دارای پاشنه کوتاهی است که نواری چین دار بر آن گره خورده است.

تصویر پیروز میرساند که مردی بوده بسیار زیبا دارای عارضی کشیده بینی بلند ابروانی پیوسته و چشمانی درشت و ریشی نسبتاً کوتاه، تاج زیبای وی نظیر تاجهایی است که بر یک نوع از سکه‌های پیروز مشاهده میشود.

از پیروز دو نوع سکه با دو نوع تاج در دست است یکی تاج کنگره دار که در بالای پیشانی به صورت هلال ماه قرار دارد و بر بالای کنگره هلال دیگری است که درون گوئی پوشیده از پارچه زربفت جای گرفته است. در تاج زیبای دیگری که جنبه‌های تزئینی آن بیشتر است علاوه بر کنگره دو بال زرین در طرفین قرار گرفته که علی الظاهر نشان دهنده بال‌های مرغ افسانه‌ایست. در بالای تاج، هلال ماه و گوی قرار گرفته. « فیروز پسر یزدگرد بن بهرام گور بود پیراهن سرخ نگاشتست و شلوار آسمان گون به زروشی کرده و تاج هم بدین رنگ، بر تخت نشسته نیزه اندر دست گرفته (۱) »

از بلاش نیز مورخین به نیکی یاد کرده‌اند وی توجه خاصی
بلاش (۴۸۴-۴۸۸) به آسایش ملت خود و علاقه مندی مخصوصی نسبت
به آبادانی مملکت داشته است.

بلعی او را چنین وصف میکند :

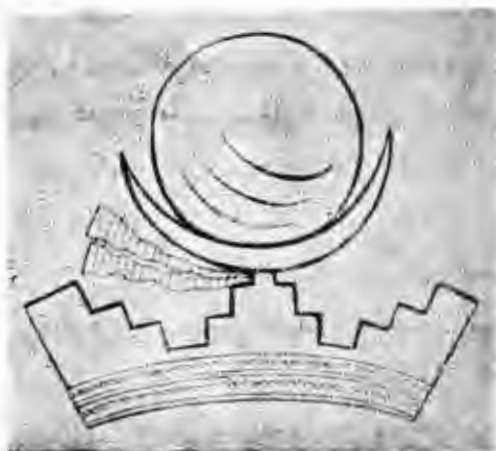
« در جهان آبادانی وعدل کرد و نپسندید که در آبادانی وی هیچ جای
ویران شود و هر خانه که ویران شدی و خداوند جای از آنجا برفتی وی مهتر
آن محله را عقوبت کردی و گفתי چرا این مرد را نگاه نداشتی یا مرا آگاه نکردی
تا نفقه بدادمی (۱) »

از بلاش بیش از دو اثر در دست نداریم یکی سکه، دیگر تصویر او بر روی
یک بشقاب نقره در موزه لندن گراد، که ویرا در حال شکار شیر یا کشتن او نشان
میدهد. بطور قاطع نمیتوان حکم کرد که این تصویر متعلق به بلاش باشد و ما از
این نظر آنرا متعلق به بلاش میدانیم که با تصویر بلاش بر روی سکه همانندی
دارد. در نقش روی بشقاب شاه لباس مجلی به تن دارد که دارای حاشیه‌های
زرنگار و جواهر نشان است و در روی سینه قلا به جواهری قرار گرفته و برگردن
او گردن بندی است دارای سه آویز گرانبها آنچه که در این طرح قابل توجه
فراوانی است تیردان او است که روی آن طرح جواهر نشانی به طرح برگ نیلوفر
قرار گرفته است. تزئینات ساز و برگ اسب نیز بسیار قیمتی است تاج شاه نظیر
تاجی است که بر سکه او دیده میشود و عبارتست از تاجی کنگره دار بالبه‌ای
پهن که دو ردیف مروارید در آن نشانده شده در بالای کنگره وسط هلال ماه
گوئی مدور جای گرفته زیرگوی دو نوار کوتاه و در پشت تاج دو نوار بلند موج
چین دار در اهتزاز است. (ش ۱۳۳)

شاه چشمانی درشت، ابروانی گسسته، بینی کوتاه، سیلی زیبا و نسبتاً
کوتاه و ریشی بسیار کم دارد، گیسوان مجعد او بر برو دوش او ریخته است.
بر روی سکه (ش ۱۳۴) طرح یقه لباس نیز نظیر طرح بشقاب است.
(بلاش پسر فیروز بود پیراهن سرخ داشت و شلوار سرخ باسیاهی و سفیدی
بهم آمیخته تاج آسمان گون. ایستاده نیزه در دست گرفته (۲)).

۱ - طبری ص ۱۴۰

۲ - مجمل التواریخ ص ۳۶



ش (۱۳۳) بلاش درحال شکار (موزه لنینگراد)

ش (۱۳۴) سکه و طرح تاج بلاش

قباد (۴۸۸ تا ۴۹۲ دوره اول) و (۴۹۹ تا ۵۳۱ دوره دوم سلطنت) مورخین قباد را یکی از بزرگترین شاهنشاهان

ساسانی دانسته اند. چنانکه همه میدانند در دوران سلطنت این پادشاه مزدك پسر بامداد ظهور کرد و قباد نیز بمنظور در هم شکستن قدرت موبدان بهواخواهی او برخاست و این امر موجب سرکشی بزرگان و موبدان گردید و کار به خلع او کشید ولی طولی نکشید که به کمک خاقان هیاطله دوباره به سلطنت رسید.

پادشاهی بود طرفدار عدل و علاقمند بآبادانی و آسوده زیستن رعیت بهمین علت بکارهای اساسی از قبیل تعدیل مالیات و ایجاد کردن شهرها پرداخت « و از عمارات بسیار شهرها کرد یکی میان حلوان و شهر زور ایران شادکواز خواند. و دیگری میان گرگان و خراسان و آن شهر آبادکواز خواند و در پارس شهری بنا کرد به ازایم کواز نام کرد (۱)

از قباد بیش از سه تصویر در دست ما نیست و خوشبختانه در سه تصویر قیافه قباد یکنواخت است. نخست تصویر اوست بر روی سکه، یکی بر روی سکه هائی که از دوره اول سلطنت او بدست آمده و دیگر سکه هائیکه از دوران دوم سلطنت است. (ش ۱۳۵) دیگر سر مجسمه ای که اکنون در موزه شیکاگو است (ش ۱۳۶)

سوم تصویری است که از او بر روی نگین انگشتری نقر شده است (۲) (ش ۱۳۷) همانطوریکه از روی تصاویر پیداست شاه صورتی گرد با گونه ای برجسته و چشمانی درشت و بر آمده بینی نسبتاً پهن گردنی بلند سیلی دراز و ریشی کوتاه داشته است بقول طبری « قباد سخت نیکو روی بوده و هر که او را بدیدی بدانست که او ملکزاده است (۳). تاجی که در نقش نگین و مجسمه دیده میشود مربوط به دوره اول پادشاهی او است و نظیر تاجی است که بر روی سکه های این دوره است، تاجی است دنداندار که در جلو آن در عوض دندانها هلال ماهی قرار گرفته است لبه پهن تاج جواهر نشان است در بالای تاج در وسط، هلال دیگری

۱ - مجمل التواریخ ص ۷۵

۲ - این مهر در مجموعه مهرهای کتابخانه ملی پاریس است

۳ - تاریخ بلعی ص ۱۴۱

است و گوئی مدور شبیه شعله . برگوش شاه گوشواره‌ای است که با دو آویز بلند بر روی گردن قرار گرفته است موهای سر او انبوه نیست و بصورت دایره‌ای در پشت گردن واقع شده برگردن او گردن بندی جواهر نشان است حاشیه لباس و روی شانه‌ها تمام زر دوزی شده و با سنگهای قیمتی زینت یافته است نقش تاجی که بر سکه‌های دوره دوم سلطنت دیده میشود بسیار زیباست. قسمت اصلی تاج بهمان صورتی است که ذکر شد یعنی تاجی است دندانه دار که در قسمت جلو آن هلال ماهی قرار گرفته و لبه آن از مروارید و در و گوهر زینت یافته است ولی در قسمت بالای تاج گوی بزرگی که پوششی زربفت دارد واقع شده که در طرفین آن دو نوار چین دار به طرف بالا مشاهده میشود .

« پیراهن قباد آسمان گون بوده سیاهی و سفیدی آمیخته و شلوار سرخ و تاج سبز : بر تخت نشسته و به تیغ فرا خمیده . » (۱)

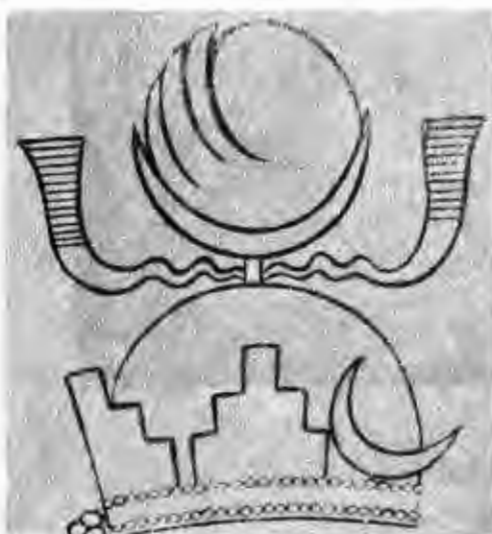
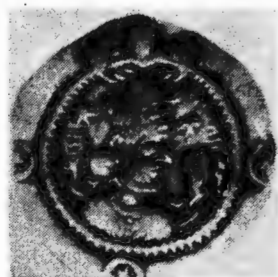
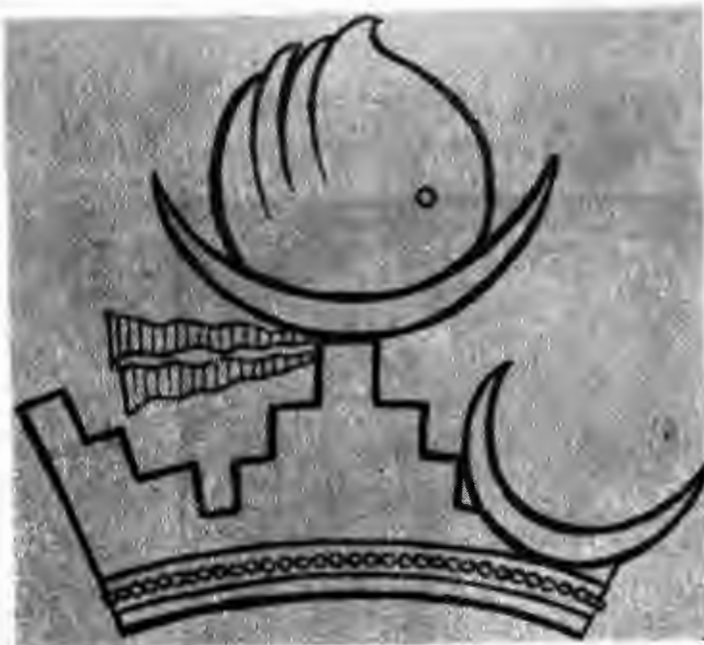
پادشاهی است که در باره صفات و
خسرو اول انوشیروان (۵۲۹-۵۳۱ میلادی)
 سجایای اخلاقی او از ناحیه مورخان
 وادبا و شعرا بسیار بحث شده است و بخصوص در سالهای اخیر در مورد داد گستری او سخنان بسیاری بمیان آمده ، آنچه مسلم است تمام مورخین قدیمی او را به داد گری ستوده‌اند . در دوره طولانی پادشاهی او اقدامات مهمی انجام گرفت انقلاب مزدکیان فرو خوابید اصلاح مالیات که از زمان پدرش شروع شده بود بپایان رسید کشاورزی رونق یافت و ابنیه و آثار و شهرهای بسیاری بنا کرد که از همه مشهورتر رومیه است که عین انطاکیه شام ساخته بود وی در دوره کودکی و زمان ولایتعهدی نیز میان مردم محبوب بود « چون انوشیروان در مملکت بنشست داد کرد و در روزگار پدرش مردمان از وی عقل و تدبیر دیده بودند چون نوشیروان بر تخت نشست همه مردم شاد شدند (۲) .

قسمتی از سخنان او را فردوسی چنین آورده است :

اگر پادشا را بود پیشه داد	شود بی گمان هر کس از داد شاد
اگر شاه با داد و بخشایش است	جهان پر ز خوبی و آسایش است

۱ - مجمل‌التواریخ ص ۳۶

۲ - بلعی ص ۱۵۱



ش (۱۳۵) سکه و طرح تاج قباد
ش (۱۳۶) سرمجسمه قباد (موزه شیکاگو)



ش (۱۳۷) مهر انگشتی با نقش قباد اول
(کتابخانه ملی پاریس)

در تاریخ بلعی از شکوه و جلال تخت و تاج او وصفی بمیان آمده که از نظر ما بسیار گرانبها است زیرا در متون تاریخی به این نمونه اوصاف کمتر توجه شده است و آن این است.

« نوشیروان بر تخت زرین نشستی و چهارپایه تخت یاقوت بود و فرش دیبا و تاج او زمرد و یاقوت و مروارید در نشانده بود و بگرانی چنان بود که کس بر نتوانستی داشتن و سلسه زرین از آستان خانه آویخته بود باریک. چنانکه کس ندیدی از فرود تخت تا نزدیک او نشدی و چون نوشیروان برخاستی تاج هم آنجا آویخته بودی و این رسم نوشیروان آورد و فرزندان او را و پدران او را ازین رسم و مقدار نبود. پس چون ذوالیزن در آمد و آن تاج دید و آن سیاست و هیبت و تخت مشاهده کرد متحیر شد و عقل از وی برفت و بسر در آمد و به روی اقتاد و نعمان گفت بردارید او را که از هیبت ملک متحیر شد و عقل برفت از وی، برداشتند. چون نزدیک نوشیروان آوردند نعمان نزدیک نوشیروان نشست و بجز او کس دیگر ننشسته بود. نعمان ذوالیزن را بخواند و بالاتر از خود گذاشت نوشیروان دانست که وی مردی بزرگست ... » (۱)

از این شاهنشاه بزرگ با توجه بشهرت و قدرت فوق العاده و سلطنت طولانی که با اقدامات مهمی آمیخته بود میبایست آثار و تصاویر بیشماری در دست میبود آنچه که موجود است ردیف منظم سکه های او است و یک کاسه گرانبها معروف به جام سلیمان که اکنون در کتابخانه ملی پاریس است (ش ۱۳۸) بشقاب نقره موزه متروپولیتن (۲) (ش ۱۳۹) و ظروف سیمین دیگر در موزه ارمیتاژ در لنینگراد (ش ۱۴۰-۱۴۱). این آثار بر رویهم میتواند راهنمای دقیق و صحیحی برای نشان دادن تصویر کامل و نحوه تزئینات و تجملات وی باشد.

همانطوری که ملاحظه میشود زیبا تر و دقیق تر از همه اینها جام سلیمان است که انوشیروان را از رویو نشسته بر تخت با کلیه تجملات نشان میدهد این جام طی تاریخچه مفصلی از طرف هارون الرشید به شارلمانی پادشاه فرانسه اهدا گردیده است سپس در گنجینه سن دونی (۳) در پاریس که مقبره شاهان فرانسه

۱ - بلعی ص ۱۵۸

۲ - Metropolitan museum در نیویورک .

۳ - Saint Denis

است ضبط گردیده و از آنجا به کتابخانه ملی پاریس منتقل شده است.
در وسط جام مدالی از سنگ کریستال است که روی آن تصویر شاه بر روی
تخت کنده کاری شده و علی الظاهر صحنه تاجگذاری است .

شاه لباسی بی نهایت مجلل در بر دارد تمام لباس زر دوزی شده و یگلهای
جواهر مزین گردیده حاشیه ها مروارید نشان است. به گردن شاه گردن بندی از
سنگهای قیمتی و مروارید است که در وسط آن مدال جواهری قرار گرفته شاه شمشیر
مرصعی بادو دست گرفته و بین دو پا بر زمین تکیه داده است شلوار شاه بطرز
معمول شاهان ساسانی پرچین است کفش او که پاشنه کوتاهی دارد با نوارهای
متعددی زینت یافته است. درین تصویر که متعلق بدوره جوانی اوست گیسوان مجعد
و تابدار او دو سمت گردن او را پوشانده و تا روی شانه آمده است صورتی گرد
و عارضی باریک، سبیلی کوچک و ریش کوتاه دارد بینی او نسبتاً کوچک و چشمانش
جذاب و کمی فرو رفته است تاجی که بر سر او است نظیر تاجی است که بر روی
سکه ها مشاهده میشود. بر روی شانه و پشت کمر و بالای تاج نوار های کوچک
و بزرگ پرچین و شکن و موج در حال اهتزاز است دور مدال و اطراف ظرف
حاشیه ای از یاقوت قرار گرفته و تمام کاسه از سنگهای قیمتی زینت یافته است
در بشقاب نقره موزه متروپولیتن شاه در حال شکار بز کوهی است. در کاسه نقره
موزه ارمتیاز دو صحنه مختلف و مجزی دیده میشود، در قسمت بالا شاه در عنفوان
شباب با همان وصفی که در کاسه مذکور در فوق گفته شد بر تخت نشسته است
تزئینات لباس بنحو دیگر و نقش و نگار دیگری است، در اطراف شاه چهار نفر از
بزرگان کشور در نهایت احترام و دست بسینه ایستاده اند تاج شبیه تاجی است
که بر روی سکه هاست و مخصوص این شاهنشاه است .

صحنه دوم که در قسمت پائین قرار گرفته و نقوش بصورت ریزتری نشان
داده شده مجلس شکار شاه را نشان میدهد شاه سوار بر اسب در جهت مخالف حرکت
اسب در حال کمان کشیدن است .

چنانکه گفتیم سکه های خسرو اول با ردیف منظمی در دست است در این
سکه ها تصویر خسرو نیم رخ و یا تمام رخ مشاهده میشود علاوه بر این از دوران



ش (۱۳۸) نقش خسرو اول
(جام گرانبهای کتابخانه ملی پاریس)
ش (۱۳۹) خسرو اول در حال شکار
(بشقاب نقره موزۀ متروپولیتن)



ش (۱۴۰) بشقاب سیمین با نقش خسرو اول



ش (۱۴۱) خسرو اول در حال کمان کشیدن

ش (۱۴۲) سکه و طرح تاج خسرو اول

سلطنت پدر وی قباد سکه‌ای موجود است که تصویر او در دوران ولایتعهدی بر پشت سکه پدر کنده شده و متأسفانه این نوع سکه بسیار کمیاب است. درسکه‌های انوشیروان تصاویر جوانی و پیری وی را میتوان بررسی نمود. تصویر او بر روی سکه‌ها تقریباً همانند تصویر او است بر جامی که شرح آن گذشت. درسکه‌هایی که سالهای آخر سلطنت او را نشان میدهد شاه چهره‌ای گرد بینی پهن و چشمانی درشت و با نفوذ ریشی انبوه و سبیلی بلند دارد. بر تمام سکه‌ها نقش نیم‌تنه بسیار زیباست، بر حاشیه لباس دو ردیف جواهر نشانده شده و برگردن خسروگردن‌بندی از مروارید گاهی یک ردیف و گاهی دو ردیف دیده میشود. اغلب گردن بندها دارای مدالی با دو آویز مرصع است تاج خسرو دنداندار است که در قسمت جلو هلال ماه قرار گرفته است. (ش ۱۴۲)

هلال ماه و دور لبه تاج مزین به مروارید و گوهر میباشد. بالای تاج هلال دیگری است که درون آن گوئی همانند شعله نمایان است.

« پیراهن او سفید بوده برنگها آمیخته‌وشی کرده و شلوار آسمان رنگ بر تخت نشسته و بر شمشیر فراخمیده (۱). »

یکی از زنان نوشیروان دختر خاقان ترك بود و هرمز از این زن **هَرْمُزِ چارم** (۵۲۸-۵۹۰) بزاد هرمز در زمان پدر سمت ولایتعهدی داشت و چون به پادشاهی رسید در عدل و داد از پدر درگذشت وی هم خود را بیشتر مصروف رفاه حال رعایا و وزیردستان کرد تا جائیکه بخاطر آسودگی رعایا از آزار اشراف و بزرگان بیمی بدل راه نمی داد و در این امر چنان پیشرفت که باتوجه به مقتضیات آن زمان زیر دست نوازی بیش از حد او از عیوب او شمرده شد! طبری بصراحت میگوید « آن عیب بودش که مردمان بزرگ را فرود داشتی و حق ایشان نشناختی و درویشان و حقیران را برکشیدی به مرتبه بزرگ و گفتی که بر ضعیفان ستم نکنند و هر که بر ضعیفی ستم کردی او را بکشتی تا بشمار آمده که سیزده هزار مهتران و بزرگان عجم کشته بود و بدین سبب درویشان او را دوست و مهتران او را دشمن داشتندی » (۲) در زمین الاخبار گردیزی در همین معنا چنین آمده

۱. مجمل التواریخ ص ۳۶

۲. تاریخ بلعی ص ۷۷

« بر ضعیفان و درماندگان سخت مشفق بود و بر توانگران و براهل نعمت سخت دل بود ». جانبداری بی اندازه هرمز از رعایا باعث شد که بزرگان و صاحبان نفوذ دلسرد شدند و در کارها سستی نشان دادند.

باری، از خلال گفته‌های مورخین حسن نیت و داد گستری و نیک خواهی او هویدا است و بنا بر این مورخینی که مقام عدل او را بالاتر از پدرش میدانند سخنی صحیح گفته‌اند و قضاوتی بجا کرده‌اند فردوسی از قول او چنین سروده است.

گنه کردگان را هراسان کنیم	ستمدیدگان را تن آسان کنیم
کس اربد کند بردباری کنیم	چورنج آیدش بیش یاری کنیم
بدانید کز کردگار جهان	بدو نیک هرگز نماند نهان

از این پادشاه تصویری بر روی ظرف و یا بر سنگ در دست نداریم. Theophilacte مورخ بیزانسی که در قرن هفتم میلادی میزیسته شرحی از تجمل و شکوه دربار او داده است که ذکر آن در این رساله مفید بنظر میرسد.

وی میگوید: «شاه با لباس گرانها براریکه سلطنت می‌نشست تاجش از طلا و مزین بگوهرها بود در روی تاج گلهای جواهری مزین به دانه‌های یاقوت و زمرد که هر دانه محصور از یک دایره مروارید بود تلالو و درخشندگی داشت پرتوی که از دانه‌های یاقوت و زمرد می‌جهید مایه حیرت و شگفتی بیننده میشد شلواری از پارچه زری دست باف و گرانها در پا داشت و بطور کلی لباسش در نهایت شکوه و جلال بود.»

از هرمز سکه‌های گوناگونی در دست است که ما از روی آنها بتوصیف هیأت و سیمای او می‌پردازیم:

هرمز چهارم مردی لاغر اندام بوده و چهره‌ای کشیده و باریک و گونه‌هائی فرو رفته داشته است چشمانش تیز، دماغش کوچک، گوشش بسیار بزرگ، سبیل کوچک و موی سر و ریش او کم پشت بوده است. حاشیه قبای او در سه ردیف جواهر دوزی بوده و برگردن او گردن بندی از مروارید قرار داشته که در وسط گردن بند در بعضی از نقوش یک مدال با دو آویز دیده میشود بر گوش او گوشواره ای با آویزی بلند بوده است. تاج هرمز گرچه شباهت زیادی به تاج پدرش خسرو

انوشیروان دارد اما به آن زیبایی نمی باشد تاج او کنگره دار بوده و در وسط آن کلاه می مدور و بلند قرار داشته و درون کلاه هلال ماه و گوئی شعله مانند واقع بوده است .

بین هلال ماه و تاج نوار کوچکی در اهتزاز بوده لبه تاج در سه ردیف با جواهر گرانبها با مروارید مزین بوده و پشت لبه سه نوار کوچک با سه قطعه گوهر قرار داشته است . (ش ۱۴۳)

(پیراهن وشی سرخ داشت و شلوار آسمان گون بود و تاج سبز بر تخت نشسته بدست راست اندر گریزی داشت و چپ بر قبضه تیغ نهاده (۱)

همانطوریکه خوانندگان میدانند هرمزد چهارم مواجه با قیام **بهرام چوین** سردار بزرگ خود بهرام چوین شد و در جریان این قیام بدست بزرگان دربار بقتل رسید و بهرام چوین که خود را از دودمان اشکانیان میدانست چند صباحی بفرمانروائی پرداخت و سکه زد . (۵۹۰ م) مورخین در دنباله پادشاهان ساسانی بنام بهرام ششم نام او را ذکر میکنند و بنابراین لازم است که شمه ای از قیافه و سیمای بهرام که نامی ترین سردار ایرانی در دوره ساسانی است سخنی چند بکوتاهی گفته شود وی در طبری چنین وصف شده « اصلش از ری بود و از ملک زادگان و سپهبدان ری بود . و در آن وقت مردی از وی مردانه تر و مبارزتر نبود و بگونه سیاه چرده و ابروان پیوسته و بیالا دراز و بتن خشک بود بدین جهت او را بهرام چوین خواندندی » (۲)

از دوران کوتاه فرمانروائی او سکه هائی در دست است با توجه بتصویر وی بر سکه ها صورتی کشیده، عارضی باریک، دماغی کوچک و چشمان با نفوذ داشته تاج وی نظیر تاج هرمز چهارم میباشد با این تفاوت که کمی کوتاه تر است . (ش ۱۴۴) از بسطام نیز که خویشاوند هرمز و خالوی او بوده نیز تعداد کمی سکه در دست است و این سکه ها میرساند که بسطام نیز در جریان انقلابات عهد خسرو مدتی فرمانروائی کرده است حوزه فرمانروائی او خراسان بوده و مدت حکمرانی او قریب بدو سال بوده است (۳) با توجه به سکه ها، وی چهره ای مردانه چانه ای پهن

۱ - مجمل التواریخ ص ۳۶

۲ - تاریخ طبری ص ۱۸۲

۳ - تاریخ ساسانیان تألیف کریستن سن ترجمه رشید یاسمی ۳۱۲

چشمانی درشت و با نفوذ سیلی بلند و ریش انبوه داشته و موهای بلند و پرپشت او در پشت سر او زیر تاج تا روی شانه میرسیده تزئینات سینه و گردن بند او نظیر تزئینات هرمز چهارم میباشد و تاج وی با مختصر اختلافی بهمان ترتیب میباشد جز آنکه بر بالای تاج در وسط هلال در عوض گوی شعله مانند، ستاره ای قرار داشته است.

بدون تردید پرتجمل ترین و با شکوه ترین شاهنشاه ساسانی **خسرو پرویز** (۵۹۰-۶۲۸) است مورخین بطوری درباره شکوه و جلال او سخن گفته اند که گوئی وی تمام عمر خود را صرف امور مربوط به نشان دادن جلال و جبروت و عظمت و شکوه خود کرده است.

هر مورخی باشگفتی خاص قسمت عمده مطالب خود را اختصاص به بیان تجمل او داده است برای نمونه گفته گردیزی در زین الاخبار نقل میشود .

(اما پرویز را مال و جواهر و چیزهای بزرگوار فراوان بوده و چندان بزرگواری او را گرد آمده بود که پیش از او هیچ پادشاهی را نبود و از آن چیز ها بعضی بگویم : دست شطرنج بود او را ، یک صف از یاقوت سرخ دو دیگر از یاقوت زرد و دستی که نرد بود از یاقوت وزر و بسد و سی و دو هزار پاره یاقوت بیش بها بود . و گنج عروس و گنج خضرا و گنج باد آورد و گنج دیا خسروی و گنج سوخته و زرمشت فشار و تخت طاقدیس و تخت میش سار و ایوان مداین و قصر شیرین و شادروان بزرگ گوشه بمروارید و مشکوی زرین و دوازده هزار کینزک و هزار و دوست فیل و سیزده هزار شتر بارکش و باغ نخجیران و باغ سیاوشان و باغ مروت و اسب شبذیز و ده هزار من عود و پنج هزار من کافور و سه هزار من مشک و چهار هزار من عنبر و دوازده هزار یوز و هزار شیر و هفتصد هزار سوار و سیصد هزار پیاده و شمع دوازده هزار و کبریت سرخ و هزار بار سپند و ده هزار غلام و صد هزار اسب بارگی و صد هزار ستام (یراق و لگام اسب) زرین^(۱) و در همین کتاب باز آمده است «نه تا انگشتی بود که خاصه او بود از بهر مهر کردن داشتی نخستین انگشتی نگین او یاقوت سرخ بود و نقش او صورت ملک و گردا گرد او کتابه صفت ملک نوشته و بدین انگشتی منشورها و سجل ها مهر کردی دیگر انگشتی نگین او عقیق بود حلقه او از زر...»^(۲) . نا گفته پیداست که پرویز انواع و اقسام مهرها داشته که درمواقع

۱- ۲ - رجوع شود به ص ۳۵ و ۳۶ زین الاخبار از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران



ش (۱۴۳) سکه و طرح تاج هرمز چهارم
 ش (۱۴۴) طرح تاج بهرام ششم (چوبین)
 ش (۱۴۵) سکه و طرح تاج خسرو دوم

مختلف بکار میبرده است. در تاریخ بلعی نیز در وصف تاج خسرو عبارت ذیل دیده میشود:

« و اندر تاج او صد دانه مروارید بود هر یک دانه چند خانه گنجشکی » (۱).

در جوامع الحکایات عرفی نیز تاج او باین صورت وصف شده است:

« تاجی درشت از شصت من زر کرده و او را بجواهر نفیس که در روشنی آنها کواکب ثابت نبودی و قطعهای یاقوت که مرجان را مشاهده آن قوت نمودی و از غایت روشنی آن شب روز گشتی و در ظلمت لیالی نور آن لالی نایب نور آفتاب آمدی و نگین های فیروزه که آسمان فیروزه لباس از رنگ آن زنگ آوردی و قطعهای زمرد که چشم افعی را بچکانیدی در آن تاج ترصیع کرده بودند و سلسله ای ساخته بودند از زر از بالای ایوان برابر سر پرویز و آن تاج را بر آن سلسله محکم کرده چنانکه روزی که بار دادی آن تاج بر سر وی بودی. دیگر تختی داشت از عاج و ساج مرکب و انواع جواهر در آن مرتب و صورتهای لطیف از آن انگیخته و شکارگاهها نگاشته بودند و شکل زمین و جمله اقالیم و صورت فلک و بروج در آن ثبت کرده و آن تخت را طاقی بر آورده و طلسمی ساخته شیری و گوئی زرین و طاسی که چون آن گوی از دهان شیر در آن افتادی معلوم شدی که از روز ساعتی گذشت و آن را چهار دست نقش که در هر فصلی از فصول سال یکی از آنها را بگسترانیدی » و باز بگفته کریستن سن دانمارکی « برجسته ترین صفات خسرو میل بخواسته و تجمل بوده در سی و هشت سال ایام سلطنت خود گنجها آکنده و تجملات فراهم آورد مقدار کثیری جواهر و جامه های گرانبها داشت که بیشتر از عجایب روزگار بود » (۲).

بدیهی است که اینهمه ثروت و جلال تنها از کیسه رعایا تأمین میشد و بهمین علت مورخین به نسبتی که جاه و جلال او را ستوده اند از صفات روحی او انتقاد کرده اند. این وصف را گیرشمن کرده است « خسرو دوم حریص، بدخو، دورو و بی جرأت بود وی ملت را زیر بار مالیات خرد کرد نه مراعات اقویا میکرد و نه ضعفا وی چون مردی بدگمان بود حتی صمیمی ترین خدمتگاران خود را به دیار

۱ - تاریخ بلعی چاپ وزارت فرهنگ ص ۱۰۸۹

۲ - تاریخ ساسانیان ص ۳۱۹

نیستی فرستاد او چون شیفته تشخص و جاه و جلال بود مبالغ هنگفت برای دربار خود خرج میکرد دربار وی شامل هزار زن غیر عقدی خدمتگاران عمه طرب و درباریان بود». (۱)

از خسرو دوم سکه‌ها (ش ۱۴۰) و آثار نسبتاً جامعی موجود است که مهمتر از همه آثار طاق بستان است. لطف آثار طاق بستان این است، که شکارگاه خسرو را با تمام تزئینات و جزئیات مربوط بشکار نشان میدهد.

در صحنه‌ای خسرو در شکارگاه سوار بر اسب ایستاده است چتری بر بالای سر او گرفته‌اند تا از آسیب آفتاب مصون ماند. نوازندگان برسکوئی که از چوب ساخته شده می‌خوانند و مینوازند این سکو بقدری بلند است که باید بوسیله نردبان هشت یا نه پله‌ای بی‌لای آن رفت زیرا باید نوازندگان و خوانندگان از آسیب حیوانات درنده در امان باشند (ش ۱۴۶).

در صحنه دیگر شاه در یک نی زار در قایقی ایستاده زه کمان را از بنا گوش درگذرانده مشغول انداختن و زدن گرازهای قوی هیکل است شگفت اینکه در وسط مرداب در میان قایق در حال کشتن و افکندن گراز گوش او از استماع آوای رامشگران نشکیده و در دنبال قایق او دو قایق دیگر مملو از رامشگران به نواختن چنگ اشتغال دارند.

صحنه دیگر نمایشگر فیلان جنگی است که علی‌الظاهر شاه برفیلی سوار است. در صحنه دیگر شاه سوار بر اسب است و حیوانات شکاری را تعقیب میکند. باری در حجاریهای طاق بستان میتوانیم شاهنشاه ساسانی را در حالت‌های گوناگون مشاهده کنیم.

از ظروف سیمین و زرین که مزین بتصویر خسرو دوم است دوشقاب از همه مهمتر است. یکی بشقاب نقره‌ای که روی آن آب طلا زده شده و اکنون متعلق به کتابخانه ملی پاریس است و صحنه‌ای از شکار خسرو را نشان میدهد. (ش ۱۴۷) بشقاب دیگر که پوشش مختصری از زر دارد شاه را بر تخت نشان میدهد و متعلق به موزه ایران باستان است در این دو بشقاب، شاه لباس و آرایش مجللی دارد برگردن وی گردن بندی از سنگهای گرانبها با آویزی نمایان است. تاجها

۱ - ایران از آغاز اسلام ترجمه دکتر معین ص ۳۹



ن (۱۴۶) صحنه شکار خسرو دوم (طاق بستان)



ن (۱۴۷) خسرو دوم در شکارگاه (بشقاب نقره)
(کتابخانه ملی پاریس)

در هر دو صحنه نظیر یکدیگر است و همانند تاجی است که بر روی سکه نقش شده است. در تصویری که بر روی بشقاب شکارگاه نقش است آنچه بیشتر جلب توجه میکند تیر دان است که بر پهلوی اسب آویخته شده این تیردان دارای تزئینات بسیاری است وضع شاه در این بشقاب میرساند که وی مردی چست و چالاک و سوار کاری ماهر و تیر اندازی قابل بوده است.

تصویر او چنین نشان میدهد که خسرو بسیار زیبا بوده و چهره وی پرازدگی خاصی داشته است در بشقاب موزه ایران باستان شاه را بر تخت در شاه نشینی می بینیم که پایه های تخت وی بصورت دو شیر است و حاشیه شاه نشین از مدال هائی ترکیب شده که داخل مدالها پرند گانی کنده کاری شده است. در طرفین شاه دو نفر از نگهبانان خاص بحالت احترام ایستاده اند. این تخت بطور واقع منظره ای از تخت شاهنشاه ساسانی را عیان میسازد. (ش ۱۴۸)

از خسرو دوم سکه های مختلفی در دست است که بعضی تصویر نیمرخ او را نشان میدهد. و برخی تمام رخ بدین ترتیب میتوان بطور دقیق قیافه واقعی او را مشخص نمود.

تصاویر روی سکه و ظروف مذکور در فوق بخوبی زیبایی شاه را مشخص میکند. در تمام تصاویر تاج خسرو کنگره دار است و دارای لبه ای است که دو ردیف مروارید دوزی شده بالای آن دو بال عقاب قرار گرفته است. در وسط دو بال هلال ماه دیده میشود که درون آن ستاره ای واقع شده است

شیرویه (قبادوم) ۶۲۹ میلادی مدت پادشاهی شیرویه پسر خسرو دوم حد اقل شش و حد اکثر هشت ماه نوشته اند. هنگامی که بتخت نشست ۲۲ ساله بود وی برای اینکه چند صباحی بی دردسر کامرانی کند در صدد قتل شاهزادگان و ناموران بر آمد تا پادشاهی خود را بی مدعی سازد. بنابراین در مدت کوتاه پادشاهی جز کشتن و بستن کاری نکرد و فرصت این نیافت که از خود اثری باقی بگذارد.

پادشاهی بوده است خونریز و ستمگر که نه بر پدر ابقا کرد و نه بر برادران و خویشان. اگر آثاری که تصویر او را نشان دهد ساخته شده و باقی مانده باشد ما از آن بی اطلاعیم.

مادر این پادشاه مریم دختر موریس امپراطور روم بوده بنا بر این میتوان حدس زد که چهره او از سپیدی و گلگونی و زیبایی رومیان نشانه‌هائی داشته است. سکه او نشان میدهد که پادشاهی درشت اندام بوده سبیلی بسیار بلند و تابدار داشته که در دو طرف صورت تا نزدیکی‌های گوش ادامه داشته است ریش کوتاه و کم مو و نازک و بینی درشت و برآمده چشمانی خشن داشته است. موهای سر او بلند بوده و مقدار کمی از آن تا پشت گردن میآمده است بر گوش گوشواره‌ای داشته که سه گوی بآن آویزان بوده است بر گردن وی گردن بندی بوده از مروارید در دو ردیف که در میان آن آویزی بوده است. تاج او شباهت نزدیکی بتاج خسرو اول انوشیروان داشته است و بنا بر این مانند تاج خسرو کنگره دار بوده و لبه‌هائی با دو ردیف مروارید و جواهر داشته است بالای تاج هلال ماه بوده که درون هلال گوئی مانند شعله قرار داشته است بین هلال و قسمت مدور تاج دو نوار آویزان بوده و بر روی شانه چپ او گلی جواهر نشان قرار داشته که از کنار آن نوار چین داری در اهتزاز بوده است. (ش ۱۴۹)

در مجمل التواریخ چنین وصف شده « پسرکسری پرویز بوده از مریم دختر موریس ملک روم و شیروی هم گویند و اصل نام او قباد بوده و چون پادشاه گشت پدر را بکشت و هیچده برادر را بفرمود کشتن از بزرگان و عاقلان شایسته پادشاهی ... و اندر کتاب صورت آل ساسان گوید پیراهن وشی سرخ داشت و شلووار آسمان رنگ و تاج سبز ، بر پای ایستاده بدست راست شمشیری کشیده (۱) .

پسر شیرویه بوده که هنگام مرگ پدر هفت سال داشت، بزرگان ارشیرنوم (۶۲۹-۶۳۰) ایران او را بیادشاهی برداشتند یکسال و نیم پادشاهی کرد و بدست شهر براز سردار مشهور خسرو پرویز کشته شد. از این کودک نگون بخت سکه‌های زیادی در دست است که در ضرابخانه‌های متعدد ضرب شده است تمام سکه‌ها حاکی از زیبایی چهره او است. بر روی سکه‌ها تصویر نیم رخ شاه با چهره‌ای گرد، بینی و دهانی متناسب ، چشمان درشت و زیبا ، ابروانی هلالی نقر شده و بر گوش او گوشواره‌ای با آویز درشت قرار دارد. موهای مجعد او در پشت گردن تا روی شانه افشان بوده ، بر گردن وی گردن بندی با دو ردیف مروارید



ش (۱۴۸) خسرو دوم. قسمتی از نقش بشقاب نقره
(موزه ایران باستان)

ش (۱۴۹) سکه قباد دوم

ش (۱۵۰) سکه اردشیر سوم

است که در وسط گردن بند مدال مدور زیبایی با سه آویز قرار دارد. حاشیه بالای لباس از دو ردیف جواهر مزین بوده و روی شانه ها ماه و ستاره ای نصب است. تاج وی بسیار زیبا و شبیه بتاج پدر بزرگ او خسرو پرویز بوده، این تاج کنگره دار و لبه آن با دو ردیف مروارید مزین شده، بالای تاج دو بال عقاب نصب است و در وسط آن هلال ماه و در میان هلال گوی شعله مانندی جای دارد است. (ش ۱۵۰)

« اردشیر پسر شیرویه بوده و کودک، پیراهن آسمان گون داشت و تاج سرخ بر پای ایستاده نیزه بدست راست و بدیگر دست شمشیر چفبیده (۱) .

پوران دخت (۳۱۶ میلادی) وی دختر خسرو پرویز از مریم دختر موریس پادشاه روم بوده و بنا بر این با شیرویه خواهرتنی بوده در باره مدت پادشاهی او روایات گوناگون در دست است که از شش ماه تا نزدیک بدو سال نوشته اند از سکه های او پیداست که مدت پادشاهی او بیش از یکسال بوده است زیرا از سال دوم پادشاهی او سکه هایی در دست است. درباره بیان تصویر او تنها ملاک ما سکه های معدودی است که از وی بجا مانده. در زین الاخبار چنین آمده است « چون پوران دخت به پادشاهی بنشست کار مملکت را نیکو ضبط کرد و زنی بادانش بوده و رعیت را تألف کرد و هم رعایا از او شاد بودند مالی بسیار بخشید مرحشم را و بزرگان مملکت را (۲) .

بر روی سکه ها، تصویر نیمرخ این ملکه ساسانی بسیار زیباست وی دارای صورتی کشیده نگاهی گیرا و گونه ای برآمده، دماغ و دهانی متناسب و گیسوان بلند و حلقه وار که بر طرفین صورت و پشت سر افتاده بوده است. بر روی گیسوان گللهائی از جواهر قرار داشته است و دو رشته مروارید که در وسط آن آویزی نصب بوده بر گردن داشته. بر سینه اش نزدیک بشانه ها روی لباس دو گل زرین بشکل هلال ماه و ستاره نصب بوده است. تاجی با شکوه داشته که حاشیه زرین و لبه آن با مروارید مزین بوده و بر روی تاج سه قطعه گل جواهر نشان نصب بوده و در بالای تاج دو بال زیبای زرین قرار داشته که وسط دو بال هلال ماه بوده و درون هلال گوئی مدور واقع بوده است. (ش ۱۵۱)

۱ - مجمل التواریخ ص ۲۷

۲ - زین الاخبار ص ۲۹

« پیرهنی وشی سبز داشت و شلوار آسمان گون و تاج هم چنان ، بر تخت نشسته تبر زینی در دست (۱) »

آزمیخت (۶۳۱ میلادی) این پادشاه نیز دختر خسرو پرویز بوده اما نه از دختر امپراتور روم گویا مادرش دختر انوشیروان بوده است پادشاهی او چند ماهی بیش طول نکشید « چون آزرمی دخت به ملک بنشست عدل و داد کرد در همه آل کسری از او نیکو رای تر نبود ». متأسفانه سکه یا نقشی از وی در دست نیست . رنگ لباس او چنین وصف شده :

« پیراهن او سرخ نگاشت است ، ملون و شلوار آسمان گون و تاج بر سر به سریرنشسته بدست راست تبر زینی وچپ بر تیغ تکیه زده (۲) .

از شاهزاده خانمها و ملکه های ساسانی تصاویری چند موجود است که متأسفانه شناسائی آنها غیرممکن است ، ولی میتواند وضع آرایش و زینت و سیمای آنانرا معرفی نماید، مانند نگین انگشتی نقش (ش ۱۰۲) ملکه ساسانی و نگین زیبای انگشتی شاهزاده خانمی که در موزه میلان است (۳) (ش ۱۰۳) و نیم تنه گچ که در موزه بغداد است (ش ۱۰۴) و مجسمه کوچک سفالی . (ش ۱۰۵) (۴)

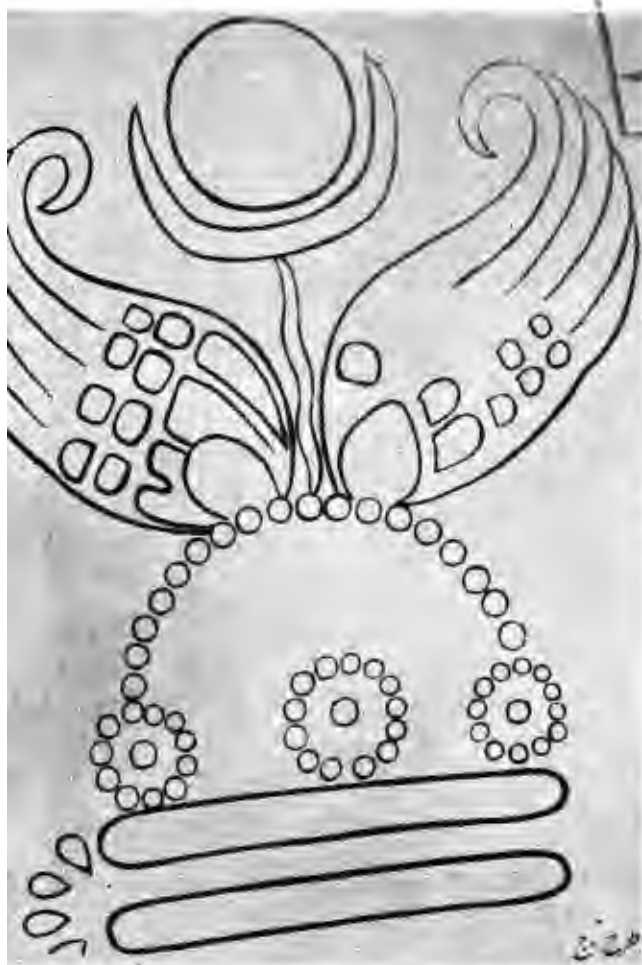
یزدگرد پسر شهریار بوده و شهریار پسر **یزدگرد دوم** (۶۳۲-۶۵۲ میلادی) خسرو پرویز است نوزده سال پادشاهی کرد وی پادشاهی بوده که از همان آغاز کار ، روزگار به او پشت کرده بود گرچه از لیاقت بی بهره نبود اما نه آن اندازه که بتواند با مشکلات فوق العاده دست و پنجه نرم کند . بخصوص که در آغاز سلطنت بیش از پانزده یا شانزده سال نداشت و همین چندسال نیز بصورت محبوس در یکی از دژهای استخر بسربرده بود گوئی تقدیر چنین بوده که میبایست عکس العمل چهار قرن و نیم کامرانی شاهنشاهان ساسانی بر سر او فرود آید .

بدبختی هایی که پی در پی در کاخ او را میکوبید او را درهاله ای از مظلومیت محض فرو برده و همه کس بخصوص مورخین را نسبت باو مهربان ساخته است و بهمین جهت همه او را به زیبایی خارق العاده ای ستوده اند .

۱ و ۲ - مجمل التواریخ ص ۳۷

۳ - موزه Trivulzio

۴ - موزه ایران باستان .



ش (۱۵۱) سکه و طرح تاج پوراندهخت

ش (۱۵۲) ملکه ساسانی (نگین انگشتری)
(مجموعه خصوصی)

ش (۱۵۳) شاهزاده خانم ساسانی



ش (۱۵۴) نیم تنه گچی (موزه بغداد)

ش (۱۵۵) مجسمه سفالی شاهزاده خانم ساسانی

ش (۱۵۶) طرح تاج یزدگرد سوم

فردوسی در آخرین شب زندگی که به آسیای مرو پناهنده شده بود او را چنین وصف میکند :

گشاد آسیابان در آسیا	به پشت اندرش بار ولختی گیا
گوی دید برسان سرو بلند	نشسته بر آن خاک بر مستمند
دوچشمش گوزن و برویال شیر	نشد دیده از دیدنش هیچ سیر
دو ابرو کمان و دونرگس دژم	دهان پر زیاد ابروان پر زخم
به پیکر یکی کفش زرین پپای	ز خوشاب زر آستین قبای

در تاریخ بیهقی نیز چنین وصف شده است :

« یزدجرد بصورت زیبا بود و جوانی بود گندم گون و پیوسته ابرو و جعد موی و شیرین لب و دندان و لطیف سخن و با مهابت که هر که او را دیدی از وی هیبت ملوک بروی افتادی و او نسیب ترین ملوک عجم بود (۱) ».

با این همه برای او عیب و نقصی چند در چهره یا بدن بر شمرده اند . بلعمی داستان زیبایی در مورد نحوه زادن او آورده است . که قبلا ذکر شد (رجوع شود به ص ۳۸)

بهر صورت تمام مورخین او را به زیبایی و پاك نهادی ستوده اند از وی سکه هائی در دست است که تصویر او را در سنین مختلف نشان میدهد و در بعضی از آنها یزد گرد نو جوانی است با صورتی زیبا و گرد و چشمان نافذ که هنوز بر عارض او موی نرسته . در سکه هائی که در سالهای آخر پادشاهی از او در دست است او را با سبیلی بلند و ریش انبوه نشان میدهد . تاج او شبیه تاج خسرو پرویز بوده یعنی تاجی کنگره دار بوده و لبه ای جواهر نشان داشته و روی تاج دو بال عقاب از زر و میان دو بال هلال ماه و وسط هلال ستاره ای قرار داشته است . (ش ۱۵۶) « پیراهن وشی سرخ داشت وشلوار آسمان گون و تاج سرخ نیزه اندر دست و بر شمشیر فراخمیده و همه ملوک بنی ساسان را موزه سرخ بوده است . » (۲)

از مجموعه مطالعات چنین استنباط میشود که بیشتر شاهنشاهان و نام آوران ایران نه تنها از جهات اخلاقی و سیرت و صفات برگزیده مملکتداری دارای امتیازات

۱ - تاریخ بیهقی ص ۲۶

۲ - مجمل التواریخ - ص ۳۸

فراوانی بوده‌اند، بلکه از نظر تناسب اندام و زیبایی چهره نیز برازنده بوده‌اند. اغلب مورخان از فرو شکوه شاهنشاهان و هیبت و سطوت آنان توصیف زیاد کرده‌اند و این معنی را به تفصیل نگاشته‌اند. بطور خلاصه بزرگان ایران همانطور که دارای سیرت نیکو و فضائل اخلاقی بودند به زیبایی و توانائی جسمانی و برازندگی و آرایش و تزئینات لباس نیز اهمیت خاصی میدادند.

در این مختصر، مجملی از سیرت و صورت شاهان و نام آوران ایران باستان برشته نگارش در آمد و تا آنجا که ممکن بود از منابع اصیل که چکیده پژوهشهای تاریخی و مستدل است استفاده شد و آثار مهم باستانی و هنری و کتیبه‌ها و کنده کاریها و آثار فلزی و جواهر سازی هر دوره مورد مطالعه قرار گرفت، بخصوص سکه‌های شاهنشاهان و فرمانروایان که یکی از منابع مهم برای پی بردن به اوضاع اقتصادی و اجتماعی و هنری است و معرف سیمای واقعی شاهنشاهان است بدقت بررسی شد.

امید است که خوانندگان و علاقمندان بچشم عنایت والتفات بدین رساله بنگرند و از مطالعه آن دلتنگ و ملول نشوند و نیز امید است که با کاوشهایی که در آینده چه در کشور ما و چه در سرزمینهای ایران کهن صورت خواهد گرفت آثار و منابع تازه‌ای بدست آید که پیش از پیش بتواند بتمدن و فرهنگ و شناختن نام آوران این سر زمین کمک کند و سهمی را که آنان در پیشرفت تمدن و فرهنگ در جهان داشته‌اند روشن سازد.

فهرست تصاویر

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۲۹ - جدال شاه با حیوان | ۱ - نقش قیزقاپان |
| ۳۰ - مهر (هخامنشی) | ۲ - گردونه زرین |
| ۳۱ - سکه خشایارشا و طرح تاج - اردشیر | ۳ - یکی از بزرگان ماد |
| اول - داریوش دوم - اردشیر دوم - | ۴ - مجسمه برنزی |
| اردشیر سوم | ۵ - نقش برجسته (سکاوند) |
| ۳۲ - جنگ داریوش سوم با اسکندر | ۶ - قسمتی از نقش برجسته کوروش |
| ۳۳ و ۳۴ - سکه داریوش سوم | ۷ - نقش بالدار |
| ۳۵ - تیسافر ستراب | ۸ - مهر استوانه‌ای (هخامنشی) |
| ۳۶ - فر ناباز | ۹ - گوشواره هخامنشی |
| ۳۷ - تری باز | ۱۰ - نقش داریوش بزرگ |
| ۳۸ - مجسمه سنگی | ۱۱ - تاج و سکه داریوش اول |
| ۳۹ - مجسمه شاهزاده هخامنشی | ۱۲ - مهر داریوش بزرگ |
| ۴۰ - قالی پازیریک | ۱۳ - تاج داریوش |
| ۴۱ - طرح تاج | ۱۴ - نقش برجسته داریوش |
| ۴۲ - نقش برجسته دو بانوی هخامنشی | ۱۵ - نقش برجسته داریوش اول و خشایارشا |
| ۴۳ - سکه تیرداد | ۱۶ - داریوش بزرگ زیر سایه بان |
| ۴۴ - سکه فرهاد اول | ۱۷ - جدال داریوش اول با شیر |
| ۴۵ - انواع تاج اوائل دوره اشکانی | ۱۸ - تزئینات هخامنشی |
| ۴۶ - مجسمه اشکانی | ۱۹ - شاهزاده هخامنشی |
| ۴۷ - نقش شاه و ملکه اشکانی (کوه خواجه) | ۲۰ - جواهرسازی (هخامنشی) |
| ۴۸ - نقش اردوان پنجم | ۲۱ - مجسمه شاهزاده هخامنشی |
| ۴۹ - سردار اشکانی | ۲۲ - نقش خشایارشا |
| ۵۰ - شاه اشکانی | ۲۳ - مهر خشایارشا |
| ۵۱ - مهر بلاش سوم | ۲۴ - مهر هخامنشی |
| ۵۲ - نقش مهرداد دوم | ۲۵ - مهر اردشیر دوم |
| ۵۳ - مجسمه پارتی | ۲۶ - مهر استوانه‌ای (هخامنشی) |
| ۵۴ - سر مجسمه پارتی | ۲۷ - مهر (هخامنشی) |
| | ۲۸ - مهر هخامنشی (شاه و ولیعهد) |

- ۵۵ - سکه‌های مهرداد اول - فرهاد دوم - اردوان اول
- ۵۶ - طرح تاج مهرداد دوم
- ۵۷ - دو نوع سکه مهرداد دوم
- ۵۸ - سکه اردوان دوم
- ۵۹ - طرح تاج سندروک
- ۶۰ - سکه و طرح تاج فرهاد سوم
- ۶۱ - سکه مهرداد سوم - سکه ارد
- ۶۲ - سکه فرهاد چهارم
- ۶۳ - سکه فرهاد پنجم
- ۶۴ - سکه و مجسمه و طرح تاج ملکه موزا
- ۶۵ - سکه وانان اول
- ۶۶ - سکه اردوان سوم
- ۶۷ - سکه واردان اول
- ۶۸ - سکه گودرز
- ۶۹ - طرح تاج مهرداد
- ۷۰ - سکه بلاش اول
- ۷۱ - پشت سکه بلاش اول
- ۷۲ - سکه و طرح تاج گودرز دوم
- ۷۳ - سکه خسرو
- ۷۴ - سکه و طرح تاج بلاش دوم
- ۷۵ - سکه و طرح تاج بلاش سوم
- ۷۶ - سکه بلاش چهارم - بلاش پنجم - اردوان پنجم - آرتاواز و طرح تاج آرتاواز
- ۷۷ - شاهزاده خانم اشکانی
- ۷۸ - جواهر سازی اشکانی
- ۷۹ - کلاه خود اشکانی
- ۸۰ - سکه ابرز شاهزاده پارس
- ۸۱ - سکه داریوش شاهزاده پارس
- ۸۲ - طرح تاج‌ها و سکه‌های اردشیر اول
- ۸۳ - نقش برجسته اردشیر اول ساسانی
- ۸۴ - اردشیر اول (ساسانی)
- ۸۵ - نقش پیروزی شاپور بر والرین
- ۸۶ - مهر (کتابخانه ملی پاریس)
- ۸۷ - مجسمه شاپور اول
- ۸۸ - سکه و طرح تاج شاپور اول
- ۸۹ - سکه و طرح تاج هرمز اول
- ۹۰ - سکه و طرح تاج بهرام اول
- ۹۱ - نقش برجسته بهرام اول
- ۹۲ - نقش برجسته بهرام دوم
- ۹۳ - بهرام دوم بین بزرگان کشور
- ۹۴ - جدال بهرام دوم با شیر
- ۹۵ - نیم تنه بهرام دوم
- ۹۶ - سکه‌های بهرام دوم و طرح تاج‌های او
- ۹۷ - سکه و طرح تاج بهرام سوم
- ۹۸ - مدال بهرام سوم
- ۹۹ - نقش مراسم اعطای حلقه شاهی به نرسی
- ۱۰۰ - سکه و طرح تاج نرسی
- ۱۰۱ - جدال هرمز دوم
- ۱۰۲ - سکه و طرح تاج هرمز دوم
- ۱۰۳ - مجلس پیروزی شاپور دوم
- ۱۰۴ - نیم تنه گچی شاپور دوم
- ۱۰۵ - شکارگراز شاپور دوم
- ۱۰۶ - شکار شیر شاپور دوم
- ۱۰۷ - سکه و طرح تاج شاپور دوم
- ۱۰۸ - نقش مراسم اعطای حلقه سلطنت به اردشیر دوم
- ۱۰۹ - مجلس شکار اردشیر دوم
- ۱۱۰ - سکه و طرح تاج اردشیر دوم
- ۱۱۱ و ۱۱۲ - شاپور سوم در حال شکار
- ۱۱۳ - سکه و طرح تاج شاپور سوم
- ۱۱۴ - نیم تنه بهرام چهارم

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱۱۵ - کاسه نقره با نقش بهرام چهارم | ۱۳۶ - سر مجسمه قباد اول |
| ۱۱۶ - مهر بهرام چهارم | ۱۳۷ - مهر انگشتی قباد اول |
| ۱۱۷ - سکه و طرح تاج بهرام چهارم | ۱۳۸ - نقش خسرو اول |
| ۱۱۸ - سکه و طرح تاج یزدگرد اول | ۱۳۹ - خسرو اول در حال شکار |
| ۱۱۹ - بهرام پنجم در جدال با شیر | ۱۴۰ - بشقاب با نقش خسرو اول |
| ۱۲۰ - مجلس بزم بهرام پنجم | ۱۴۱ - خسرو اول در حال کمان کشیدن |
| ۱۲۱ - بهرام پنجم و آزاده | ۱۴۲ - سکه و طرح تاج خسرو اول |
| ۱۲۲ - بهرام پنجم در حال مبارزه با شیر و ببر | ۱۴۳ - سکه و طرح تاج هرمز چهارم |
| ۱۲۳ - مجسمه نیم تنه بهرام پنجم | ۱۴۴ - طرح تاج بهرام ششم |
| ۱۲۴ - سکه و طرح تاج بهرام پنجم | ۱۴۵ - سکه و طرح تاج خسرو دوم |
| ۱۲۵ - سکه و طرح تاج یزدگرد دوم | ۱۴۶ - شکار خسرو دوم |
| ۱۲۶ - یزدگرد دوم با ملکه | ۱۴۷ - خسرو دوم در شکارگاه |
| ۱۲۷ - شاهزاده خانم ساسانی | ۱۴۸ - خسرو دوم |
| ۱۲۸ - مهر ملکه دینک | ۱۴۹ - سکه قباد دوم |
| ۱۲۹ - مجلس تاجگذاری پیروز | ۱۵۰ - سکه اردشیر سوم |
| ۱۳۰ - شاهنشاه ساسانی در حال پرتاب نیزه | ۱۵۱ - سکه و طرح تاج ملکه پوراندخت |
| ۱۳۱ - پیروز در حال شکار | ۱۵۲ - ملکه ساسانی |
| ۱۳۲ - سکه و طرح تاج پیروز | ۱۵۳ - شاهزاده خانم ساسانی |
| ۱۳۳ - بلاش در حال شکار | ۱۵۴ - نیم تنه گچی |
| ۱۳۴ - سکه و طرح تاج بلاش | ۱۵۵ - مجسمه سفالی |
| ۱۳۵ - سکه و طرح تاج قباد | ۱۵۶ - طرح و تاج یزدگرد سوم |

فهرست منابع

- | | |
|--|---|
| <p>تصحیح ملک الشعرای بهار
مسعودی
فردوسی
حمزه اصفهانی
گردیزی
چاپ وزارت فرهنگ
تألیف اعتماد السلطنه
» پور داود
» دکتر جواد مشکور
» ملکزاده بیانی
با مقدمه و حواشی دکتر مشکور
تألیف سید محمد تقی مصطفوی
» مشیرالدوله پیرنیا
» اومستد، ترجمه دکتر محمد مقدم
» گیرشمن، ترجمه دکتر معین
» دیاگونوف، ترجمه کریم کشاورز
» دیاگونوف، » کریم کشاورز
» کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی
» ، ، ،
» نیلسون دوپواز، ترجمه علی اصغر حکمت
» هانری ماسه و گروسه، ترجمه جواد
» لوئی واندنبرگ، ترجمه عیسی بهنام
» گزنفون، ترجمه رضا مشایخی
» علی سامی</p> | <p>۱ - مجمل التواریخ و القصص
۲ - التنبيه و الاشراف
۳ - شاهنامه
۴ - سنی ملوک الارض
۵ - زین الاخبار
۶ - تاریخ بلعمی
۷ - المآثر والاثار
۸ - آناهیتا
۹ - ایران در عهد باستان
۱۰ - تاریخ سکه
۱۱ - تاریخ طبری
۱۲ - اقلیم پارس
۱۳ - ایران باستان
۱۴ - شاهنشاهی هخامنشی
۱۵ - ایران از آغاز تا اسلام
۱۶ - اشکانیان
۱۷ - تاریخ ماد
۱۸ - ایران در زمان ساسانیان
۱۹ - شاهنشاهی ساسانیان
۲۰ - تاریخ سیاسی پارت
۲۱ - تاریخ تمدن ایران
۲۲ - باستانشناسی ایران
۲۳ - کورش نامه
۲۴ - ایران هخامنشی و ساسانی</p> |
|--|---|

فهرست منابع خارجی

- I - Perses : R. Ghirshman
- II - Parthes et Sassanides : R, Ghirshman
- III- Herzfeld und Sarre : Iran an Aceint East
- IV - Pope : Persian Survey V. IV
- V - De Morgan : Manuel Numismatique Oriental
- VI - B. V. Head :
Principal Coins of the Greeks.
- VII- Paruck : Sassanian Coins
- VIII- I. Orbelli et K. Trever :
Le metal Sassanide
- IX- W.Wroth : Catalogue of the Coins of Parthia
- W - Babelon : Les Perses Achémenides.
Catalogue des monnaies

فهرست نام کسان

ب	آ
بابویه : ۳۷	آتوسا : ۱۶
بستام : ۷۳	آریان : ۲۴
بلاش : ۶۶	آریستوبولس : ۱۰
بلاش اول : ۳۰	آزاده : ۶۰
بلاش دوم : ۳۱	آژدهاک : ۵ - ۸
بلاش سوم : ۳۲	آزربیدخت : ۸۰
بلاش چهارم : ۳۲	ا
بلاش پنجم : ۳۲	ارد : ۲۷ - ۲۸
بلعمی : ۳۷-۳۸-۴۶-۶۵-۶۶-۷۳۶۷-۷۵	ارد دوم : ۲۹
بهار (ملک الشعراء) : ۸۴	اردشیر اول (هخامنشی) : ۱۷ - ۱۸ - ۱۹
بهرام بن شاپور : ۵۷	اردشیر (ساسانی) : ۳۴ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۵
بهرام چوین : ۷۳	اردشیر دوم (هخامنشی) : ۶۰
بهرام اول : ۴۵	اردشیر سوم : ۷۸ - ۸۹
بهرام دوم : ۴۶ - ۴۷ - ۴۸	اردوان اول : ۲۶
بهرام سوم : ۴۸ - ۴۹	اردوان دوم : ۲۷
بهرام چهارم : ۵۵ - ۵۶	اردوان سوم : ۲۹
بهرام پنجم : ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱	اردوان چهارم : ۲۶
بهرام گور : ۶۵	اردوان پنجم : ۲۵
پ	ارشک : ۲۴
پاکر دوم : ۳۱	اسکندر : ۱۰ - ۲۰
پوران دخت : ۷۹	اشکانی : ۲۴ - ۲۵ - ۴۱
پورداد : ۸۴	اشکانیان : ۲۴ - ۷۳
پیرنیا شیرالدوله : ۱۲ - ۲۴ - ۸۴	اعتماد السلطنه : ۸۴
پیروز : ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶	اویرز : ۳۴
ت	اویستد : ۱۰
توفیلاکت : ۷۲	اهورامزدا : ۴۰

<u>ش</u>	ترباذ : ۲۱
شاپور اول : ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۹	تیرداد : ۲۴
شاپور دوم : ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۴	تیسافرن : ۲۰
شاپور ذوالاکتاف : ۵۵	<u>ح</u>
شاپور سوم : ۵۴ - ۵۵	حکمت علی اصغر : ۸۴
شهریار : ۳۸	حمزه اصفهانی : ۳۶ - ۳۷ - ۴۴ - ۴۵ - ۸۴
شیرین : ۳۸	<u>خ</u>
<u>ص</u>	خاقان (هیاطله) : ۶۷ - ۷۱
ضین : ۴۲	خسرو (اشکانی) : ۳۱
<u>ع</u>	خسرو اول (انوشیروان) : ۶۸ - ۶۹ - ۷۰
عیسی بهنام : ۸۴	۷۱ - ۷۲ - ۷۸ :
<u>ف</u>	خسرو دوم (پرویز) : ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۸۰
فرادات : ۳۴	خشایارشا : ۱۳ - ۱۴ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹
فردوسی : ۴۰ - ۴۲ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۶	<u>د</u>
۵۹ - ۶۸ - ۷۲ - ۸۱ - ۸۴ :	داریوش اول : ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۷
فرناباذ : ۲۰	۱۸ - ۱۹ - ۲۷ - ۳۴ :
فرورتیش : ۶	داریوش دوم : ۲۰
فرهاد اول : ۲۵	داریوش سوم : ۱۹ - ۲۰
فرهاد دوم : ۲۶	دیاکو : ۵ - ۶
فرهاد سوم : ۲۷	دیاگونوف : ۸۴
فرهاد چهارم : ۲۷ - ۳۰	دنیک : ۶۳
فرهاد پنجم (فرهادک) : ۲۹	<u>ر</u>
فرکلِس : ۲۴	رشید یاسمی : ۵۱ - ۸۴
<u>ق</u>	<u>س</u>
قباد اول : ۶۷ - ۶۸ - ۷۱	ساسانیان : ۳۶ - ۵۰ - ۵۴
قباد دوم (شیرویه) : ۷۷	سامی : ۱۲ - ۸۴
<u>ک</u>	سلمان فارسی : ۳۷
کراسوس : ۳۳	سندروک : ۲۷
کرمان شاه : ۵۷	سورن : ۳۳
کریستن سن : ۴۵ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۵ - ۷۵ - ۸۴	سید محمدتقی مصطفوی : ۸۴

مهرک (نوش زاد) : ۴۵	کریم کشاورز ۸۴
<u>ن</u>	کمبوجیه : ۹-۱۲-۱۶-۱۸
نرسی : ۴۹	کوروش ۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۶
نظامی : ۶۰	: ۱۸-۱۹-۲۲-۳۹
نعمان : ۵۸	<u>گ</u>
نیلسون دوبواز : ۸۴	گردیزی : ۸۴
<u>و</u>	گروسه : ۸۴
واندنبرگ : ۸۴	گزنفون : ۸-۹-۱۰-۸۴
والرین : ۴۲-۴۳	گودرز : ۳۰
ونن اول : ۲۹	گیرشمن : ۳۶
<u>ه</u>	<u>م</u>
هارون الرشید : ۶۹	ماد : ۵-۶-۷
هانری ماسه : ۸۴	مجتبی مینوی : ۸۴
هرمز اول : ۴۴-۴۵	مریم : ۷۸-۷۹
هرمز دوم : ۵۰-۵۲	مسعودی : ۲-۳-۳۶-۸۴
هرمز سوم : ۶۳	مشکور : ۴۲-۵۴-۸۴
هرمزد شاپور : ۴۶	معین (دکتر محمد) : ۳۶-۷۶
هرمز چهارم : ۷۱-۷۲	مغول : ۳
هوخستره : ۵-۶-۷	مقدم (دکتر محمد) : ۸۴
<u>ی</u>	ملکزاده بیانی : ۸۴
یزدجرد الائیم : ۵۸-	سمن : ۱۹
یزدگرد اول : ۵۷-۶۱	موریس : ۷۸-۷۹
یزدگرد دوم : ۶۱-۶۲-۶۳-۶۵	موزا : ۲۹
یزدگرد سوم (یزدجرد) : ۸۰-۸۱	مهرداد اول : ۲۶
	مهرداد دوم : ۲۵-۲۶

فهرست نام جایها

پالمیر : ۳۲	آ
پله پونز : ۲۰	آبادکواذ : ۶۷
پمپئی : ۲۰	آمدا : ۵۱
	اندیوشاپور : ۴۲
ت	الف
تخت جمشید : ۱۱ - ۱۴	ارمنستان : ۲۱
تنگ چوگان : ۴۳ - ۴۶	ارمیتاژ (موزه) : ۶۹
تل چغا (شاسی) : ۳۲	اسپارت : ۲۱
تیسفون : ۶۳	استخر : ۳۶
ج	افس : ۱۹
جیحون : ۷	ایتالیا : ۲۵
ح	ایران : ۵۱-۵۸-۱۱۰۲-۲۱-۳۶-۴۱-۴۵
حلوان : ۶۷	ایران شادکواذ : ۶۷
خ	ب
خراسان : ۶۷ - ۷۳	بابل : ۵۱ - ۶۲
خوزستان : ۲-۲۵-۳۲	بالتیمور : ۵۶ - ۶۱
د	برلن : ۳۶
داغیان : ۴۵	بریتانیا : ۱۳-۱۵-۵۶
دورا اروپوس : ۲۵	بزیده : ۵۱
دیلمان : ۳۳	بغداد : ۲۶-۳۳-۳۶-۶۱-۸۰
ر	بیستون : ۱۳-۱۴-۲۵-۲۷
روم : ۵۱	بیشاپور : ۴۳-۴۵-۴۶-۶۲
س	پ
سراب بهرام : ۴۶	پارس : ۳۵ - ۶۷
سرشهد : ۴۶	پاریس : ۲۳-۶۹-۷۵
سکاوند : ۸	پازیریک : ۲۲
سلیمانیه : ۶	پاسارکاد : ۹-۱۱-۱۲-۲۲-۲۳

کیش : ۵۱ - ۶۱	سندنی : ۶۹
<u>گ</u>	سوریه : ۳۲
گرگان : ۲۴ - ۶۷	سیستان : ۶۳
گویم : ۴۶	<u>ش</u>
<u>م</u>	شادپور : ۴۲
مازندران : ۵۳	شوش : ۱۲ - ۲۲ - ۲۳
مال اسیر : ۲۵	شیراز : ۴۶
مدینه : ۳۷	شیکاگو : ۶۷
موزه ایران باستان : ۱۶ - ۳۰ - ۵۷ - ۷۷	<u>ط</u>
موزه تریولزیو Trivulzio : ۸۰	طاق بستان : ۵۴ - ۶۴ - ۷۶
موزه فری گالری (امریکا) : ۵۱	<u>ع</u>
موزه لوور (پاریس) : ۲۳ - ۵۶	عربستان : ۵۸ - ۵۹
موزه لنینگراد : ۵۱ - ۵۹ - ۶۹	<u>غ</u>
موزه متروپولیتن : ۶۹ - ۷۰	غارشاپور : ۴۳
مصر : ۱۲	<u>ف</u>
ممسنی : ۴۶	فارس : ۲
میلان : ۸۰	فریگیه : ۲۰
<u>ن</u>	فنیقیه : ۲۱
نقش داراب : ۴۳	<u>ق</u>
نقش رجب : ۴۰	قزاقان : ۶
نقش رستم : ۴۰ - ۴۳ - ۴۹ - ۵۰	قصرالدشت : ۴۶
نهایند : ۳۳	<u>ك</u>
نیشابور : ۴۲	کتابخانه ملی پاریس : ۶۷ - ۷۰ - ۷۶
نیویورک : ۲۶ - ۶۵ - ۶۹	کرمانشاهان : ۲
<u>ه</u>	کرنه : ۲۱
هتره (الحضر) : ۳۲ - ۳۳ - ۵۸	کوهخواجه : ۳۲
همدان : ۲ - ۲۳	
<u>ی</u>	
یونان : ۱۶ - ۱۸	